از انتشارات

دواة النشر والترجمة والتأليف
لجامعة مدينة العلم للإمام الخالصي الكبير
في الكاظمية

(شماره ۳)

راهزنان حق وحقیقت
یا
بازگشتگان بسوی بربریت وجاهلیت

خلاصه بیاناتی است که حضرت آیت الله خالصی دامت برکاته
در جامعه مدینة العلم برای دانشجویان ایراد فرمودند

موضوع سخن ردّ هذیانات و یاوه‌سرائی هائی است که حزب منحل توده ایران (از پیروان کمونیستهای دیوانه‌بی بند و بار) بعنوان کتاب نگهبانان سحر وافسون منتشر کردند.

این کتاب راباد قت بخوانید و بدیگران نیزسفارش کنید تادرجه جنون بعضی ازمردم این زمان ودشمنی آنانرانسبت بحق وحقیقت وپیروی از جهل و اوهام و خرافات ووحشیگری وارتجاع بقرون قبل از تاریخ‌را بدانید ووظیفه خودتان رابرای اطاعت امر الهی انجام دهید.

ربیع الاول ۱۳۷۱

چاپخانه‌ی معارف — بغداد

و به نستعين

الحمد لله ولا نعبد إلا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون الملحدون ونشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له ونشهد أن محمداً عبده ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله وان أبى المشركون والجاحدون اللهم صلى على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها اقصى درجات السعادة في الدنيا والآخرة ويرغم بها المارقون والجاهلون والمفسدون .

أما بعد فرزندان عزيزم امروز بشمسه ديوان نشر وترجمه وتأليف نزد شما آمدم درحالتى كه انتظار شما غير از مقصود من ميباشد .

شما انتظار داريد مثل هميشه در مزاياى علمى وعملى اسلام وبرترى آن برتمام اديان وآراء واهواء وانحصار اداره بشر وسعادت او در دنيا وآخرت بتعاليم اسلامى واستدلال براين قضايا از تطورات سريع بشر وپيش بينى دين اسلام از انها از من بشنويد. اما من براى شما چيز تازه‌اى آورده‌ام وبرخلاف رويه هميشگى خود كه در طريق هجوم دعوت بسعادت مينمودم امروزا جباراً طريق دفاع را اتخاذ مينمايم .

مسئله چيست وبراى چه تغييرروش در درس ميدهم ؟

در هفته قبل راديو را بايران باز كردم تا خبر هاى آن كشورى كه علاقهٔ شديدمن هيچگاه از آن سلب نميشود بشنوم .

بين اخبار آن از طرف بعضى سناتورها بعنوان نطق قبل از دستور راجع بكتابى كه دشمنان دين در ايران منتشر نموده‌اند بيانات شديد

دران کتاب فرض شــده دیگر معنی ندارد از مرگ بتر مندپس چرا لا اقل برای حفظ خودشان نکوشند ودشمن خودشا نراپیش از انکه بر آنان مسلط بشود ازبین نبرند .

در مثل مشهور عربی است :

« تغد بالیث قبل ان یتعشی بك » یعنی شیررا چاشت خود قرار بده پیش از انکه او تورا شام خودش قراردهــد . وحکمت در این است که تا فرصت هست دینداران این مفسدین راریشه کن کنند. نه از ایران تنها بلکه از روی زمین .

٥ ـ علماء دین که ادله قاطعه وبراهین ساطعه وحس ووجدان وعقل ومکتشفات عصر حاضر تماماً دین ایشانرا تأیید میکند چرا از این جهل وبی علمی وخرافات واوهام که در این کتاب هست ســاکت وخاموش نشسته اند وآنــ رارد نمیکنند وبا اصول علمی نهایت جهل ونادانی را که دراین کتاب هست اشکار نمیسازند .

٦ ـ در این کتاب ادعاء کرده که علماء دین جاهلند وحال انکه طالب اصلاح نباید بجهل کسی شماتت کند و راضی شود که جاهل برجهل خود باقی بماند بلــکه بر طالب اصلاح فرض است که جاهل رادانا کند وجهل اورا بعلم مبدل سازد . من نمیخواهم که علماء اعلام وحجج اسلام بجهل مؤلفین این کتاب شماتت کنند چونکه شماتت بجاهل شیوه علمــاء دین نیست لیکن تعجب میکنم چرا در صدد اصلاح این جاهلین برنمیآیند وحق صریح وحقیقت محض که در نزد انها موجوداست وعلوم بی پایانی که در دین اسلام وجود دارد برای این جاهلان ظاهرنمــا زند وآنهارا بفهمانند حقیقت علم که منحصراً نزد علماء دین است وجهالی که محسوسات

الهجی را شنیدم بنابر علاقه ای که بشؤون ایران دارم میل داشتم کتاب مذکور را ببینم خدا اخواست یکی از دوستان که دوروز قبل از ایران میآمد بکتابخانه (جامعة مدینة العلم) آمد راجع بکتاب مذکور گفتگو شد اظهار کرد که نسخه ای از آنرا برای شما آورده‌ام وکتاب‌را از جیبب خود بیرون آورد وداد .

من بیکی از دوستان ایرانی دادم که از اول تا آخر آنرا برایم بخواند پس از اتمام قرائت از جهات آتیه درشگفت افتادم :

۱ ـ کتاب مذکورتنها تعرض بر علماء دین نکرده ، بخدای عز وجل وپیغمبران صلوات الله علیهم اجمعین وبهردینداری در عالم وبجمیع کتب مقدسه آسمانی وانبیاء علیهم السلام خصوصا خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله وائمه معصومین علیهم السلام وامام زمان عجل الله فرجه بهمه انها جسارت ورزیده وسخنهای دور از ادب وانسانیت نسبت بآنها داده و زبان طعن وسب ولعن (العیاذ بالله) نسبت بمقدسین گشوده بود .

۲ ـ سناتور مذکور فقط از علماء دین نام برده وخالق جهان وپیغبران وخاتم انبیاء (ص) وائمه علیهم السلام را ذکر ننموده است گویانخواسته جسارت رابالا ببرد یا اینکه کتابرا ملاحظه ننموده است .

۳ ـ بلاد اسلامی ایران که بیست میلیون مسلمان دارد در مقابل چنین کتابی چطور ساکت وخاموش ماندند ومنتسبین باین کتاب شوم یعني حزب توده وکمونیستهای ملحد بدزبان رادربین مسلمانان باقی گذاشتند .

٤ ـ علماء اعلام وخطباء عظام که حکم اعدام ونابود کردن آنهادر از کتاب صادر شده چه‌انتظار دارندو از چه‌میترسند مرگ برای اانها

کلیات کتاب مذکور

از قرار فصول بر ترتیب زیر است

۱ ـ (نگهبانان سحر و افسون)

این عنوان اول کتاب است ومقصود از نگهبانان سحر وافسون علماء دین ووعاظ وخطباء میباشد ودرضمن تعرض بخدا وپیغمبران خصوصا خاتم الانبیاء وبائمه خصوصا حضرت صاحب الامر نموده است.

چیزیکه در این کتاب هست ودرتمام صفحات آن موجود است ادعاهای بدون دلیل میباشد. نه تنها مدعیات را بدون دلیل و برهان ذکر کرده بلکه باوجود هزاران دلیل، انکار محسوسات بدون پروا وحجاب دیده میشود گوئی مؤلفین کتاب با علم دشمنی خاصی دارند. چرا که علم تمام اهواء وخرافات کونیستی را از بین میبرد ودشمن کونیستی میباشد. لذا کونیستها هم دشمن علم هستند.

یکی از مدعیات بی پروای مؤلفین آن کتاب این است که علماء ووعاظ وخطباء را نگهبانان سحر وافسون دانسته‌اند. ما درانجا نمیخواهیم این ادعاء را رد کنیم وتطویل بلا طائل دهیم. صفحات آتیه این مطلب را بخوبی روشن خواهد کرد ومدلل خواهد ساخت که سحر وافسون نزد دینداران است یا بیدینان وکدامیک ادعاء پوچ میکنند فقط باین مناسبت میخواهیم از علماء اعلام خواهش کنیم که در اظهار علوم وحقایق اسلام بیشتر جدیت کنند ودر عالم منتشر سازند تا مجالی برای اینگونه جاهلان باقی نماند که چنین ادعائی را بکنند واگر باوضوح امر باز مدعی بشوند

حیات راهم منکر هستند بهره ای از علم ندارند .

۷ ـ مؤلفین این کتاب شماتت میکنند که بین علماء دین اختلافی هست ولکن برای فرط جهالت ان مابین اختلاف دررأی واختلاف در عمل را تمیز ندادند . از مزایای شریعت اسلام ازادی دررأی است ولکن در اصول اسلام که امور مسلمهٔ علمی میباشد اختلافی نیست چونکه علم وحقیقت مؤید آن است ویکی از امور مسلمه بستن یك صف محکم از تمام متدینین در مقابل دینی وبی دینان است ومطمئن باشند که این صف وجود داردودران هیچ اختلافی نیست .

۸ ـ در این کتاب زیاد اسم نجف وقم برده میشود گوئی مؤلفین کتاب تصور میکنند که نجف وقم دو حاست وچیزی کهدر قم وجود دارد در نجف نیست وحال انکه نجف وقم و کربلا وکاظمین وسامراه وخراسان وطهران وبغداد ومصر وکراچی وهندوستان ومراکش وتونس وطرابلس واسلامبول وغیرها همه بلاد اسلامی هستند ونور حقایق علمی در تمام انها درخشان وبرظلمت مسکو وخرافات آن واوهام کارل ماکس ولنین وانگلزغلبه دارد وانهارامحوو نابود خواهد ساخت وبروشنائی علمی مبدل خواهد کرد .

اینها موجبات شدت تعجب من از این کتاب میباشد وقبل از ذکر ملاحظات لازمه براین کتاب ورد شبهات آن لازم میدانم که اصول کلیه ان کتابرا ذکر ومختصراً در اطراف آنها بیاناتی نمایم .

وجدان ومشاهدات وحس آخرین مرحله استدلال است یعنی وظیفه دلیل این است که مجهول را بمعلوم برساند ومعلومات ومشاهدات کون وطبیعت همه بتوحید الهی اقرار واعتراف مینمایند وفریاد لا اله الا الله از هر ذره ای از ذرات کون بگوش هر شنوائی میرسد

(دل هر ذره را که بشکافی   آفتابیش درمیان بینی)

وهر بینا هرچه می بیند که توحید را درآن میخواند ومعذلك جاهلان کمونیست ها ان مشاهدات را انکار میکنند مدعی عکس آن میشوند آری کر وکورند چشم وگوش وعقل وهوش ندارند (ان هم کالانعام بل هم اضل) دشمن علمند ، دوست جهلند ، خدا چشم بیناوگوش شنوا بانها بدهد یاروی زمین را از لوث جهل والحاد انها پاك وطاهر سازد . هرکس بفکر ساده وبحکم فطرت عملی را ببیند که برای قصد معینی انجام داده شده است فوراً حکم میکند که سازنده آن علم وقدرت وقصد واراده داشته است واگر شخص عالمی آن عمل راببیند از آن استدلال میکند بر علم واراده وقدرت سازنده آن وهر قدر که علم بیننده بیشتر باشد عقیده او بعلم واراده وقدرت سازنده ان عمل محکمتر میگردد وکمونیستهای بی بندو بار له محکوم فطرت هستندونه برطبق حکم علم وعقل رفتار مینمایند بدیهی ست انها فاقد علم وعقل حتی فطرت بشری هستند . گوش شمامی بیند . آیا برای شنیدن خلق نشده ؟ چشم شمامی بیند آیا برای دیدن تکوین نشده ؟ سخن مرا میفهمید آیا فهم در مغز شما درست نشده ؟ تمیز میدهید که من صحیح یاسقیم میگویم آیا عقل درکله شما ایجاد نشده است ؟ ار این پدیده وظاهره که در ابد ان ماهست قدم فراتر میگذاریم وباسرار اولیه ان برسیم این گوش که از عصب دقیق

چنانکه عادت انها براین است بدهن انها بزنندوخورد کنند وکسانیکه از حقایق اسلامی بی خبرند فریب این نادانان وملحدین رانخورند .

۲ ـ (خداودین مخلوق پندار آدمی است)

این جمله عنوان فصل اول کتاب است واین که معتقدات انسان وحشی قبل از تاریخ یعنی انسان بیابان گرد کوه اورد جنگل نشین بوده که بواسطهٔ بی علمی ودورافتادگی از رهبری پیغمبران خدا رانشناخته ومنکر او شده ولی بعد ازاین همه ترقیات علمی بشر کوپنستهای بی بند وبار که مدعی بنیان دنیای نوینی هستند میخواهند اهل جهان وبربریت برگردانند وچنین ارتجاع عظیمی رامرتکب شونده

ماکس جاهل وانگلز نادان ولنین بی علم واستالین کفاش این کلماترا تکرار نمودند ومنشأ همان کارل ماکس است وغیر از تکرار این لفظ از اتباع وی دیده نشده است . دلیل وبرهان وقرینه هم لا أقل برای اثبات این ادعاء أقامه نمینایندوبه ملیاردها دلیل بر قدرت ازلی الهی وتدبیر واحکام صنع که در هر ذره ای از ذرات کون مشهوداست وهیچکدام قابل تردید نیست اعتنا نمیکنند . نه چشم آنهامی بیند ونه گوش آنهامی شنودونه فکر وعقل دارندکه غیر بین اشیاء بدهند عجیتر این است که این جاهلان بقصور معلومات وعلم از ادراك اسرار پدیده های طبیعت واز فهم تمام موجودات این فضاء وما وراء ان اعتراف مینمایند مغذلك با کمال جرأت میگویند در اسرار طبیعت ودر این فضاء وما وراء آن خدائی وجود ندارد چیزی راکه ادراك نکردند چگونه برآن حکم میکنند غیر از جهل ونادانی موجبی برای این جرأت هست ؟

هستند . نظر با ملاك میا فکنیم آفاق ، سیارات لا تحصی با کمال نظم این فضای غیر معلوم النهایه را اشغال کرده اند آیا تدبیر در آن نیست پس چرا هر یك با دیگری تلاقی نمیکنند و یکی دیگر را خورد نمینماید کتب علم هیئت همه کتابهای توحید وایمان بخدا است . بکتب فزیك ، شیمی ، طب ، تشریح ، زمین شناسی ، حیوان شناسی ، تاریخ طبیعی وسایر علوم دقت کنیم همه آنها کتب توحید ومعرفت خالق عالم قادر قاهر مدبر حکیم رامی بینیم (سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق او لم یکف بربك انه علی کل شیء شهید) (حم سجده)

کمونیست در برابر فطرت اولی وانظار ساده علمی وتمام علوم ایستادند وهمه را انکار نمودند وتدبیر امور واحکام واتقان صنع که در هر ذره مشهود است بیك کلمه جواب دادند گفتند : اینها خاصه ترکیب مادی است . خاصه یعنی چه ؟ معنی ندارد تحلیل کنید آیا ترکیب مادی برای این مقاصد درست شده است یا نه ؟ اگر جواب مثبت بدهند توحید الهی بفطره اولی وتمام علوم ثابت میشود واگر جواب منفی بدهند مخالفت حس ووجدان وتمام علوم که در نزد بشر میباشد کرده اند ومخالف اصل مسلم (وجود از عدم نمیشود) شدند . با این ادله قاطعه بازمیگویند (خدا ودین مخلوق پندار آدمی است) مامیگوئیم پندار آدم مخلوق کیست؟ که تو اند خلق کند اگر بگو یند پندار مخلوق قوه عاقله است ثابت شد که خالق پندار خدا است . واگر بگویند ماده پندار ندارد وغیر از ماده چیز دیگری نیست پس این پندار از عـدم موجود شده ووجود از عدم محال است چنانکه میگویند واگر بگویند پندار خاصه طبیعی است) آیا این کلمه مجهول تهی مغز حل این معمار امیکند؟ یا جواب این اشکال را

متصل بدماغ گیرندهٔ ومنعکس کننده صوت ترکیب شده آیا قصد وتدبیر در آن نیست ؟ دراین بینی وحلق که مجرای تنفس میباشد ومنشاء دوام وحیاة شما است آیا ترتیب عقلائی وتدبیر محکم در آن وجود ندارد ؟ آیا دهان ودندان ورطوبت وگردش زبان برای جویدن وبلعیدن وحرف زدن خلق نشده است ؟ وهکذا در تمام اعضــاء خودمان نگاه میکنیم بعد از نظر سطحی وساده در مرتبه اول علمی حس میکنیم که در تمام اعضاء انسان ادله قطعیه بر قصد وعلم وقدرت واراده سازنده آن وجود دارد اگر عمیق تر بشویم وفن فیزیولوژی رابخوانیم هر صفحه ای از صفحات آن ادله بیشمار قطعی بر علم وقدرت وحیات واراده ســازنده مشاهده مینمایئم . تنهـــا درخون انسان ملیونها گلبولهای سفید وسرخ میبینیم که هر یك از این گلبولها برای عمل مخصوصی از قبیل جـــذب اکسیژن بیدن وتغذیه آن ودفع فضولات کربن ومدافعه اعراض وارده بر بدن باترتیب منظمی مشاهده مینمایئم پس تنها درخون انســـان بر تدبیر وقدرت الهی میلیونها دلیل علمی وفطری ساده ودقیق وجود دارد که هر یك قابل تردیدوانکار نیست کتابهای فیزیولوژی ادله قطعی توحید الهی است . شما میشنوید ومن سخن میگویم وهر دونفر میکنیم واحساس میکنیم سیروگرسنه میشویم آیا ما حیات نداریم ؟ فرق بین ماوسنگ نیست ؟ البته پیداست حالا در مبدء ما حیاتی هست یا نیست اگرحیاتی باشد پس توحیدالهی ثابت شد واگر در مبدأ حیاة نباشدچنانکه کمونیست ها میگوینــد پس حیاة ما از عدم موجود شده است واز اصول ماتریالیستی این است که محالست که وجود از عدم صورت ببندد پس چگونه حیات ما از عدم صورت گرفته از اینجا میفهمیم که کتابهای بیولژی کتب توحید الهی است و کمونیستها منکر فن بیولژی وکتب آن

نوبت ایشان آکردند تناقض وسخنان مخالف عقل از این جاهلان وبی خردان عجیب نیست اصل خرافات ماتریالیستی وخاصه دیالیکتیکی بر اوهام وخرافات وتناقض ویاوه سرائی مبتنی است منتظر باشید تا این فصل خوانده شود وتعجب کنید چگونه بشر به محلی میرسد پست تراز محل چارپایان .

٤ -(دین ومذهب از دیده رهبران کونیسم)

فصل سوم بعنوان فوق معنون است . خفاش نور افتابرا نمی بیند. شعاع نور مذهب بمراتب مالاتر از نور آفتاب است ودیده کونیست بمراتب از دیده خفاش ضعیفتر است اگر کونیستها از دیدن انوار دین ومذهب محروم باشند عجب نیست .

کونیستها کور وکر وگنگ هستند کور البته نور را نمی بیند . کر صدای حق رانمیشنود . گنگ نه صدای حق رامیشنود ونه میتواند. بآن تکلم کند چه میخواهید دین ومذهب از دیده کونیستها بشود

کونیستها در قیود وزندان ماده باز داشت ومقید هستند چطور میتوانند در عالم لا یتناهی ملکوت سیر کنند البته از این لذت ومعنویت که جمال طبیعت وکمال ماده میباشد محروم هستند کونیستها فاقد علم هستند . دربند خرافات واوهامند .

وفاقد علم نمیتواند در جمال طبیعت سیاحت کنند واز این جمال محروم است چه رسد بعوالم ما فوق . رهبران کونیست در ظلمات جهل ونادانی افت وخیز میکنند وجلو چشم خودشا نرانمی بینندو حتی بخود- شان هم نمی نگرند دیده ندارند که حقیقت را ببینند. دین ومذهب از دیده

را میدهد ؟ یا مستحق است که اسم علم بر آن اطلاق کنـــیم ؟

اکنون اگر گویلستها انصاف دارند وانصاف را خاصه طبیعی نمیدانند وانصاف را از اخلاق انسانی میدانند انصاف دهند نگهبانان سحر وافسون دیند اراند یا بید ینان وجهل نزد اهلین است یا ماتر یا لیستها وکدامیك پیر وخرافات هستند ملحدین یا مؤمنین .

اگر کسی خانه ایرا ببیند که هر جزئی از اجزاء آن برای مقصدی ساخته شده است اطاق برای نشستن . مطبخ برای خوراك پختن . درب برای دخول وخروج . پنجره برای روشنائی وهمچنین سایر اشیاء وبگوید سازنده آن عالم بساختمان نبوده وقدرت بر ساختن نداشته بلا تردید عقلاء بجنون این شخص حکم میکنند . ما نمیدانیم درباره ماتر یا لیستها چه حکم بکنیم که این محسوساترا مشاهده میکنند ومیبینند هر یك برای مقصد معین وغرضی خلق شده وانکار قصد وتدبیر در سازنده آنمینمایند خلاصه میگویند خدا مخلوق پندار آدمی است ما میپرسیم پندار مخلوق کیست ماده که پندار ندارد . وجودهم از عدم محال است خاصه طبیعت هم کلمه بی معنی وبی دلیل است چه جواب میدهنـد آیا غیر از اعتراف بخالق پندار چاره ای دارند .

فعلا باین مختصر اکتفا میکنیم تا انتقاد جهل وبی علمی بلکه جنون آنانرا بعد از ذکر کلا نشان نمائیم .

۳ـ (آئین اسلام یك پدیده مادی است)

این جمله عنوان فصل دوم کتاب است کلام رادر این مقام بسیار طول دادند ودلیلی براین مدعی اقامه نمودند ودر نظر داشته باشید که در همین فصل بمعجزات پیغمبر آخر زمان اعتراف نمودند ومعذلك انکار

اینجا عموم دینداران وبخصوص علماء اعلام را مخاطب قرار داده میگوئیم :
آیا رواست که تبه کاران بیدین در باطل خود شان اینقدر کوشش کنند وشما ساکت وخاموش بنشینید ؟

۷ ـ (همرد راه رزم بر علیه خادمان ظلمت)

فصل هفتم وآخر این کتاب باین جمله مصدر شــده است ماکاملا با این کله موافقت داریم وهمـه برعلیه خادمان ظلمت یعنی کمونیستهای منکر موجودات ومحسوسات ، کمونیستهای مرتجع غدار ، کمونیستهای دشمن نوع بشروانســانیت ، کمونیستهــای حراف بی بندوبار ، کمونیستهای فاقد حیات وشعور واختیار ، کمونیستهای غوطه وردرلجن ماتریالیستی ، کمونیستهای دور از علم ومعرفت برعلیه آنهارزم میکنیم واطمینان داریم که پیروزی باما است زیرا که خدا باما است . باشد که ببینید علیه ما کیست واحد قهار چقدر حلیم وبرد باراست . کی قهر او جایگیر حالش میشو دواین دشمنان خداو پیغبران از روی زمین نابود میفرماید (انهم یرونه بعیداً ونراه قریباً) .

این بود مجملی از کلیات کتاب نگهبانان سحروافسون . اکنــون مطالب دیگری را که لازم است قبل از شروع بخواندن کتاب مذکور بیان کنم بطورکلی ذکر مینمایم :

۱ ـ حاصل کتاب مذکوریک کله است چون بدون دلیـــل وبرهان بوده ومحض ادعاء مخالف وجدان مؤلفین کتاب خواستند بتطویل کلام خواسدگا نرا مشغول کنند بلکه فریب آنانرا نخورند ودرحدود کتاب بعریب دادن اعتراف مینمائید ماهنگام خواندن بتطویلات بلاطائل آن اشاره حواهیم کرد . یک کله دارندو آن این است که العیاذ بالله (خدا

اینهاچه میخواهید بشود . تا کلمات انهارا بخوانیدواز درجه گمراهیشان آگاهی پیدا کنید .

٥ - (انحراف از نظر جهان بینی مارکسیستی)

عنوان فصل چهارم کتاب این است . مهمید بدکه مارکسیستی دیده ندارد که خودرا ببیند وادعاء جهان بینی رامینماید میگوید انسان وسنك یکی است هیچیك حیات ندارند واز انسان توقع اخلاق مینماید مکافات در برابر اخلاق فاضله وکیفر برای اخلاق زشت را انکارمیکند ومعذلك نامی از اخلاق میبرند در موقعیکه این کتاب را میخوانند خواهید دید که هنوز مارکسیستها بچه حد رسیده است .

٦ - (مبارزه کمونیسم بادین واوهام)

فصل پنجم کتاب باین عنوان افتتاح شده واگر عنوانرا با بطریق معدل میکردند (مبارزه کمونیسم با دین باوهام) موافق حقیقت میشد بهر حال مبارزه کمونیسم بادین زمینه مبارزه جهل کمونیستی با علم دین است . مبارزه بیخردی با عقل . مبارزه شیر خونخوار با انسان خدمتگزار نوع بشر . مبارزه اشخاص شریرتبه کار با اخیار وابرار . مبارزه خرافات با حقیقت مبارزه باطل با حق . مبارزه ظلمت با نور .

البته نور بر ظلمت غلبه خواهد کرد وضلالت وظلمت مغلوب هدایت ورهبری نور خواهد شد ودر انتقاد این فصل این غلبه رامشاهده خواهید کرد . در این فصل طریق شوم سازمان براندازی تبلیغات کمونیستی وتوسل آنهارا بدروغ وفریب واغواء مشاهده خواهید کرد . اعتراف ان تبه کاران راسند قرار دهید وبفریب ودروغ انها گول نخورید . در

علوم ومعلومات رامینمائید چونکه میگویند حیات وجود ندارد وفرق
مابین سنگ ونبات وحیوان وانسان نیست وانسان زنده ومرده یکسانست
وچشم برای دیدن وگوش برای شنیدن وبینی وحلق وریه برای تنفس
وزبان برای حرف زدن ودست برای کار کردن وپا برای راه‌رفتن ودندان
برای جویدن ومعده برای هضم کردن وقلب برای تصفیه خون
ورسانیدن آن بسایر أعضاء بدن وکبد برای نگهداشتن و تولید حرارت
غریزیه وطحال برای اجتماع و تولید گلبولها ومعاء برای تصریف غذاء
وکلیه برای تقطیر بول ومثانه برای جمع آوری آن ومخرج بول وغایط
برای دفع آنها خلق نشده است با اینکه تمام اعمال مزبوره در بدن خود
آنها ادا جراء مذکوره هرروز بلکه هرآن جاری میشود گوئی از اعضاء
بدنشان واعمال آنها بی خبرند (نسوا الله فانسیهم انفسهم) خدارا فراموش
کردند پس خدا آنهارا بفراموشی خودشان مبتلی کرد ومیگویند فرقی
مابین بینی وچشم وگوش وسنگ وچوب نیست ومیگویند فرقی مابین
انسانی که تمـام حیاتش‌را دررنج وزحمت وخدمت بشر صرف کرده
وازتمام ملذات دنیا برای فایده رساندن بافراد نوع خود صرف نظرنموده
ومابین انسانی که تمام عمر خود رادرآزار رساندن به بشر وکشتن افراد
نوع خود وربودن اموال مردم واستعمار بلاد واستثمار رنجبران
پیموده نیست . هردو میمیرند وبعد ازمرگ هیچ خبری نیست ومیگویند
عدالت وظلم وستم یکسانست . صاحبان انها میمیرند وسؤال وعذابی
برای آنها نیست ومیگویند مابین زمین وماه وآفتاب وسایر کواکب فرقی
نیست همه یکسانند ومیگویند فرقی نیست بین اینکه زمین وسایر سیارات
واقمار هریک درمدار خود بطور منظم حرکت کنند واینکه همه درفضا

مخلوق است نه خالق) یا (عقیده مجدا پدیده ماتریالیستی است) این کلمه را تکرار کردند تا کتاب شد وتا آخر کتاب دلیلی بر آن اقامه ننمودند چون دلیل برآن نیست بالعکس ملیاردها دلیل بر ضد آن در محسوسات ومعلومات بشر وجود داردو انهار از برپا گذاشتند .

۲ ـ چون دلیل نداشتند بناسزا گوئی وبدزبانی نسبت بخالق جهان پیغمبران وائمه وصاحب الزمان وملائکه وعلماء وخطباء وهمه دینداران دهن گشودند وباز گفتند نباید دیندارا نراجریمه دار کنیم اگر میخواستند دیندارا نراجریمه دار کنند بیش از این چه میکردند نمیخواستند دیندارا نرا جریمه دارکنند ولکن حکم اعدام همهٔ آنهارادر این کتاب دادند . ما اگرا زبد زبانی اینها انتقاد کنیم حق داریم زیرا انها را باشعور وفاعل مختار میدانیم وملامت میکنیم که چرابد زبانی را اختیار کردند وخوش زبانی را ترك کردند اما انها حق ندارند که مارا ملامت کنند زیرا الما نرا فاقد حیات وشعور وعقل واختیار وادراك میدانندواز چنین مخلوقی نباید شکوه کرد مثلا اگر سنگی بر سر آنها افتاد نباید سنگ را سرزنش وملامت کنند حال که چنین است میگوئیم منکر خدا پدرش را نشناخته که خدا را بشناسد وما درش نیز پدر را نشناخته چون از خیابانها وخانه‌ها وشهرنو پسر را پیدا کرده وکسی که پدر خودرا نشناخته باید خدای خودش رانشناسد وما این معنی را میدانستیم ازانیجهت منع میکردیم که مردان بازنان اختلاط وخلوت کنند چون میدانستیم آزادی مطلق زنان ومردان از قیود زوجیت بانکار خدا منجر خواهدشد .

۳ ـ در این کتاب کونیستها انکار محسوسات و مشاهدات وتمام ،

عین کتاب نگهبانان سحر وافسون

با انتقاد مختصری بر آن

(برخواننده این کتاب لازم است هر رقمی که برسد آن رقم را در انتقاد که بعد از تمام شدن کتاب ذکر میشود جستجو کند وبخواند)
وباید دانست اگر غلطی در کتاب پیداشود این غلط در أصل نسخه بوده وچون نبایست هیچ تغییری در کتاب داده شود از این جهة عین غلط مطبعه هم نقل شده است .

پرتاب بشوند و بیکدیگر تصادم کنند و نابود شوند .

این حالات متناقضه یکی هستند وتفاوتی مابین این احوال نیست نور وظلمت ، گرمی وسردی ، رنج وراحتی ، مرض وصحت ، تلخی و شیرینی،شوری وبی مزگی ، درشتی و نرمی همه یکسان است اینها همه ایست از نظریات (ماتریالیست دیالیکتیکی) در عقاید . شاید تعجب کنید وباوثوق که بمن دارید ممکن است که باور نکنید چنین نشری روی زمین پیداشود لازم است برای اینکه مطمئن بشوید نظریات کونیستها راجع بعقائد شان اینها است عین کتاب خوانده بشود و کلماتشا نرا بشنوید تادر اطراف آن صحبت بنمائیم .

قبل از شروع بخواندن باید بحکومتهای اسلامی وسایر حکومات دیندار تذکر داده شود که جلوگیری از نشر امثال این کتابها نکنندو بگذارند منتشر شود تادینداران تکلیف خود شانرا در مقابل نیات سوء کونیستها بدانند وترس وهراسی ازا ینگونه نشریات نداشته باشند زیرا خودان کتابها بهترین ردی است برای مدعیات کونیستها وخرافات انها قابل تصدیق بشر نیست واگر ملاحظه نمائید وتصور کنند شاید بعض ساده لوحان فریب اینگونه کتابها رابخورند هر کتاب که کونیستها در صدد نشر آن برائید یکی از دانشمندان بدهند تا بخرافات واوهام آن اشاره کنند ومنتشر سازند . از اینجهت من لازم میدانم که عین کتابرا با انتقادات بران منتشر کنم . (دراینجا کتابرا ارائه دادند و فرمودند ببینید از حروف وچاپ آن معلوم میشود چاپ ایران نیست شاید چاپ مسکو یابادکوبه باشد) سپس بیکی از علماء دادند تا بخوانند

نگہبانان

سحر و افسون

نگهبانان سحر وافسون

بهمان اندازه که جهان بینی واقعی وطرز تفکر علمی درمیان روشنفکران ودرزندان دلارو وپیشرو ایران توسعه می یابد وندای آزادی بخش معماران وبنیان گزاران دنیای نوتوده‌های محروم و ستمکشیده این کشوررا بیدار میکند ولحظه تاریخی رستاخیز وجنبش ستمکشان ایران نزدیك میگردد ، ارتجاع خونخوار وشکست خورده وامپریالیزم هارو ستمگر نیز کوشش مینماید که باحرکات مذبوحانه خود وبا توسل بهزاران نیرنك وافسون جلوی این سیر جبری تاریخ راسد نموده وزنجیر های أسارت وبندگی‌رابدست وپای طبقه محروم ایران محکمتر نماید ، غافل‌ازاینکه با این نیرنگها وافسونها محال است بتوان جامعه‌را ازجریان تکاملی خود بازداشت وسیل خروشان ترقی وانقلاب‌را متوقف نمود .

ستمکشان ایران درد و ستم‌رابخوبی احساس کرده‌اند وروشنفکران این کشور نیزازماورای این طلسم کهن ، نسیم جان پرور آزادی وعدل‌و دانش را استشمام کرده‌اند . درآینده‌نزدیك ، خیلی نزدیکترازآنچه بتصور درآید ، زنجیر های جهالت واسارت را ازهم خواهند گسست وبر فراز ویرانه این غمخانه وظلمتکده اوهام وپنداربنیان زندگی نوین خودرا استوار خواهندکرد وبجای‌این نظام منحط ومنفور ، نظام نوینی که‌درآن آقا واورباب وآیة‌الله‌واله وظل‌اله وامام وامامزاده نباشد بوجود خواهند اورد .

• یکی‌ازهزاران نیرنك وافسونی که ارتجاع سیاه وکوته نظر ، بدان

این درمانان طلسم جهالت این آیةالله‌ها وحجة الاسلام هائی که دراین ایام مانند علفهای هرزوخار های رهرا گین در علفزار اجتماع ماروئیده‌اند ، مفتخورانی بیکاروتن پرورانی بیمارند که کارشان فقط خوردن مال ایتام وذوی القربی والمساکین ووقف (۲) بوده وهنرشان افزودن بقطر شکم وعمامه است . اینگونه زالوهای خون آشام فقط میتوانند در اجتماعاتی نظیر اجتماع ایران که نظام منحط وفرسوده سرمایه داری وامپریالیزم برآن حکومت میکند ، نشو ونما کنند . بنابراین لعجب ندارد اگر اینها بزرگترین مدافع حقوق غارتگران و ستمگران ونظام منحط موجود بوده وارباب ظلم وجوروخداوندان زور وزررا حتی بیش ازخدای نادیده خودشان پرستش نمایند .

بهمین دلیل است که اینها سعی دارند خلق راوادار کنند که بفقر ومسکنت وبدبختیهای خود بعنوان اینکه تقدیر خداوندی است قانع وخرسند گشته ورزق‌روزانه‌را مقسوم وسرنوشت نکبت بار خود را ازروزازل معلوم بدانند وبخدائی که اینهمه بد - بختی ونکبت نصیب آنهــا نموده‌سجده کنند ودربرابر انواع بلیات ، زبان بشکروستایش اوبگشایند .

چقدر وقاحت وبیشرمی است که جمعی خودرا پیشوا ورهنمای خلق بنامند واین ترهات رامانندسمی که زایل کننده تمام زیورهای شایسته انسانی است‌درکام خلق بچکانند . این گراه کنند گان که نام خود راهادی ورهبر اجتماع قرارداده‌اند،پیوسته باذکر و خواندن افسانه‌های کهن ومبتذل «خدا» و « پیغمبر » و « بهشت » و «دوزخ» و «معاد »

توسل جسته ، بکار بردن حربه کهنه وزنك زده دین وایمان وچماق تکفیر وارتداد است که از قرنها پیش همواره با آن مغزهای روشن ودماغهای منوررا کوبیده اند .

این روزها بازار دین فروشی بازرونق گرفته وهزاران دکاندار دغلباز ومکار بنام آیة الله و حجة الاسلام وعمدة الواعظین وحبر الحاج والمعار پیدا کرده است که باتحمیق خلق وتکفیر مردم هشیا روآزاده میکوشندهر قــدر ممکن است نجات مردم این سرزمین راتاخیر انداخته واز زوال حودوافکاربوسیدشان جلوگیری عا یند .

این منحصر بایران نیست . درهمــه نقاط جهان بوژواری ستمکار وسرمایه داری محتضر درعین بی اعتقادی بهمه چیز دست بدامان خدا ودین زده و آخوند وملا وکشیش وخاخام وامثال این رهزنانــ عقل ودانش(۱) راتقویت میکنند تا اینکه ظلم وبیداد راتقدیس کنند وخیانت وفساد رامشروع نماینــد وعروق توده های وسیم رنجبران را اززهر جهالت واوهام انباشته نمایند واندیشه واراده آنهارا بدزدند .

« بور روازی در دین وسایل تیرگه خوردامیجوید ، بور ژواری میبید که مذهب زمینه ای را درست میکند که بقول روسو مردم ظلم وستمگری بوژوارا تنبیه حداوندی تصور کنند واهمیتی ندهند که دراین جهان آزادهستند یانه ،وباز بقول روسو طرفداری ارتجاع ازدین برای اینست که دین بر اساس دروغ نهـاده شده ومردم رافریب میدهــد وآنهارازود باور وموهوم پرست بارمیاورد . » (نقل ازیك تحلیل انتقادی ازجهاد بینی بوررزوازی امریکا ـ ازم . ح . کاوه ـ چاپ تهران ـ صفحه ٤٧) .

کرده‌اند وازهمه بالاتر انواع واقسام پسران حوررو (غلمان) ودختران زیبا روی (حوری) برای عیش و عشرت مؤمنین ومؤمنات درآن لول میزنند .

بیچاره انسان طلسم شده واسیری که عمری با تعب ورنج وانواع واقسام مصائب ومحرومیتها بسر میبرد روزی چند بارسر بسجده مینهد ودست آخوند ریاکاورا میبوسد،شب زنده داریها میکند ، اشکها میریزد ، بدین امید که پس ازمرگ باین بهشت عنبر سرشت قدم گذارد تادلی ازعزا در آوردو کامی درکا مرانی برند از بهشت مضحکتر جهنمی است که موءمن خدا ترس وآدمیزاد طلسم شده‌را ازآن میترسانند . این جهنم باهمه عذابهای هول انگیزی که آخوندك ناداناز آن وصف میکنند ، موحش تر وهول انگیز تر از زندگی کثیف خود مومن دراین دنیا نیست آتش جهنم آخوند از لهیب آتش بیداد وستمی که مومن بزنجیر کشیده فعلا در آن دست وپامیزند سوزان تر نیست بجای مار وعقرب وکژدم ورطیل هم هزاران آفت وبلای جانگزای روحی وجسمی ، فقر وبینوائی ، جهالت بلای جان مومن است وهزاران موکلین غلاظ وشداد عذاب که آخوند ورمال وزیارت نامه خوان ودعا نویس هم جزوآنند ، دائما اورا عذاب میدهند . بازهم باید گفت بیچاره انسانی که ازترس عذاب جهنم یك عمر بدتراز عذاب جهنم‌را تحمل میکند .

یکی از افسونهائی که سالهاست این مکاران دغلباز بگوش مردم خوانده‌اندتا ظلم را مشروع وستم راحق واستعمار واستثماررا مشیت الهی قلمداد نمایند ، افسانه مضحك وشاخدار ظهور مهدی آخر زمان است . این دجال صفتان هر روز از فراز منا بر بگوش مردم خوانده

و « آخرت » و « امام » و « امامزاده » که یادگاردوران میتوالوری
وآغاز حیات بشریت‌است اعصاب مردم را تخدیر نموده وآنرا بصبر
وتحمل دربرابر تعدیات وفشار های‌ارباب جور وفساد معتاد مینمایند (۳)
این بیخردان تهی مغز واین دیوانی که‌درجامه ورشته خود نمائی میکنند
برای اینکه خودوالهام دهندگان واربابان ریاخوارشان درمیان طلا
غوطه بخورند وهرشب نازنینی‌را متعه نموده درآغوش بگیرند ، بتوده
رنجبر ترك شهوت ودنیا میاموزند ، دنیا رادارفانی وگذران میخوانند
وبا این اباطیل میکوشند که مردم را ازتوجه بدنیا وزندگی وازتلاش
در راه بهروری خود بازداشته وبفکر آخرت وبهشت موهوم ، همین
دوروزه عمر را برای‌آنها جهنم‌نمایند. ما ازاین احمق پرستان‌گول پسند که
میکوشند هر روز عصاره ارتجاعی ترین افکاررا بخورد مردم بدهند
میپرسیم اگراین دنیا فانی است ونعمتهای آن قابل دلبستن نمیباشد ،
پس‌چرا شما آنرا دودستی چسبیده اید ؟ چرابرای پرکردن شکم
گندیده‌وافزایش قطر کردن کلفت خود ازهر جنایتی ابانداریدو
بزرگترین جنایتهارا که‌تحمیق واغفال مردم‌است پیشه خود قرار داده‌اید؟
عجب دراین است این شیطانهای رجیم درحالیکه مذمت دنیارا میکنند
وازجهان گذران بازشتی نام میبرند ، بهشتی‌را در آخرت وعده‌میدهند
که پراست ازهمین نعمتهای دنیائی وشیطانی ازهمین نعمتهائی که دراین
جهان ، مومنین‌را بترك آن دعوت میکنند . جنات تجری من تحت الانهار
آخوند خالی است پرازانواع میوه‌ها وخوردنیها ، نهر های بزرك شیر
وعسل درمیان آن‌روان است . قصور وکاخهای آن ازیاقوت احمر وزبرجد
سبزو مروارید غلطان بناشده ، سطح آنرا باخشتهای سیم وزر فرش

ما بهیچوجه از کردارو گفتاراین گمراه کنند گان ورونق بازار آنان هراسی ند اریم ، برای ما که میخواهم درساختن دنیای نوین کارگران ورنجبران بازحمت کشان وهم رنجبران خود اشتراك مساعی کنیم وبرای هرگونه مبارزه جان برکف آماده‌ایم ، تشبثات مذبوحانه آخوندها که امپریالیزم هـــار ، الهام دهنده آنهـــاست غیر منتظره نبوده ونیست .
ما بخوبی میدانیم وازروز آغاز هم تشخیص داده بودیم که سخت‌ترین مراحل مبارزه ما مبارزه باجهل واوهام ودین وخرافات ودریدن پرده پندارهـــا ست وخوشبختانه دراین راه بیش از سایر قسمتها کامیاب بوده ایم .
آنچه باعث موفقیت وپیروزی مادراین مبارزه است جهل وبیسوادی آخوندهاو حس خود نمائی ورقابت ودشمنی شدیدی است که میان آنهاست این خادمان زور وزر وپاسبانان جهل واوهون بهمان اندازه که حریص وآزمند وشهوتران وشکم پرستند ، احمق ونادان نیزمیباشد .
باسواد ترین آنها حتی یك دوره تاریخ عمومی ساده جهـــان رانمیداند واز علوم وفنون جدید یکلی بی خبر است . حد اکثر کتابهای سراسر دروغ « علمی » راخوانده باشد واگر خیلی مشرب حکمتی وفلسفی فقول خود شان داشته باشد « اسفار » ملا صدرا را که عبـــاره یك مشت چرندیات است نیز مرور کرده است . اینهـــا باهیچیك از مکتبهای فلسفی جدید وافکار وتئوریهای دانشمندان انس وآشنائی ندار ندوچون غالبا برای خود نمائی میخواهند ابراز فضـــل کنند ، مهملاتی بهم میبافند که بهترین وسیله رسواشدن آنهاست . ازاین گذشته اینهـــا ابدا روح وموقع زمان را ادراك نمیکنند ، بتحولات اجتماعی وجریان تکاملی حیات بشر معرفتی ندارند ، باهر گونه وسیله ترقی وپیشرفت

مشیت الهی اینست دراین دوران آخر زمان (عصر جان ستاندن وجان کندن بور ژوازی) دنیا پر از جور وظلم گردد ، فساد وبیداد درهمه جا رخنه کند ، زبردستان مانند دیو و ددبجان زیر دستان افتاده آنهارا بچاپید وغارت کنند ، همه باید دربرابر این ستم ها و بیداد ها تحمل پیشه خود سازید وبجای آنکه خود تان بتکاپوو جنبش بر خیزید در انتظار روز فرح وروز ظهور امام ناپیدا باشید .

روز ظهور مهدي آفتاب بجای آنکه از خاور طلوع کند، از باختر سر میکشد، یاران امام که سیصدو سیزده تن میبا شند ، ازطالقان وقم وسبزوار وکاشان ونطنز بر خواهند خاست و با « طی الارض » خود را بمکه خواهند رسانید . آنوقت امام شمشیر کشیده بگرفتن خون حسین خواهد پر داخت ! آنقدر خواهد کشت که اطراف کعبه دریای خون گردد ، مردم خواهند گفت چقدر خون ریزی میکند . امام در جواب معترضین باچشمان اشکبار بر فراز منبر رفته لنگه کفش پاره خون آلودی را که لنگه کفش علی اکبر است بدست گرفته خواهد گفت «من اگر همه جهانرا بکشم تازه انتقام این لنگه کفش را نگرفته ام» آنوقت این امام با ابن مسیح دیگر واندیشه ، دنیارا پرار عدل وداد خواهد کرد !! تاجائیکه بجای پول وسیله مبادله بین مردم مسلمان خواهد شد !! راستی شرم آور وخجالت انگیز نیست که در عصر اتم در وقتی که دانش بشری پرده از راز تمام پدیده های طبیعت زد اند کسانی پیدا شوند که بادعوی رهبری خلق کوشش کنند تامردم رادردام این ترهات واباطیل اسیر نمایند . البته شرم آور وخجلت انگیز است ولی آخوند، شرم وخجالت نمی شنا سد و حیا وعفت ندارد .

ماهرگز نباید از تصادم افکار خودمان با اینهما بترسیم وحق از مبارزه مستقیم با آنها شانه خالی کنیم . زیرا اتمان مغز پوك آنها بیش از آنچه تصور شود ، خالی است و ایده‌ئولوژی مذهبی که این جمع مدافع آنند ، بقدری منحط وفرسوده ورنك ورو رفته وخراب ودارای ایراد ونقص است که بدون تردید ، هر قدمی آنها درراه مقابله بامابردارند ، باشکست مفتضحی روبرو خواهند شد .

رهبر شهید وفقید ما «ارانی» در کتاب « ماتریالیسم دیالکتیك » خود میگوید : « وقتی میخواهد یك دوره اجتماعی جدید آغاز گردد ، عموما از طرف عناصر کهنه جامعه در مقابل پیشرفت طبقه جدید ونفوذ فکری او مقاومتهائی بروز میکند ولی این عناصر کهنه واین افکار کهنه بحکم نوامیس مسلم علمی محکوم بزوالند» سخن دکترارانی شامل یك دنیا حقیقت است . دین ومذهب نیروهای (٥) زوال یابنده ای هستند که تاریخ حکم طرد ونابودی آنهارا صادر کرده وخوش وخروش آخوند نادان وفریاد « واحمدا » و « وادینا » او هرگز نمیتواند مانع اجرا حکم حکم قطعی تاریخ گردد

بسیاری ازادیان در آغاز پیدایش برای ابناء بشر که در برابر قوای هراس انگیز طبیعت ، خود راباخته بود بد وسیله تسلیت خاطری بوده ومنشا تحول وتغییراتی دردر تاریخ تمدن شده است . ولی امروز بشر دوران میتولوژی وافسانه وسحر ودین واوهام راپشت سرگذاشته ووارد مرحله ای از زندگی خود که دوران سیادت عقل ودانش است ، شده است ودراین عصر علم وبینش ، باید دین فروشان دکان خود را تخته کنند ومسجد کلیسا را تبدیل به بیرستان ودانشکده نمایند .

بعنوان اینکه مبا ینت بادین دارد مخالفت میکنند ، هم در نظر آنهـــا شرك بخدا و کفراست ، وعلم ودانش زندقه والحاد میباشد .

این افـکار کهنه ومندرس ، خود بخود آنانرا محکوم بزوال نموده زیرا حتی مومن ترین مریدان آنها هم اگر بخواهند بر وفق اجتهاد ونظر آخوندی که او تقلیدی میکنند رفتار نمایند باید تمام دیور هـــای شایسته تمدن بشری رادور افـکنده ومانند ادوار جاهلیت زندگی کنند جهل و بی اطلاعی وفساد باطنی آخوند هم بزرگترین عامل رسوا کننده آنهاست امروزه حتی جوانی که کمی درس خوانده باشد وقتی سخنان بی سروته آخوندی رامیشنود دبرودی پی بجهالت و نادانی افراد این طبقه برده ونمیتواند از خنده‌داری کنند ، بخصوص وقتی آخوندك نادان آغاز خود نمائی میکند وبرای فضل‌فروشی از ممد رجات کتابهای هزار سال پیش ، شاهد مثال میاورد که واقعا جای خنده است .

همین نـکته هاست که مبارزه مارا دراین مرحله خیلی آسان میکنند وفقط این وظیفه مهم‌را برای ما باقی میگذارد که این بهـ نـگبازان دغل وافسو ـنگران راچنا نـکه هستند ، معرفی نمائیم ودر طریق هدف خودمان که‌توسعه جهان بینی مادی و مارکسیستی میان جوانان است. گامهـــای استوارتر بر داریم (٤) ونشریه های خودرا بیش از بیش نمـــائیم . علم ودانش وجهان بینی منطقی مابزرگترین باطل السحر افـکاراند یشه های منحط این احمق پرستان است . هرکجا آفتاب علم ودانش ما که مترقی ترین افـکار واندیشه های بشری است بتابد ، این خفاشان رافراری خواهد کرد .

پوسیده وچوب آن کرم خورده است. کتابی که هزار وسیصد سال پیش نوشته شده وکهنگی و پوسودگی از همه جای آن پیداست، دیگر نمیتواند پس از انتشار «مانیفست» و «کاپیتال» رهنمای فکر مردم باشد وباخواندن روزی چند آیة از آن دررادیو نیز نمیتوان این حقیقت رادگرگون ساخت، همانطور که آخوند هم با آن دل سیاه وروح آلوده ومغز انباشته از موهومات نمیتوانـد دراین عصر علم ودانش، رهبر خلق گردد

مرد مبارز پیشرو امروز میهن ما که در مکتب علمی حزب بزرگ نجات بخش توده ایران درس جهان بینی واقعی را آموخته وباصول وتئوری آزاد یبخش مارکسیستی لنینیستی مومن ومعتقد است بخوبی از منشا رنجها ودردها وآلام خود آگاه است ومیداند که راه بر طرف آن رنجها ومصائب نه توسل بخدا وپیغمبر وحرز گیر ودعا نویس است ونه نشستن بانتظار مهدی موعود. آن مهدی آخر زمانی که باید دماغها وآخوندها وخود نخواران وغارتگران را از میان بر دارد مشت آهنین کارگر و رنجبر است که اکنون در همه جهان وهمچنین دو میهن ما برای کوبیدن سر ظالم وستمکار از ستین بیرون آمده است وبزودی ضربه محکم وقاطع خود را فرود خواهد آورد. آنروز است که میهن ما وروان هم میهنان ما از حکومت قضا وقدر خارج شده وطلسم هفت بند دین واوهام نیز شکسته خواهد شد.

در سال ۱۳۱٤ وقتی « ارانی » انتشار مجله دنیا را در ایران آغاز کرد وبرای نخستین بار دریچه أی از علم ودانش واقعی ومادی را بروی مردم کشور وطرز تفکر علمی وجهان بینی مارکسیستی را بشا گردان خود که شایسته ترین جوانان ومشعل داران علم ودانش در ایران امروز بشمار بیروند ، آموخت همین نگهبانان سحر وافسون که اکنون از فراز منابر وپشت رادیو بحمایت از جهالت وظلم بر خاسته اند زبان بمخالفت با ارانی گشود ند وبر علیه ارانی وافکار نوینی که او در میان دانش پژوهان انتشار میداد ، بمبارزه بر خاستند . ارانی در شماره ششم مجله خود در باره حملات دشمنان دانش چنین جواب داد « البته واضح است که مجلهٔ دنیا با آن منطق قوی ومکر کامدش مانند برق بر فرق این دسته میزند . این افکار محدود نمیتوانند تحمل کنند که باین بت های مقدس اینطور حمله کنند ، نگویند تو اشرف مخلوقات نیستی ، روح تو از خواص ماده است ، احتیاج تورا اشخاصی که میبر حتی ایجاد نکرده اند وجریان تاریخ مولد آنست، فلان کتاب که هزار سال پیش نوشته شده برای تو میتواند حکم یك اثر تاریخی را داشته باشد ولی هادی فکر بشر امروز نمیتواند بشود . این دسته مطابق آنچه که بطور دقیق پیش بینی کرده بودم با فکر ما مخالفت شدید کردند ولی این درخت کهنسال دیگر پو سیده واجزاء آن ازهم گسسته است . این چوب کرم خورده خواهد پو سید . »

اکنون ما بار دیگر سخنان استاد فقید خود مان را که پس از ۱٦ سال استوار تر از روز نخست است ، تکرار نموده ومیگوئیم ریشه درخت کهن سالی که شاخ وبرگش آخوند ملاذ الانام وآیة الله است

خدا و دین مخلوق پندار آدمی است

پندارهای بی پای خود لباس قدس آسمانی پوشانیده است . دکتر ارانی در کتاب گرانبهای خود « بشر از نظر مادی » پیدایش پدیده مذهب را بامنطق روشن بین علمی مورد تجزیه وتحلیل قرار داده است که درعین ایجاز از لحاظ علمی ، پیدایش این موهوم وچگونگی تحول آنرا بیان میکند :

«انسان قبل از اینکه استدلال کند وقضایارا بهم ربط دهد ، دارای حواس حیوانی ونباتی وجمادی بوده یعنی مثلاً گرسنه میشده وباحرکات انعکاس وآزاد ، مفید را برای حفظ فرد ونسل جلب ومضر را دفع مینمود است وهمین اعمال وتجربیات ، اساس علم واطلاع وی میباشد یعنی اول عمل کرده بعد علم پیدا کرده است . بواسطه ملاحظات وتجارب متعدده که ناشی از احتیاجات مادی وی بوده اند ، بشر بارتباط بعض قضایای طبیعت مانند تفاوت شبانه روز وفصول،زیادی باران درنهاروزرد شدن درختان در خزان ، مردن وغیره متوجه شده است . در ضمن یك سلسله قضایای اتفاقی نیز مانند رعـــد وبرق واظهار آنها توجه بشر را جلب کرده است . قضایای شبیه بناخوشی وتولید مرك نیز از نظر زندگی مادی بشر مهم بوده توجه وی را جلب مینموده است . بطور خلاصه در درجه اول مادیات واحتیاجات زندگی و در درجة دوم بعض اتفاقات بشر را مجبور بملاحظة وکشف روابط بین قضایای طبیعت نموده بدین ترتیب علم تشکیل شده است . پس مادیات زندگی مولد اساسی علم است اما یك سلسله قضـــایای دیگر نیز بنوبه خود در نوع تکامل علم تأثیر مینماید . زیاد شدن تعــداد تجارب وملاحظات قهرا بشر را

خداودین مخلوق پندار آدمی است

« مذهب آفریننده بشر نیست، بلکه بشر خالق اوست.مذهب استغاثه مردم ستمدیده وفرومانده، مذهب تریاك جامعه است . برای اینکه جامعه بسعادت حیقی حود برسد، باید ببیان مذهب راکه سعادت واهی بمردم نوید میدهـــــد ار ریشه بر انداخت » کارل مارس از انتقادی که بر فلسفه « هگل » نوشته است

مذهب نیز مانند سیاست، ادبیات، حقوق وهنر، محصول اوضاع خاص اقتصادی وتابع شرایط وعوامل تولید بوده ویك پدیده کاملا مادی است وهیچ ارتباطی با « خدا » و « آسمان » و عوامل « ماوراء الطبیعة » ندارد . شکی نیست مذاهب نیز مانند همه موالید اجتماع درطی قرون تغییراتی یافته واز سمك وچوب وآفتاب پرسی تایکتا پرسی رسیده است ولی اینهم یکی ار نتایج تکامل تولید ودگرگونی اوضاع اقتصادی بوده است .

ماتریالیسم تاریخی ثابت نموده است که همواره بین عوامل تولیدی ومناسبات اقتصادی جامعه با روابط وتاسیسات اجتماعی وایده ها وافکار عصر، مناسباتی ناگسستنی برقرار بوده است واین نوع بشر است که خدا ومذهب وپیغمبر وامام وطلسم واوهام وجادو را خلق کرده وبـــه

آن ازیك جسد بجسد دیگر ، از همان دوره نیم وحشی شروع میشود »
تئو روفی و عرفان امروز باتمام عبارات پر دازیها از معتقدات دوره بشر
نیم وحشی ، قدمی جلوتر نرفته است . وقتی که رژیم اقتصادی در سطح
زمین عوض میشود ، ملوك الطوایفی ، از میان رفته امپراطوریها
وسیاستهای جهانگیرانه پیدا میشود ، رئیس رب النوع ها نیز مانند
امپراطور زمین مقتدر ، جبار ، گاه مهربان وگاه خشمگین است .
دراین دوره ها ودوره فلسفه ایده الیسم ، بشر فقط بکمك عقیده
میخواهد قوانین کلی را قبول کندو حال آنکه در دوره علمی
دانستن وکشف روابط علت ومعلول مورد توجه بشر است .

پیدایش وخصوصیات میتولوژی ومذهب نیز مانند سایر شعب
تجلیلات کامل روحی منوط بوضع مادی جامعه است . یعنی تشکیلات
مذهب در دوره ملوك الطوایفی با سرمایه داری اعم از کلیسا ومعبد
وغیره در درجات روحانی پادر بودجه وغیره باهم فرق داشته است . هر
جامعه صنعتی معاوضه جلو تر میرود وحاکیت شخص رد زمین غیر
محسوس تر واثر عوامل مهم (مثل پول) سری تر میشود ، خصوصیات
شخص رب النوع مقتدر دوره فئود الیسم محوتر وحالت وی روحانی
تر میگردد عالم نیز مانند بازار تجارب یك عامل موثر مخفی وغیر مرئی که
نوع وعلت تأثیر آن در بشر مجهول است ، پیدا میکنند . مکتب مادی
همه جا بانهایت دقت تأثیر اقتصاد جامعه رادر خصوصیات عقاید مذهبی
نشان میدهد . یك موضوع بایستی درنهایت دقت در نظر گرفته
شود . اغلب دیده میشود که در معنی دقیقی اصطلاح وکلمات را

مجبور بطبقه بندی آنها وترکیب آنها واستنباط قوانین واصول کلی مینماید . درعین حال این تکامل در مهد یك اجتماع صورت گرفته . اجتماع خود دارای طرز تولید و طبقات معین ومشخص است . آیا در ترکیب اطلاعات تجربی واستنباط قوانین کلی ممکن است عوامل اجتماع بلا تأثیر باشند ؟ البته نه . یعنی این عقاید کلی از یکطرف محصول همان ملاحظات مادی روزانه واز طرف دیگر محصول حالت اقتصادی جامعه است . این عقاید کلی که بدین ترتیب تشکیل میشود البته متوازی با عوامل مولد خود یعنی تجارب بشر ورژیم اقتصادی واجتماعات ، تکامل دیالکتیکی پیدا میکند . عقاید کلی ابتدا بصورت میتولوژی ، بعد مذهب ، پس از آن فلسفه و بالاخره بحالت اصول منطقی ودیالکتیك علم در میاید ، چنانکه واضح است میتولوژی مذهب ، فلسفه وعلم نیز تمام شعب دیگر دستگاههای فوقانی اجتماع محصول ماديات محيط است .

« در دوره صیادی وماهیگیری افکار بشر خیلی مادی است وهنوز مستقیما با قضایای طبیعت مواجه است ودچار فلسفه بافی نگردیده است.وقتیکه در سطح زمین امراء کوچك بر قبائل فرمانفرمائی میکنند ، بشر هم بارباب انواع وخدایان متعدد معتقداست چون درزندگی روزانه خود ، مرگ افراد دیگر بشر وحیوانات رامی بیند وعلم وی باندازه نیست که بداند روح وحیات از حواص ماده است لا جرم بوجود یك موجود مستقل ولطیف که روح باشد اعتقاد پیدا میکنند » اعتقاد بقا روح بزرگان واجداد ، خدایان وانتقال

وپندار ساخود . وهم وپندار بکمك احتیاجات مادی زندگی ، برای او خداها خلق کرد ، عقاید وادیان آورید ، شیطان و فرشته وپردات واهرمن ، لوح وقلم وعرش وکرسی وقاب قوسین ایجاد کرد . سرانجام پنداربی شد وبار برای او خدائی خلق کرد که واحد تمام صفات وخصائل وهوی وهوسهای انسانی است . این خدای نادیده پنداری مانند فرعونها وشدادان عصر عتیق بر فراز تختی اردر برنام عرش نشسته ودربار او مانند آشرمانی ترین دربارهـا از افواج ملائکه های رنگارنگ بساول وقراول احاطه شده است وهزاران درو دربند داردو کار این ملائکه که ظاهرا بیکار ترین وبی‌اثر ترین موجودات اند اینست که فقط از ارباب خود تملق بگویند واورا تسبیح وتحلیل نمایند .

این « آخدا » (۹) بهشتی دارد که انواع واقسام وسائل شادمانی وسرور و عشرت در آن مهیاست وکسانی را در آن راه خواهد داد که نسبت باوشب وروز کرنش نمایند وگاه وبیگاه زبان بتملق او بگشایند . جهنمی هم دارد که پرازمار وعقرب وآتش است واین جهنم جای شکاکان وگناهکاران وکسانی است که این خدای نادیده را انکار نمایند ویادر تملق گفتن نسبت بحضرت اوسستی ول انگاری نمایند ولی باوجود اینها ترس ازاین جهنم نتواست از سیر تفکر واندیشه بشری جلوگیری کند واورا از اندیشیدن و فهمیدن باز دارد هر روز که از زندگی وعمر پر از رنج وتعب بشریت میگذشت ، یك قدم بطرف تکامل برمیداشت . چون سر وکارش با طبیعت بود ، هر روز رازی از رازها ومرغج آنرا حل وکشف میکرد ، روزگاری از گرفتن ماه وخورشید بخود میلرزید

درهم میکنند . این امر درباره مذهب نیز صادق است . باید دقت کرد که مفهوم کلمه مذهب بانهایت دقت از مفهوم کلمات « فلسفه » و « علم » جداشود . مذهب عبارات از یك دستگاه عقیده است که بارث از نسل به نسل انتقال می یابد وتا آنجا که حقیقتا دائما در تغییر است معتقدین و پیشو ایان آن ، آنرا جامد ودائما صحیح ولا یتغیر میدانند . این مجموعه عقاید یك سلسله عبادات مانند قربانی ، دعا وغیره برای پیروان خود وظیفه قرار میدهند . اجرای این اعمال محتاج یك سلسله تشکیلات اجتماعی است که کارکنان آن ، یك صنف مخصوص یعني صنف روحانی را تشکیل میدهند . پس دستگاه عقاید شامل عبادات که توسط تشکیلات روحانی اجرا میشود ، مذهب است . اگر کسی بخواهداین کلمه را بمعانی دیگر بکار برده ، مفهوم دیگری برای آن قائل شود و پس از اخذ نتیجه آنرا دوباره بمعنی اولی استعمال کند مغلطه کرده است . غرض از این تذکر این است که از مغلطه احتمالی که مثلا تئوری اتم یا شعور ووجدان اجتماعی بشررا که حفظ بقا است مذهب مینامند جلوگیری شود » از صفحة ۴۰ تا ۴۴ کتاب « بشر از نظر مادی » چاپ تهران

انسان اولیه در آغاز حیات بواسطه فقدان تجربه کافي ، نداشتن ابزار وادوات کامل ، محدود بودن محیط فکر و عمل از هر طرف مقهور قوای هراس انگیز طبیعت بود . چون اندیشه ساده او درسود که بتوالمدعاهیت نمودها وپدیده های طبیعت پی ببرد ، نا گزیر بجای فکر دست بدامن خیال عنان گسسته زد وجهان شناسی خودرا برپایه وهم،

« شکنجه وامید » بیهترین طرزی تصویر نموده است که اینک از آن کتاب در اینجا نقل واقتباس میگردد :

« تفکر بشر بدوی درباره طبیعت وزندگی مبتنی بر تجربه یا تعقل نبود ، بلکه بر پندار Phantaisie تکیه داشت . پندار یا تخیل نوعی تفکر عنان گسسته است که پایه منطقی فوق العاده سستی دارد . همین دوران تفکر بدوی پس از تکامل فوق العاده طویل اندیشه انسانی ظهور کرد زیرا اندیشیدن خود حادثه ایست

درباره تفکر بشر اولیه جستجوهای فراوانی شـــده است وکتاب معروف لوی برول Levy Brnhl جامعه شناس معروف فرانسوی موسوم به « طرز تفکر بدوی » یکی از کتب پایه ای واساسی دراین زمینه است . لوی برول توضیح میدهد که انسان بدوی درمیان اشیاء وامور روابط تخیلی وسحری Relation Mystique بر قرار میسازد دوبین حوادثی که در نظر انسان آزماینده وخرد مند رابطه ای نیست او روابطی پنداری بو خودمیاورد . خواص واقعی اشیاء در نظرش حائز اهمیت نیست ، بلکه آنچه شایان توجه است خواص سحری است .

مثلا فلان درخت شوم است یا فلان گیاه مقدس ویا پرش فلان پرنده را از سمت مشرق باید بفال نیك گرفت . بشر منطقی دربین حوادث روابط علی را بر طبق تعاقب آن حوادث طبق فرمول Post Hoc Ergo Propter Causalite بر قرار میکند ولی بشر بدوی حوادث رانتیجه تأثیرا رواح وعلل سری ونا پیدا میداند وبدین ترتیب درمیان قضایا یکنوع علیت سحری

بودست بداماں اور ادمیزد وغـاز آیات میخواند ولی بعدا وقتی براز خسوف وکسوف آ گاه شد ، ترس وهراسش زایل گردید . هرچه ابزار کار بشر بهتر و وسیله معیشتش وسیع تر گردیـــد ، آشنائی او با طبیعت وپدیده آن بیشتر گرید . بعــد ابزار وادوات بسیاری ازچیز هارا که سابقا عبدید ، دیدو در نتیجه فهمید وبالآخره بجائی رسید که بعداد عقل جهان پیمای اوج آسمانها و قعر دریاهارا عرصه جولانگاه خود ساخت واسرار هستی وحیات را کشف نمود و پادر ساحت نورانی علم ودانش گذاشت . از این زمان بود که جنگ ونزاع مداوم وپی گیر بین عقل وایمان ، دانش ودین آغاز گردید .

با اینکه سالهاست بشر مرحله پندار و دوره زندگی سرا سروهم وخیال رابپشت سر گذاشته است معهذا پاسداران افسون ونگهبانان طلسم جهالت ، برای حفظ منافع طبقه پوسیده ومحکوم بزوال خود ، برای بقای آقائی و سروری و فرماندهی طبقه ها که محکوم به نیستی بالجاجت وعناد وسر سختی بمبارزه باطبقه پیشرو ومشعلداران علم ودانش ، پرد اخته اند دراینمدت خونها ریخته اند ، قلمها شکسته اند ، خانمانها ویران نموده اند ، زندانها پر کرده اند ومرکب جنایتهـــای هول انـگیزی شده اند کهسراسر تاریخ بشررا خونین وننگین ساخته است. ولی نه این لجاج وعناد ها ونه این خونریزیها ، هیچیك مانع جریان تکاملی تاریخ نـگردیده است وانسانیت را از راه خود باز نداشته است . احسان طبری با قلم سحر آسا وتوانای خود شرح این سفر پر از رنج وملال بشریت وچگونگی پیمودن ابتراه تکامـل را در

رادر دنیای پنـــدار خود منعکس میکرد اند ونظام طبیعت را بر وفق الگوی نظام اجتماعی خود ضامیکنند . به خدایان ونیمه خدایان وارواح خیر وشر معتقد میشود واز درون این طرز تفکر است که مذاهب بیرون میآیند .

انگلس در کتاب « آنتی دورینك » مینویسد :

« هر مذهب انعکاس پنداری قوای خارجی مسلط برزندگی روزانه بشر در دماغ اوست . دراین انعکاس نیروهای ناسوتی خصیصه قوای لاهوتی‌را بخود میگیرند . در آغاز تنها نیروهای طبیعی هستند که منعکس میشوند ولی بزودی ودر جنب نیروهای طبیعی نیروهای اجتماعی نیز در میدان فعالیت ورود میکنند ودر ابتدا پدیده بشر باهمان صفات شگفت انگیز وغیر قابل توضیح پدید میشوند وباهمان لزوم ظاهری تسلط دارند که قوای طبیعی جلوه گر ومسلطند »

دانشمند نامبرده درر ساله دیگری بنـــام « تطور اجتماعی » مینویسد :

« اما درباره مسائل ایده ئولوژیك که ازاینهم لطیف تر واثیری تر هستند مانند فلسفه ومذهب وغیره اینهاد ارای یك محتوی ما قبل تاریخی میباشند که در دوران تاریخی‌اقتباس ویا قبول شده اند وما آنها را امروز اباطیل میشمریم . این نمایشهای مختلف وغلط طبیعت وساختمان وجود بشر وارواح وقوای اسرار آمیز ما تنهایك بنیاد اقتصادي منفی دارد ومکمل وتا اندازه ای شرط آن وحتی علت آن نمایشهای غلط طبیعت است . هنگامیکه حتی نیاز مندی اقتصادی علت اصلی معرفت پیوسته زاینده وفزاینده‌انسان درباره طبیعت است پس حمل فضل فروشانه ای

Causalite Mystique ایجاد مینماید (اگر کسی از پای بیفتد وسرش بشکند ، شکستن سر نتیجه سقوط نبوده بلکه کار شیطانی یاکیفر خدا ولدی ویانحوست وقت موجب بروز حادثه‌شده است) .

آنچه که امروزبنام آداب ورسوم وعقـــاید توده مردم بصورت فولکلور Folklore گردآورده میشود ، مجموعـــه ای از این طرز تفکر است که مضمون عمده آن حلال واحرام ، سعد ونحس ، مروا ومر غوا ، نذر وسوگند ، رؤیا والهام ، تقریر و سر نوشت ، تطیر و تفال ، سحر واعمار وامثال آنست .

عملیاتی مانند Ordalie (اثبات گناه ویاتبرئه متهم بوسیله قرار دادن او در معرض امتحانات سخت مانند رفتن سیاوش در آتش) و Envoutemet (روبین زدن به مجسمه شکار ویادشمن بهوای آنکه شکار ویادشمن نابود شود مانند قضیه پیه سور داغ در نزد جادوگران ایران) ازآثار این طرز تفکر است . جفر ورمل وسحر وجادو وطبابت ازروی ادعیه واذکار واوراد وطلسمات و « علوم غریبه » جزء دانشهای این دوره‌از طرز تفکر انسانی محسوب میگردد .

ابزار تولید بشر دراین دوران فوق العاده ساده وبدوی ورشدکیش بی اندازه بسیط ووحشیانه بود . لذا تفکر او که انعکاسی از زندگی مادی است نمیتوانست بسیط وبدوی نباشد . بشر که به نیروی پندار میخواهد پدیـــده های بغرنج طبیعت را توجیه کند ، در عین انه ازاین قوای مخوف وزور مند میهراسد آنهارا میپرستند تا از خشم تار جگروهـــا آورآنها بکاهد . طرز عمل این قوای طبیعی‌را بکارهای خرد واحتیاج خود شبیه میسازد Anthropomor Phısme وقوای مسلط برجامه

از احکامی که درذهن ماست نیست. بشر قضایارا باهم ترکیب میکند تعمیم میدهد ، انتزاع میکند وازان قضایای دست دومی بوجود میآورد. چون حاصل این عمل که از طریق تعقل انجام میگرفت گاه باسیر وقایع طبیعی تطبیق میکرد ، پس انسان باین نتیجه رسید که عقل را رگشای کل است وبا آن میتوان یکی یکی درهای مقفل طبیعت را بازکرد ودراین حرائن عبرت انگیز ومرموز سرکشید. فلاسفه که بامشعل عقل دروادی تاریک وجود به جستجو پرداختند باشوق وذوق تمام قوانین تعقل‌را پی نهادند وباتوسل باین قوانین (منطق Logic)مدعی شدند که نردبام معرفت‌را تا کنگره عرش خواهند پیمود ولی چون کمیت بشر آنروزی (که مجموعه ای از تجارب محدود وغیر دقیق بود) بار هادرطی منازل معرفت لنك میماند کسانی پیداشدند که آنرا از ریشه (وبر خلاف عدالت) منکر شدند وگفتند که حقیقت برای طالبان بی پرده تجلی میکند واحتیاجی بحجت وقیاس نیست . در حقیقت این مردم اشراقی که به سیر باطن introspection ودرون بینی intuition اهمیت میدادند علم رسمی‌را که متکی به عقل بود science exoterique بیفایده میدانستند ومی گفتند حاصل قومی که در مدرسة اند جز وسوسه نیست وآنچه که طمانینه خاطر ایجاد میکند ونقاب از چهره شاهد حقیقت برمیافکند آن اسرار نهائی وعلوم خفیه است science esoteirque که از آن ذوق وحال حاصل میگردد .

این خوار پنداشتن عقل ورجوع به سیر باطنی ودرون بینی وتوسل بکشف وشهود نه فقط آنروز بلکه تا امروز رائج است وفلاسفه ای

نیست اگر ما مبدا تمام این اباطیل ما قبل تاریخ را نیز در زندگی اقتصادی پژوهش کنیم » و همچنین لنین مینویسد :

« ناتوانی طبقات استثمار شده در برابر استثمار کنند گان بهمان اندازه بطور پرهیز ناپذیری اعتقاد بیك دنیای آینده را ایجاد میکند که ضعف وحشیان درستیزه با طبیعت در آنها اعتقاد نسبت بخدایان وشیاطین ومعجزات را بوجود میآورد »

وبدین ترتیب ادیان اولیه دراثر انعکاس فانتاستیك قوای طبیعی واجتماعی درذهن در نتیجه ناتوانی بشر در ستیزه برضد طبیعت بوجود میآیدوجهان شناسی و بطورکلی شناخت بشری را درباره طبیعت وزندگی تشکیل میدهد .

مسلم است که مذهب بشر بدوی بامذهب انسانهای ادوار بعدی تفاوت بارزی دارد بدین معنی که مذهب با آنکه شاخه ای از تفکر پنداری است ولی خودرا باسیر تکاملی فکر تطبیق کرده واشکال کاملتر واثیری تري بخود میگیرد .

باتکامل قوای تولیدی وزیادتر و پیچیده ترشدن پیوند های اجتماعی وروابط ملتها بایکدیگر تردیدی نیست که اندوخته تجارب بشری فرا وانتر شدو تفکر انسانی بواقعیت بازهم نزدیك تر گردید بجای آنکه وهم وپندار وتمثیل وتشبیه Anatogie پایه قضاوت باشد قضایای بدیهیه ای که از تجربه حاصل شده بود بمنزله مبادی تلقی گردید وباکم وبیش پیروی از قوانین طبیعت بر اساس این بدیهیات کاخ ارجمند و باشکوهی ازمعرفت انسانی افراشته شد . فکر بشري وارد مرحله نخستین تعقلی Ratıone گردید . عقل چیزی جز نتیجه گیری عمومی

انسانی موضوعی رابطور جزئی مورد بررسی قرار میدهد وتصوری (مفهومی) از آن بدست میآورد ، این یك عمــــل ساده بلا واسطه وحضوری بروح وآئینه مانند نیست بلـکه امر یست بغرنج باچم وخم دارای دو گاـگی که امکان یك جهش تخیلی ماوراء زندگی را دربر دارد یاشاید بیشتر امکان یك تمدل (وهمراه آن یك تبدل غیر مشهود انسانی که خود آگاه نیست) زیرادر ساده ترین تعمیم ها دریك تصور کلی کاملا ابتدائی (میزکلی) یك ذره کوچك تخیل نهــاده شده است (برعکس ابلهانه است اگر نقش تخیل‌را در علوم صحیحه منکر شویم)».

* * *

معرفت عقلانی که رازکشائی وحقیقت نمائی میکرد بشدت مورد نفرت اسیر کنندگـان بشر بو دزیرا اگر اشر نظامات غلطرا بمثابـــه نظامات لا یزال نمی پذیرفت واباطیل‌را بمنزله حقایق نمی نمود تلقی مکسی سواری نمیداد . لذا بیجهت نیست که خدمه ، طبقات ممتاز آنهائی که بعلوم ومصطلحات علمی دسترسی مییافتند می کوشیدند تا ازهرنا کامی عقل بسود ایده آلیسم ومذهب وعرفان بهره اي بر گیرند . در واقع چنانـکه در آغاز همین گفتار باز نموده شد درك واقعیت امری ســـاده نیست . تجربه ممتد ، سنت علمی ، ابزار بغرنج‌کار ومحاسبات دقیق‌وعمیق لازم دارد ولذا اگرکسی نخواهد بمـــدد عقل سلیم بادلائل نسبتا بسیط واولیه‌ای حقایق‌را درك کند میتواند سفسطه نماید وحقایق‌را وارونه ومغلوط سازد

بهمین جهت در تمام قرون وسطی فلسفه که پارا از میدانـــ تعبد Pidisme بیرون گذاشته واقناع منطقی‌را جانشین اعتقاد مذهبی

مانند هانری برگسون H. Bergson وویلیام جیمز W. James آنرا تنها منشاء بروز معرفت واقعی میدانند وحال آنکه کشف وشهود چیزی جزیك عمل وانفعال منطقی فکر در ضمیر نا خودآگاه تحت تأثیر تلقینات ویابك حرکات اولیه وهم وپندار نیست که همیشه جناح زوال یابنده اجتماع حامی آن بوده، کوششی است برای منحرف ساختن انسان ازراه تعقل که بهر صورت اگرمتکی به تجارب فراوان باشد وبادقت واصابت انجام گیرد تنها طریق نیل به واقعیت است.

از آنچه که گذشت واضح میشود که «عقل» نیز مانند اندیشیدن حادثه ایست دوران تعقل راباید بمراحل گوناگون تقسیم کرد. در دوران اولیه بساطت فن وابزار وصعاوت دانش انسانی مانع ازآن بود که تعقل بدون تخیل باشد. در واقع پندار لگام گسیخته که تادیروز درهمه جابلا مانع میتاخت وایسك در جاه های معینی تاحت وتاز میکند واین جنبه تخیلی در معتقدات اولیه فلاسفه است که پایه گذار تصور ایده آلیستی جهان است بدین معنی که در جوار دنیای واقعی دنیای پنداری غیر واقعی بوجود میآید ومعرفت بشری درراه خطائی سیر میکند ودوگانگی میپذیرد Dedoublement وازگونه واقعی خود مجزا گردیده بگونه ما وراء تجربی متوجه میشود. لنین در مقاله خود موسوم به «ملاحظاتی راجع بارسطو» این مسئله راهوشمندانه تجزیه مینماید وچنین مینگارد:

«دوگانگی شناخت بشری وامکان ایده آلیسم (مذهب) از انتزاعات بدوی ناشی شده‌است (خانه کلی وخانه جزئی) وقتی که عقل

محاکمی که برای داوری در کار متهمین در کشور اسپانیا میشد هر گونه طریقه عقلائی اثبات جرم را طرد میکرد . متهم مجرم محسوب میشد و بار اثبات معصومیت بر گردن او بود . قاضیانش در واقع دژخیمانش بودند هر گونه شهادات نار وائی بر ضد او پذیرفته میشد . مقررات اداء شهادات بر علیه متهم آسان و دولی بر له او بسیار دشوار . جهودان ، تازیان ، خدمتکاران میتوانستند بر علیه گواهی دهند ولی بر له نمیتوانستند وهمین قاعده بخویشا وندان او تا چهار درجه تعلق میگرفت . اصل مطاع در تفتیش عقاید (انگیز یسیون) این بود که اگر صد معصوم بمیرد ازآن بهتر که گناهکاری بگریزد . بهر کس که پشته ای هیزم بر سو ختنگاه میگذاشت عطوفت میکردند . ولی حکم اعدام صادر نمی شود . زیرا کلیسا از خون بیزاری داشت . کشیشان تنها لحادر تأیید میکردندوسپس محکوم بخت بر گشته را به مقامات غیر روحانی میدادند (یا باصطلاح آن زمان به مقامات غیر روحانی رها میکردند) وحتی ریا کارانه میسپردند که با محکوم محبت وملایمت شود ولی احدی این دستور را مراعات نمی نمود زیرا چاره ای نبود جزآنکه فرمان مرگ صادر شود . اگر غیر از این میکردند خود آنها بعنوان الحاد بداد گاه فرا خوانده میشدند . شاهزادگان وامراء را اگر از این فرمان سر می پیچیدند تکفیرمیکردند. لی Lea مورخ دوارن تفتیش عقاید میگوید از تمام لعنت هائی که انگیز یسیون بار آورد شو متر از همه اینست که حتی تا اواخر قرن هیجدهم در سراسر اروپا محاکمات انگیز یسیون وسیلهٔ عادی کینه توزی وازمیان بردن کسانی بود که به اتهامات گونا گون گرفتارمی آمدند ها نطور کهجی بن Gibbon میگوید این

کرده بود با همه انحرافات واشتباهاتش مطرود گردید وهنگام Credo میکه مشاهده شدکه نمیتوان آنرا نادیده گرفت باآسانی بخدمت دین واردش ساختند وحکم « فلسفه خادم دین است » Philosophia ancilla Theolo صادر گردید وبا آنکه حامیان دین زمانی عقل خام طمعرا درساخت قدس ایمان بارنمیدادند اندك اندك حدیث نبوی‌را بمیان کشیدند که الدین هو العقل ولا دین لمن لا عقل له ویا « آنسلم » قدیس وعالم مسیحی گفت Creoo ut intelligam (ایمانی که از خرد بر خیزد) باهمه این دعاوی عقلی مجاز بود که خادم کریاس کلیسا باشد وعقلی که خود در جستجوی حقائق ما وراء انجیل بر آید محکوم بود . در دوران تفتیش عقائد inquisition که عقل آزاده در زنجیر وعلم جوینده در زندان است بری Bury در کتاب سود مند خود موسوم به « تاریخ آزادی فکر » برای ما منظره ای از این دوران تفتیش عقاید توصیف میکند که در اینجا نقل میکنیم :

« یکی از طرق مؤثر شکار ملحدین اجرای « فرمان ایمان » Edict of faith بود . بر وفق این فرمان میبایست همه آنکسانی که خودرا مؤمن میدانند خبر چینی کنند هرچندی یکبار کوئی از کویهای شهر سرکشی میشد وفرمانی صادر میگردید که اگر کسی چیزی از الحاد دیگری خبر دارد آنرا بر ملاسازد زیرا اگر چنین نکنند مستحق کیفری ترسناك خواهد بود . لذا احدی از سوء ظن همسایه یا اعضاء خانواده خود رامان نبود . هرگز اغوائی‌از این پلید تر برای برده ساختن‌مردم وفلج کردن فکر و واداشتن همگان به اطاعت کور کورانه اند یشیده نشده‌بود . خبر چینی ومردم آزاری ظاهر اعمال مذهبی بخود گرفت .

ترك گفت ومدت بیست سال به جمهوری هلند پناهنده شد زیرا کلیسا در تعقیب او بود . او نمیخواست بیش از این در « غار کوران » بسر برد .
اخیرا پر تستانهای ممالك متحده آمریکا دار وین ودار وینیست هارا در محکمه ای محکوم کردند . ویکتور هوگو در مجمع قانون گذاری (پانزده ژانویه ۱۸۵۰) طی یك سخن رانی پر طنطنه متعصبین را مخاطب ساخته بدانها چنین گفت :
« جنجال شما بر سر چیست ؟ اکنون خواهم گفت جنجال شما بر سر عقل انسانی است چرا ؟ زیرا او شمع روز را طالع میکند » .
با تکامل ابزار تولید وسست شدن پیوندهای اقتصادی واجتماعی فئودال با پیدایش روح انقلابی نوین کار فورم ورنسانس رابوجود آورد یکبار دیگر عقل از دالان تیره وتار قرون وسطائی خود خارج شده ارغنون نوین novum organum خودرا منوازد . معرفت تجربی انسانی قدم در ساحت فراخی میگذارد جالب توجه است که باچه ذوق وشوق شگرفی دانشمندانی که در پایان شب پر مخافت قرون وسطی میز یستند از سطره پر شکوه حکومت عقل صحبت میکنند وآثار آتی دهاء بشری را حدس میزنند قرب هفتصد سال پیش راجر بیکن roger bacon (۱۲۱٤ — ۱۲۹٤) می نوسد

« ماشینهای بحری بدون پار وممکن است بنحوی که سفاین عظیم شط پیما واقیانوس پیما فقط تو سیله یکنفر هدایت شود وآن یك نفر این کشتیهارا سر یعتر از آن برد که کشتی از در پانورد ان مملو باشد . بهمین ترتیب کالسکه هائی ممکن است ساخته شود وبدون آنکه چارپائی آنرا بکشد حرکت کنند بایك حرکت تقویم

مفتشین عقاید ازمن خرفات با قساوت دفاع مینمودند . »

این مبارزه پندار های میان تهی انسانی بادانش را هنمای او مبارزه ایست که در تمام طول تاریخ ادامه یافته وتنهـــاز مانی که بشریت آزاد بوجود آید فکر نیراز زندان قرون خــارج شده تاج تکامل بر تارك ومشعل سعادت در دست تجلی خواهد نمود . مارسل کاشن marcel cachin در رساله زیبای خود موسوم به « دانش ودین » این منظره رقت انگیز تاریخی را چنین توصیف میکنند :

« بت پرستسار شهر آتن بسقراط جام شوکران نوشاندند زیرا او به خدایان جماعت اعتقادی نداشت . دمکریت فیلسوف را از شهر «ابدر» abdere راندند وهر اکلیت را از موطنش « افز » ephese تبعیـــد کردند .کلیسای کاتولیك کالیله رازندانی ساخت وکامپانلا campanella به باز پرسی فرا خواند وجیور دانو بـ رونو cioroano bruno در روم ووانی نی vanini را در تولوز زنده زنده سوزاندند . در دوران تفتیش عقاید قریب به پنج ملیون نفر را یادر شعله آتش خا کستر ساختند ویادر سیا هچا لهای مرك خفه نمودند . پر تستانهای شهرژنو طبیب والی معروف میشل سر michel servet که ارتد کس نموزنـــده زنده سوزاندند . ربانهای یهودی میخواستند سپینوزارا سنـگسار کنند زیراوی در نوشته در خود تحسین خود موسوم به «رساله الهی ومیاسی راجع به نصوص مقدسه ما نند مرد آزاد فـکری قضاوت کرده بود . دکارت سر جنبان اندیشه نو در فرانسه برای آنچکه آزاد باشد میهن خودرا

تا اینجا فصل اول کتاب نگهبانان سحر وافسون تمام شد . در نظر داشتیم تمام کتاب را برای رسوائی مؤلفین آن نقل کنیم بعد از عور رسی در آن معلوم شد بقیه کتاب فقط تکرار ما سبق وتطویل بلا طائل است و باستثناء دوسه جمله مطلب دیگری ندارد لذا از نقل تمام کتاب صرف نظر شد فقط بنقل سه صفحه آخر کتـاب اکتفا میشود وچند مطلبی که در بقیه کتاب است مستقلاً نقل خواهیم کرد وملاحظاتیکه نسبت بانها داریم بیان خواهیم نمود انشا الله تعالی اینک سه صفحه آخر کتاب .

همه در راه رزم علیه خادمان ظلمت

دوطی این چند فصل با اینکه بنای ما بر اختصار بود ، نشان دادیم که دین ومذهب که یادگار دنیای کهن وحافظ منافع ستمگران است ، باخواسته های ستمکشان وبنیان گزاران دنیای نوین سازگار نیست وبا اصول مارکسیسم ـ لنینیسم که حزب پر افتخار ماپیروآن است هرگز هم آهنگی نمیتواندداشته باشد وهمچنین ثابت کردیم که سهمگین ترین مبارزات ما مبارزه با ایده ئولوژی های مذهبی وخرافات واوهامی است که متاسفانه هنوز در دماغ بسیاری از ابناء ملت ماقوت دارد .

شکی نیست که در این مبارزه ما فاتح خواهیم شد زیرا دین ومذهب جزء نیروهای روال یابنده دنیای ماست ولی باید دراین مبارزه هشیار وبیدار وخونسرد ودلسوز بوده وهرگز در صـــدد برنیائیم باروحانیوم مرتجع که مدافع استثمار کنندگان هستند ، ازروبرو وارد مبارزه

ترتیب بعبارت cum impetus incoestımabili نکردنی که مادر باره عرابه‌های داس دار عهد عتیق تصوری داریم ماشینهای طیاری نیز ممکن استکه شخصی درآن بنشیند و پیچی‌را بگردانند وبالهای مصنوعی همانند بالهای پرنده بهم کوفته شود وماشین پروار کند.»

حتی پس از آن که پیشگوئیهای داعیانه‌را حریکی تحقیقت پیوسته است میخواهندبرتری عقل آز مایندره‌را بر پندار رویا حیز بپذیرند وبادانش علی رغم خرافات بیعت کنند افسونگران وسحر اان عهد جدیــد بامصطلحات علمی و بیکارانه عقل‌را در مذبح پندار قربانی مینمایند.

دراین دنیای صناعت ومحاسبات دقیق وباریك بینی های شگرف حتی دانشمندان اخیر درجمه کشیشان وکشیشان در جامه دانشمندان جلوه گری مینمایند. زمانی اعتبار معرفت انسانی‌را بالـکل منکر میشوند، زمانی وجود ماده‌ای‌را در خارج از ذهن نفی مینمایند،زمانی نیل به شناخت ذوات اشیاء را محال میپندارند، زمانی شیوه شکاکین در پیش گرفته ومعرفت را مجموعه ای قضاوتهای متضاد واحکام متنازع antınomie میخوانند ، زمـانی تنها معلومات حسی‌را قابل اعتماد شمرده ودر وراء آن درك چیزی را میسر نیشمارند ، زمانی میگویندکه تنها حاصل تجـارب علمی معتبر است ومعلوم نیست که درآنسوی این تجارب بدون آنکه خود آن نتیجه تجربه کردنی باشد چه‌است ، زمانی انسان را در سرای مرموز جهان مهمانی ناخوانده intrns خوانده وآشنائی اورابا این جهان غیر ممکن میدانند . (شکنجه دامید ـاحسان طبری - چاپ تهران - صفحه ۹۶ تا ۱۰۵).

ماهیت ارتجاعی این طبقه و پوچی افکار پوسیده شانرا برای مردم تشریح کنیم.

باید مردم خوب بفهمند که آخوند علاوه براینکه مدافع نظام منحط سرمایه داری ورژیم ظلم وبیداد موجود است باهر گونه تجدد وترقی مخالف است. بهر وعلم دشمنی وخصومت میورزد وجز تخدیر اعصاب عوام وگمراه کردن توده هاهنری ندارد. اگر آخوند وآئین او میتوانست مردمرا نجات دهد، چهار صد میلیون مسلمان جهان، امروزرا بنچنین خوار وبیچاره نبودند. اگر قم ونجف دار العلم بود، امروز شیعهها اینقدم از علم ودانش بی بهره نبودند بدون تردیدیکی از بزرگترین عوامل عقب ماندگی مردم ایران وسایر مسلمانها نفوذ روحانیون مرتجع ومفتخوراست که ماباید با صبر وحوصله وپشتکی ومتانت این نفوذ وحتی ریشه آنانرا از میان برداریم.

امروز ارتجاع وامپر یالیزم از آخوند، برای حفظ تسلط جابرانه خود مدد میخواهد وآیة الهها میسازد. سیاستمداران انگلیس وامریکا بدیدن این روحانی نمایان وآیة الهها میروند. خبرنگاران جراید ارتجاعی خارجی هر روز مصاحبه ای بنام آنها انتشار میدهند برای اینکه آنانرا بزرگ کنند وخاری دراه پیشرفت تودههای ستمکش نمایند ولی این نیرنگ های ابلیسی وابلهانه نمیتواند از پیشرفت عدل وعلم جلو گیری کند وبازنجیر اوهام ودین نمیتوان دست وپای مردمی که فشار زنجیر وبندبد بختی هارا احساس کردهاند، مقید نمود.

بقول احسان طبری در آخرین سطور کتاب شکنجه وامید «هر قدر که نیرنگ تارا جگران امروزی زیرکانهوهراندازه اغوای افسونگران

شویم یا با عناد ولجاج عقاید دینی مؤمنین‌را مورد تحقیر وتمسخر قرار دهیم.

در فصول قبل طریق عاقلانه وعملی این مبارزه‌را در کشور شوروی ملاحظه نمودید ودیدید که حزب پر افتخار بلشویک با در دست داشتن همه گونه قدرت واقتدار فقط ازراه علم وتوسعه جهان بینی مارکسیستی ولنینیستی بمبارزه بامذهب قیام کرده. ماهم باید ازاین روش پیروی کنیم وباتوسعه وپرورش ادراک علمی وصحیح در جوانان بتدریج ریشه‌ها نکزای مذهب‌را از عروق آنها پاک کنیم

حربه مادراین مبارزه فقط باید علم ومنطق باشد ومطمئن باشیم که این حربه قوی حتی برنده ترین حربه آخوندرا که چماق تکفیر است خورد میکند. خوشبختانه (۳۰) ادراک آخوند از دنیای واقعی بسیار ناچیز است. آخوند بیسواد که در حصاری از کتابهای چرند هزار سال پیش گرفتار است، اصلا نمیداند اکنون درچه عصری ودرچه زمانی است که زندگی میکند. مقتضیات دنیای امروز ابداً انس والفتی ندارد وبدیهی است باچنین سرمایه عملی که ناچیزتر از سرمایه یک کودک دبستانی است آخونددراین عصر نمیتواند رهبری مردم را عهـــده دار شود واگر عهده دارشد، افتضاح پشت سر افتضاح بار خواهد آورد.

هم مسلکان‌ما نباید‌از فرصت یک تاری که محیط ارتجاعی کشورما بآخوند داده وحشت وهراس بخود راه دهیم. بگذارید یکبار دیگر این طبقه وامانده که از هفتصد سال پیش شاعران ما زهد وریای آنانرا نکوهش کرده اند فرصت پیدا کنندو خود شان رانشان دهند.

مطمئن باشید بخوبی خودرا رسوا خواهند کرد وکاری راکه ما بر عهده داریم، آسان خواهند کرد. سعی ما باید براین باشد که

(رد ونقد)

تمام شد بیشتر یاوه سرائی وجعل کتاب نگهبانان سحر وافسون این کتاب بخودی خود مردود ومنتقد است ومحتاج رد ونقد نیست معذالك برای تنبیه غافلین لازم است مختصری را بنحواشاره برای رد خرافات واوهام آن ذکر بکنیم و هرمورد که ذکر خواهیم کرد بطریق مستقل بیان خواهیم نمود که محل فائده باشد ورد مطالب کتاب از آن هم معلوم بشود زیرا که خرافات این کتاب ارزش رد مستقیم ندارد پس رد که مینویسیم عبارت خواهد بود از چند مقاله که هریك شماره مستقل دارد وشماره‌ای که زیر تیترها گذارده شده اشاره میکند بمطالب مردود در کتاب وشماره‌ئی مقابل در آن موجود است وهر شماره ای که زیر تیتر دیده میشود مقابل آن را در کتاب ملاحظه نمایند که مطلب رد شده راپیدا کنند .

جـديد هوشمندانه باشـد ، باز آزادی ودانش که زیرکتر وجابکتر وهوشمندتراز رقیب است وبرتکاور تیزپوی تکامل نیز نشسته ، از عهده شکست حریفان بر خواهد آمد. وبالاترین شرف برای ما در آن است که بچون آرمانهای درخشانی خدمت کنیم . شرکت در گروهی که بسوی خورشید عدل ودانش پوینده است ورزم بر ضد تمام خادمان ظلمت ، تعهدی اصیل و گرانبهاست . بکوشیم تادراین کار هیچ اشاره ، هیچ فریب ، هیچ اغوائی ، هیچ تهدیدی مارا ازراه بدرنبرد . اگر مادراین بیابان اندرسیم لااقل از افتخار پیمودن قسمتی ازآن محروم نشده ایم ... ارانی در زندان گفت جریان تاریخ شط روشنی است که بدریای تکامل میریزد . بگذارید تادراین شط مقدس از قطراتی باشیم که بسوی دریا میرود نه از آنهائی که درلجن کناره ، آلوده وگندیده میشود .

(وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین) ترجمه اگر قضاوت کردی بین ایشان (یهودیان) پس بعدالت حکم کن همانا خدا عدالت کنندکان را دوست میدارد .

پس عدالت در اسلام حتی در باره مخالفین دین ودشمنان سر سخت مسلمانان (یهودیان)واجب شده است وقرآن کریم‌میفرماید خدا عدالت کننـــدکان راحتی نسبت بیهود دوست میدارد . ودر سوره نساء در نزاع یکنفر یهودی بایك نفر از انصار که پیغمبر (ص) متمایل بود یهودی محکوم شود با اینکه ترتیب اثری نداده بود پیغمبررا بر این تمایل ملامت کرده وامر باستغفار نموده وبرای او کشف کرده که حق با آن مرد یهودی است که مبادا بر خلاف عدالت ولو جزئی باشد حکم کند تهمت بیهودی را خیانت عظیمی شمرده ووعده شدید ترین عذاب بر آن داده ومنت بزرگی بر پیغمبر(ص) نهاده که‌اورا ازحکم بخلاف‌عدالت‌حفظ کرده وحکم بر خلاف عدالت را ضلال شمرده ومحفوظ ماندن پیغمبر از حکم بخلاف عدالت را فضل عظیم دانسته است میفرماید (انا انزلنا الیك الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراك الله ولا تکن للخائنین خصیماً واستغفر الله ان الله کان غفوراً رحیماً) تا آنکه میفرمایـــد (لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس ومن یفعل ذالك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجراً عظیماً) در این آیات چنان سفارش بعدالت کرده است که گوئی بیشتر از همه احکام منظور اسلام‌است حتی‌علت نزول قرآن را حکم بعدل وقضاوت‌از روی عدالت شمرده است با اینکه محکوم له یهودی ومخالف پیغمبر بوده است . در اوائل سوره مائده میفرماید (ولا یجر منکم شنئان قوم ان صدوکم عن

(اسلام وعدالت)

(۹) تا اینجا غیر از الفاظ وادعاء بی دلیل وسب وشتم وجود ندارد وحتاج بانتقاد نیست فقط بادعاء معکوس این کتاب دراین جمله اشاره میکنم وآن این است که مدعی شده است که دین داران ظلم وستم را تقدیس مینمایند . بنیاد هر دین بر عدالت ودفع ظلم وجلوگیری از ظالمان نهاده شده ودین اسلام بیشتر از همه ادیان امر بعدالت ودفع ظلم کرده است پیغمبر اسلام (ص) فرمود (من اعان ظالماً ولو بقلم مکسور اکبه الله علی منخریه فی النار) یعنی هرکس ستمکاریرا کمك دهد ولو بقلم شکسته ای خدا او را برو در آتش میاندازدو احادیث شریفه در جلوگیری ازظلم ستمگران متجاوز از حد تواتر وارد شده است ووعده شدید ترین عذاب الهی بظالمین داده است واصل آن احادیث شریفه قرآن کریم است زیرا احادیث مفسر قرآنند . در سوره هود میفرماید : ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار وما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون) ترجمه بر کسانی که ستمکر دند تکیه نکنید زیرا که بآتش جهنم معذب خواهید شد ویاوری غیرا از خدا نخواهید داشت ویاری کرده نمیشوید .
وعدالت در قرآن کریم ملازم عقیده خدا شناسی قرار داد شده است در سوره شوری میفرماید(وامرت لا عدل بینکم الله ربنا وربکم) ترجمه مأمور شدم که بین شما بعدالت رفتار کنم خدا پرور دگار ماو شما است مراد این است که خدا پرور دگا رهمه جهانیان است وخدا که یکی باشد نباید بنده گانش بیکدیگر ظلم کنند . ودر سوره مائده در باره یهودیان میفرماید

بخارجین از دین اسلام بامسلمانان جنك نکردند توصیه فرموده است زیرا که خدا عدالت کنندگان را مراسم ورسم دوست میدارد .

ودر سوره انعام میفرماید (واذ قلتم فاعدلوا ولو کان ذا قربی) ترجمه وچون سخنی گفتید حکم بعدالت کنید ولوایکه محکوم از خویشاوندان شما باشد .

در سوره نساء میفرماید ان الله یأمرکم ان تمد الأمانات الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعما یعضکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً) ترجمه بدرستیکه خدای میفرماید شمارا با آنکه اداکنید امانات‌را بسوی خدا وندان آن وچون حکم کنید میان مردمان حکم کنید براستی وعدالت بدرستیکه خدا بتعالی نیکوچیزی پند میدهد شمارا بآن چیزیکه بدرستیکه خدای هست شنوا باقوال شما بینا بافعال شما . مراد اگر قولی یا کرداری بر خلاف عدالت از شما صادر شد خدا آن را میشنود ومیبیند وشمارا در آن کیفرد خواهد داد .

در سوره نحل میفرماید (ان الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون) ترجمه خدای بعدل واحسان (نیکوکاری) وعطا دادن خویشاوندان نزدیك ودادن انچه را بآن احتیاج دارند مروفرمان میدهد وازبزه کاری وافراط در شهوات ومنکر که افراط در حال غضب وستمکاری چون استعلا وتفوق بر مردمان باز میدارد ونهی میکند پند میدهد شمارا باین شاید یاد آور بشوید وهر کار خوب را بجابیـا ورید واز هر کاربد خود داری نمائید .

. آیاتیکه‌در امر بعدالت وارد شده بسیار است ومعذالك این نابخردان

المسجد الحرام ان تعتدوا وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شديد العقاب . ترجمه دشمنی کسانی که شمارا از حج ودخول مکه منع کردند شمارا تبعـــدی وادار نــکنند ویکدیگررا بر نیکوکاری وپرهیز کاری کمك دهید ویك دیگررا در بزه وتعدی وستم کمك ندهیدواز خدا بترسید که کیفراو سخت است . از این آیة شریفه معلوم میشود که چقدر قرآن بر عدالت ودرست کاری اصرار فرموده واز ظلم وتعدی حتی نسبت بـــه دشمنی که مسلمانان را از بزرگترین فرائض وواجبات منع کرده است نهی فرموده . درهمین سوره بعد از چند آیه میفرماید (یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنآن قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون) ترجمه ای کسانیکه گرویدید باشید قیام کننده گان برای خدا وگواهان بعدل ودشمنی قومی شمارا از عدل وداد گری باز ندارد وداد گری کنید که آن نزدیك تر بتقوی است وپرهیزکار باشید همانا خـدا بکار های شما آگاه است . در این آیه نیز تأکید بر عدالت حتی نسبت بدشمنان فرموده وعدالت را ایستادگی برای خدا شمرده وان را ملازم ایمـان دانسته است . در سوره ممتحنه میفرماید لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین) خداوند شمارا نهی نمیکند از این که نسبت بکسانی که باشما در دین جنك نـکردند وشمارا از خانه هایتان بیرون نـکردند نیکو کاری کنید وداد گری نمائید همانا خدا داد گران را دوست میدارد . در این آیه مبارکه نیز بعدالت خصوصاً

(اسلام ونظام اقتصاد)

(۲) در این فقرات بی شرمانه بعموم دین‌داران خصوصاً بجمیع اسلام ناسزا گفته ونسبت فساد ودروغ وموهوم پرستی بانها داده است .

ما در نظر نداریم که سب وفحش بمثل آن جواب دهیم . نظر ما منحصر بمسائل علمی است وبعد از آن معلوم خواهد شد که مستحق فحش وناسزا کیست . صاحبان این کتاب استهزاء وسخریه زیادی بخمس وزکوة وصدقات واوقاف وغیره نموده اند یعنی بهترین نظام اقتصادی استهزاء کرده اند انتظار از امثـــال اینها همین است . زیرا هرکس نسبت بانچه نمیداند دشمنی میکند (الناس اعداء لما جهلوا) . از نقطه نظر اقتصـــاد باین جاهلان خارراه سعادت بشر میگوئیم عادلترین وبهترین نظام اقتصادی در توزیع ثروت قوانین خمس وزکوة واوقاف وصدقات میباشد وهم چنین قوانین ارث که همیشه درکار توزیع ثروت است ونمیگذارد مال بیکنفر منحصر شود بلکه هرکس بمیرد مال او بعده زیادی تقسیم میشود وهکذا تقسیم ثروت دائمی میماند ویکی از معجزات دین اسلام امثال این قوانین است که با حفظ آزادی کسب وتولید واستنتاج ثروت آنرا توزیع نموده وهمیشه در معرض تقسیم قرار داده است وسلب آزادی درکار وکسب وتجارت وثروت از احدی نکرده است وبشررا مجبور ننموده که مانـــند خر وگاو کار کنند ونفهمند برای که کار میکنند وفائده اش چیست وبعد از فراغ یك مشت جوی پیشش بگذارند وحکومت در امور زندگی او فاعل مایشاء باشد ، وقت کار طرز کار ، فائـــده کار

میگویند (دین داران ظلم وستم را تقدیس میکنند) این ادعاء را همان کسانی مینمایند که اصل سیاستشان بر تخریب بلاد وسوزاندن شهرها وکشتن بی رحمانه سالخورد گان وزنان وبی گناهان وخوردسالان است ومیگویند که ملا وآخوند ودینداران وخلاصه هر که غیر از خود شان باشد را دزمنان عقل هستند . خوانند گان از مطالعه مقدمه وسایر مقالات خواهند فهمید که آیا مارکسیستهای ملحد که منکر اصل وجود عقل هستند را دزمن عقلند یادینداران وپیروان قرآن . وقاحت وبی شرمی تاچه حد سفاهت وبی پروائی تاچه اندازه .

نخواهدماند ونظم اجتماع بدون اعتقاد بخدا محال است صورت بگیرد وانسان بدتر از هردرنده وحشی کور در ظلمات جهل خواهدشد .

در تمـــام این کتاب مستخره بنظام‌های اقتصادی اسلام دیده میشود بهرجا که رسید بد مطالی‌را که در بالا نوشته شده بخوانیـــد تا جهل گمراهان را نفهمید .

خیلی عجب است کسانیکه انـکار خدا وعذاب روز جزا مینمایند چرا وبرای چه‌نامی از عدالت ونظام اقتصاد میبرند وبچه قصد وچه ملاحظه عدالت ونظام اقتصاد را جاری میسازند العیاذ بالله اگرچنا نچه میگویند (وباطل میگویند) خـــدائی وجزائی نیست چرا کسیکه قدرت دارد عـدالت کند وبرای چه ظلم نـکند وبچه علت وقصـد نظام اقتصـاد را جاری کند وبزیردستان وفقرا وضعفا وکارگران ورنجبران ترحم کند وحال انـکه بمقتضای عقیده باطل اینها اگر انسان بمیرد مسئول نخواهد شد از هیچ عملیکه در دنیا کـرده عدالت یاظلم کند بطریق شفقت و رحمت یا بطریق قسوت وشدت هرطور که در دنیا رفتار کرد بنظر اینـــها یکسانـــ است دیگر مانعی از ظلم وقسوت وستم کاری واجراء شهوت وآمال وآرزوی حیوانی نمیماند اباد شمنی برای جامعه وافراد بشر بیش ازاین متصور است .

اینها دشمنان بشرو بشریت هستند از اینها باخدر باشید .

خوراك کارگر ، لباس کارگر . زن کارگر اولاد کارگر اقامت وسفر کارگر ـ مزدکارگر وخلاصه تمام شئون حیاتیهٔ همه دردست حکومت باشد وکارگر اختیار هیچ چیز ندا شته باشد اسلام تمام امور کارگررا بدست خودش داده وحفظ آزادی اورا از هرجهت نموده وتولید ثروت باحسن وجه نموده که دردست تولید کننده گذا شته‌است .

معذالك این جاهلان باین قانون عادل وآزاد استهزا مینمایند . کارل مارکس میگوید که مقصد ما انقلاب اقتصادی است وچون انقـــلاب اقتصادی بدون انقلاب سیاسی میسر نمیشود در صدد انقلاب سیاسی بر آمدیم وانقلاب سیاسی نیز بدون انقلاب دینی ممکن نیست لذا باید ایجاد انقلاب دینی بنمائیم ومردمرا از اعتقاد بخدا وپیغمبران وشرایع منحرف سازیم چونکه عقیده بخدا وپیغمبران وادیان مانع از این است که خون مردم ریخته شود وشهر هارقری سوخته وتخریب گردد وانقلاب سیاسی واقتصادی بدون قتل بی‌رحمانه واستئصال ومحو اکثر اهل عالم وسوزاندن بیشتر بلاد میسر نیست پس اول باید دین وعقیده را از بین برد بعــد بانقلاب سیاسی واقتصادی پرداخت .

این قول مارکس واتباع اوست وماجلو تر ثابت کردیم که انقلاب اقتصادی ممکن نیست صورت بگیرد مگر این که مردمرا بخدا وپیغمبران معتقد کرد وازراه اعتقاد بخدا وپیغمبران قوانین زکوة وخمس واوقاف وصدقات ومواریث را اجراء کرد واگر حقیقة کسی در صدد انقلاب اقتصـــادی باعـدالت وآزادی میباشـد باید اول مردمرا بخــدا وپیغمبران معتقد کندو بعد در صدد انقلاب اقتصادی عالم برآیدنه اینکه عقیده بخــدا را از بین ببرد که بعــد از این هیچ چیز برای بشر باقی

ووضع عادی خودرا برای مرگ پسر تغیر ندهد .

اگرقشون مسکو هجوم آورند آیا استالین وقشون سرخ باید فرار کنندیا مقاومت نمایند . اگر خانواده استالین یا امثال او مریض شوند آیا باید از زندگی سیر شوندوخودکشی کنند یا در صدد معالجه برآیند ومنتظر بهبودی باشند . امثال این سئولات در زندگانی روز مره بسیار است . کونیستهاچه جوابی برای این سئوالها دارند وچه راه حلی برای این مطالب پیدا کرده اند اگرجواب نداشته باشند در ساده ترین احوال زندگی جاهل هستند وحق اداره بشر را ندارند واگر حل کرده اند واسرار این تفاوت را فهمیده اند بگویند چیست . از اینجا درجه جهل ونادانی وبیعلمی کونیستها ومواهین کتاب معلوم میشود . به علاوه بر اینکه خود شان این مسائل را نفهمیدند باسلام اعتراض میکنند در صورتیکه اسلام تمام مسائل زندگی بشررا بنحو اکمل حل کرده است .

اسلام این مسئله‌را که تفاوت ما بین افراد بشر چیست وتکلیف مردم در مقابل این حوادث کدامست حل کرده ولی کونیستهای نادان نفهمیدندکه این تفاوت از قضا وقدر است . یعنی خالق مدبر جهان اختیار مطلق دارد بهرکس بخواهد میدهد واز هرکس نخواهـــد منع میکند اما بیهوده وبی سبب یعنی مخالف حکمت کاری را نمیکند .

هر قدر کارل مارکس وانگلز کوشش کردند نتوانستند کاری بکنند زیرا خداوند متعادل برای آنها مقدر نکرده بود ولی لنین چنین انقلابی را ایجاد کرد زیرا برایش مقدر شده بود . کونیستها نمیتوانند بگویند لیاقت لنین از کارل مارکس وانگلز بیشتر بوده که چنین انقلابی را بوجود آورده است زیرا آنها معترفند که لیاقت کارل مارکس ودیگران .

قضاء وقدر وصبر وبردباری
وثبات در اسلام

(۳) از وقتیکه کارل مارکس خرافات ماتریالیستی دیالیکتیکی را آورد نتوانست آنرا تطبیق کند ودرحله عمل بگذارد ونصیب وی تبعید از آلمان وزحرو شکنجه شد انگار نتوانست کاری از پیش ببرد اشخاص زیادی از پیروان کارل مارکس حتی بزرگتر از لنین هم در روسیه وغیر آن بودند ونتوانستند انقلاب اقتصادی یا انقلاب ضد خدا را ایجاد نمایند اما لنین کرد بعد از او هم عده زیادی از رفقا یعنی مانند ترو توسکي وغیره بودند چهشد که همه آنها از بین رفتند ودر سیر انقلاب کمونیستی فقط استالین جانشین لنین شد .

صد وهشتاد ملیون کارگر ورنجبر در روسیه وجود دارد چرا همه اینها محکوم شدند واستالین حاکم . همه تابع واستالین متبوع همه مرؤس استالین رئیس . استالین در جمیع مقدرات وثروت تمام روسیه میتواند تصرف کند واحدی نمیتواند برا واعتراض نماید وما بقی دسترس بغیر از خوراك خودشان ندارند ومالك آزادی خودشان نیستند . مجبوراً بایدکار بکنند ورنج ببرند . چرا استالین باید در قصر کرملین بنشیند وکارگربد بخت در لجن نفت غوطه ورشود یابگرد ذغال سنك صورت خودرا توالت نماید . چرا استالین از کارگر نمیترسد وکارگران از استالین میترسند . اگرپسر استالین بمیرد آیا استالین باید گریبان بدرد واز زندگی مأیوس شود وديوانه وار دست بر سرزند یا باید ساکت بنشیند

خدا را فراموش کرده اند مستحق هستند که خدا بد ترین مردم را برایشان مسلط کند از اینجا معلوم میشود که استالین ورفقایش بدترین مردم روسیه بلکه تمام مردم روی زمین است برای اینکه کونیستها خدا رافرا موش کرده اند ومستحق تسلط چنین قاسی خونخوار وشریر غدار وجاهل بی بند وبار هستند .

سخن که باینجا رسید خوب است شمه ای از تعالیم اسلامی که در این خصوص وارد شده است از آیات قرآن کریم ذکر کنیم .

در سوره طه میفرماید (لتجزی کل نفس بما تسعی) ترجمه هر کس بانچه میکند جزا داده میشود . در سوره مدثر میفرماید (کل نفس بما کسبت رهینة) ترجمه هرکس گروگان عمل خودش هست در سوره شوری میفرماید (وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر) ترجمه وانچه بشما میرسد از بلا بواسطه انچیزی هست که دستهای شما کسب کرده وخدا از بسیاری در میگذرد در سوره صف میفرماید (فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا یهدی القوم الفاسقین) ترجمه پس چون روی گرداندند خداد لهای آنها رابر گرداند وخدا گروه فاسقین را هدایت نمیکند . در سوره انفال میفرماید (ذالک بأن الله لم یك مغیراً نعمة انعمها علی قوم حتی یغیرو مابانفسهم وان الله سمیع علیم) ترجمه این است که خدا تغیر نمیدهد نعمتی را که بر جمعیتی احسان کرد تا اینکه خودشان آنچه را در نفوسشان هست تغیر دهند وخدا شنوای دانا است . در سوره یس میفرماید (ولا تجزون الا ما کنتم تعملون) ترجمه جزاداده نمیشوید مگر آنچه رامیکردید . وآیات شریفه در این خصوص بسیار است وحدیث پیغمبر (ص) ناظر ببعض این آیات است که قبل از

بیشتر بوده واگر چنین ادعائی را کردند از آنان میپرسیم لیاقت چیست وازطرف کی آمده .

کمونیستها معتقدند که کارل مارکس ولنین وخروسك وغیره همه یکسانند . درات ماده جمع شده واین موجودات را بوجود آورده پس لیاقت معنی ندارد زیرا لیاقت مثلاً یك مقدار اکیترن نیست که لنین داشته وسایرین نداشته اند . شاید بگویند ظروف واحوال مساعد لنین شده ومساعد دیگران نشده است در اینجا میپرسیم ظروف واحوال صدو هشتاد ملیون مردم روسیه عملا یکی است چرا استالین در رأس همه واقع شده وسایرین مطیع او هستند اینجا های سؤال باقی میماند که چرا خدا برای کارل مارکس وانگلز مقدر نکرده و برای لنین مقدر کرده است چرا برای هیچیك از صدو هشتاد ملیون نفوس روسیه مقدر نکرده که جا نشین لنین بشوند وبرای استالین مقدر کرده .

جواب این است که حوادث جاریه در امور زندگی بسته باختیار بشر است زیرا خداوند متعادل بشررا فاعل مختار خلق کرده است .

سعادت وشقاوت هرکس را دردست خودش قرار داده تاهر کدام را که خواهد اختیار کنند وسعادت منحصر باطاعت اوامر الهی وشقاوت بسبب معصیت ونافرمانی او است . مردمان زمان کارل مارکس وانگلز هنوز اندکی توجه بمبدأ داشته‌اند خداوند متعال آنها را از نعمت ولذت معرفت خود محروم نکرد اما مردمان زمان لنین کاملا از خدا دور شدند وجنك بین الملل اولرا ایجاد کردند وفساد را درروی زمین بانتهاء رساندند لذا خدا شریر ترین خلق این زمان را بر بشر مسلط کرد وبشررا در ظلمات اوهام ماتریالیستی باقی گذاشت. همچنین در این زمان که مردم

وصبر در کارزار را یعنی بی چیز وفقیر مأیوس نباشـــد انقدر کار کند تا غنی وچیزدار شود ورنجوررو نا خوش مأیوس نشود انقدر اقدام در معالجه کند تا بهبودی یابد وتا آخرین نفس نا امیـــد نباشـد و مصیبت زده از خود بیخود نشود و با بردباری وشکیبائی بلا را استقبال کند ودر سختی افتاده انقدر بکوشد تا سختی مرتفع شود . وهنگام کارزار ترس وهراس از دشمن نداشته باشد وکوشش نمـاید تا خصم را مغلوب سازد . در احادیث شریفه صبر برسه قسم تقسیم شده است :

۱ ـ صبر بر طاعت . یعنی شخص باید همیشه نیکوکار باشـد واز فرمانبرداری خـدا خستة نشود وبرآن مداومت نمـاید واجر چنین شخصی بسیار بزرك است .

۲ـ صبر از معصیت . یعني شخص در مقابل هواهای نفسانی وشهوت وغضب مقاومت کند واین امور اورا بر معصیت وادار نـکند .

۳ـ صبر بر مصیبت . واجر آن بیشتر از دو قسم اوّل است . وازجمله طاعات که باید برآن صبر کرد واستقامت نمود جهاد است . این است تعالیم اسلامی . ولی کمونیستهای نادان اسلام رامتهم نمودند وتعالیم آنرا معکوس جلوه دادند وگفتند معنای صبر این است که انسانی هیچ کار نـکندواز گرسنگی بمیرد وباغنیاء وسرمایه داران سرفرو بدهد وتملق بکندوتذلل کند وبگوید خدا چنین خواسته است واینطور مقدر شده است . در صورتیکه اسلام هرگز بچنین امری راضی نشده بلـکه کسب نـکردن وتذلل نمودن وسئوال کردن راحرام دانسته . چگونه باین خواری راضي شود کسیکه عزت را برای مئومنین قرار داده وراضی

هزار وسیصد وکسری پیش بینی کرده میفرماید لتترکن الامر بالمعروف والنهی عن المنکر ثم لیسلطن علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم یعنی بدر ستیکه امر بمعروف ونهی از منکر را ترک خواهید کرد انگاه بدان واشرار برشما مسلط میشوند پس خوبان واخیار دعا میکنند ودعای ایشان مستجاب نخواهد شد . اینجا جای سئوالی است که چاره خلاصی از این گرفتاری که تمام بشر را فرا گرفته چیست . جواب این سئوال خیلی واضح است وآن این است که خلاصی بشر از این بدبختی عالمگیر ممکن نیست مگر بتوجه بخدا واطاعت اوامراو . در سوره بقره میفرماید (واذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون) ترجمه یادمرا بکنید تایاد شمارا بکنم وشکر کنیدمرا وکفران نعمت نکنید آیات بسیاری در این خصوص هست . یاد خدا در این زمان منحصر بنمازو روزه نیست خدا در سوره آل عمران میفرماید (یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلاة ان الله مع الصابرین) ترجمه ای کسانیکه ایمان آوردید کمک ویاریرا در صبر ونماز طلب کنید بدر ستیکه خدا باصابران است وصبر در این زمان منحصر است باینکه در مقابل کمونیستهای خادمان ظلمت وپیروان خرافات سخت ایستادگی نمود تا ان خارهای سرراه سعادت برکنده شوند ودر آتش بسوزند وآن افعی های زهر آگین زیر پای دلگرد دینداران له وخوونابود شوند . در قرآن متجاوز از سیصد آیه در امر بصبر وتأکید بآن ذکر فضیلت وفائده وتاثیر آن در امور زندگی وارد شده است وتمام مشکلات زندگی بشررا حل کرده است در سوره بقره میفرماید (والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس) ترجمه وصبر کنند گان در سختی وبی چیزی ودر بخوردی

وبرای احتراز از تطویل کلام از تکرار رد آنها در هرمورد خود داری مینمایم در تمام موارد این کتاب . در نقد مقدمه ودر این فصل نامی از دشمنان خدا ودین وبشریت مانند استالین وکارل مارکس ولنین بردم وباوصافیکه آنها دارا هستند متصف ساختم . یکی از شخصیتهای بارز سیاسی شرق از آن اطلاع پیدا کرد . بطور نصیحت اظهار داشت که اگر اسم اشخاص را نبرید بهتر است زیرا که بردن نام اشخاص موجب میشود که طرفداران انها عصبانی بشوند و در جوش وخروش بیفتند وباصل مطلب گوش نکنند ودیگر اینکه شاید در نشر کتاب اشکال پیدا بشود چونکه بعض اینها شخصیتهای رسمی هستند ودول عالم انهارا برسمیت شناختند ومیتوانند از نشر اوصاف بد خودشان جلوگیری کنند وحتی حق اقامه دعوا بر ناشر قانوناً دارند علاوه بر این وسائل قوت دردست دارند ومیتوانند مخالفین خودشان را در هرجا که هستند ترد کنند بنابرین صلاح میدانم که نامی از اینگونه اشخاص برده نشود وباصل مطلب اکتفا کنید از اظهارات انشخص سیاسی بزرگ قبل از مطالعه در نصیحت ایشان اظهار خوشنودی ومسرت نمودم ووعده دادم که اسامی اشخاص را از کتاب بردارند . بعد از این فکر کردم که این نصیحت با تعالیم اسلامی سازش ندارد برای اینکه بر طبق تعالیم اسلامی باید حق را اظهار کرد ولو اینکه تمام اهل عالم بان مخالفت داشته باشند وکسی که برای خدا و بندگان مقرب او از قبیل ملائکه وانبیاء وائمه وصلحا وبرای شرایع مقدسه وکتب آسمانی حرمتی قائل نیست هیچ حرمت ندارد ومستحق تمام نامهای زشت وبد واوصاف پست ومذموم میباشد وباید اورا بانچه دارد موصوف کرد وقوت او مانع از ذکر اوصاف بداو

نیست که هیچ مسلمانی ذلیل وبیچاره شود . در سوره منافقین میفرماید (ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولکن المنافقین لا یعلمون) ترجمه عزت برای خدا وپیغمبر وگرویدگان باو است ولی منافقین نمیدانند . آری منافقین وکمونیستها تهمت باسلام میزنند اسلام دعوت میکنند به خواری وذلت اتباعش واینکه نزد اغنیاء تذلل کنند وتملق بگویند . اسلام فرض وحتم نموده اغنیـــاء مال خود شان را به بینوایان دهند آیا چنین حکمی موافقت باذلت دارد . اسلام تحصیل رزق را واجب دانسته وکاهلی در طلب را حرام شمرده در سوره ملك میفرماید (فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه) ترجمه در پستی وبلندیهای زمین سعی کنید واز رزق خـــدا بخورید ودر حـــدیث رسیده که رزق خدا به بیکار نمیرسد . اسلام از فراموش کردن کارهای دنیا نهی کرده در آنجا که میفرماید در سوره قصص (ولا تنس نصيبك من الدنيا) ترجمه بهره خود را از دنیا فراموش مکن بلـکه در احادیث وارد شده که هرکس دنیا را ترك کند از دین اسلام خارج است در روایت کافی میفرماید

(ليس منا من ترك الدنيا للاخرة وليس منا من ترك الآخرة للدنيا)یعنی از ما نیست کسی که دنیا را برای آخرت ترك کند وازمانیست کسیکه اخرت را برای دنیا ترك کند مراد برای هردو باید کوشید . این است تعالیم اسلامی ومارکسیتسها میگویند دین اسلام دعوت ببطالت وبیکاری وتنبلی وذلت میکند شرم وحیا ندارند . فاقد علم وادراك وحیات هستند بهترین راه حل مشکلات زندگانی را ببدترین صورت معما ومشکل جلوه میدهند . در این کتاب از اینگونه تهمتها زیاد ذکر میکنند خصوصاً نسبت بقضاء وقـــدر وصبر وبردباری وما بانچه نوشتیم اکتفا میکنیم

مرگ برای انسان میرسد پس چرا از مرگ بترسید . وبگو کیست که شما را نگه میدارد ویاوری میدهد از خدا اگر خدا بدی برای شما خواسته باشد یاخوبی راهر گز یارو یاوری غیر از خدا پیدا نخوهید کرد ودر سوره فتح میفرماید (قل فمن یملک لکم من الله شیئاً ان اراد بکم ضراً او اراد بکم نفعاً بل کان الله بما تعملون خبیراً) ترجمه بگو کیست که مالک چیزی برای شما میشود اگر خدا سودی یا زیانی برای شما خواسته باشد بلکه خدا بانچه بجا میاورید دانا است مراد اگر خوبی کردید خوبی را برای شما خواهدخواست واگر بد کردید بدیرا برای شما میخواهد . ودر سوره توبه میفرماید (اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنین) ترجمه ایا از اینها میترسید پس خدا سزاوار تراست تا اینکه از او بترسید اگر ایمان داشته باشید ودر سوره آل عمران میفرماید (انما ذالکم الشیطان یخوف اولیائه فلا تخافوهم وخافونی ان کنتم مؤمنین) ترجمه نیست جز اینکه شیطان یاران خود را میترساند پس از آنها نترسید واز من بترسید اگر اهل ایمان باشید ودر سوره انعام میفرماید (ولا اخاف ما تشرکون به الا ان یشاء ربي شیئاً وسع ربی کلشیئ علماً افلا تتذکرون وکیف اخاف ما اشرکتم ولا تخافون انکم اشرکتم بالله مالم ینزل به علیکم سلطاناً فای الفریقین أحق با الامن انْ کنتم تعملون الذین آمنو ولم یلبسو ایمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون) ترجمه ونمیترسم آنهائی را که شریك خدا قرار میدهید مگر اینکه خدا چیزی را بخواهد علم پرودگار من بهر چیز احاطه دارد ایا بیاد نمیاورید وچگونه میترسم از انهــا ئیکه شریك خدا قرار دادید وشما نمیترسید از اینکه شریك خدا قرار دادید کسی را که خدا نسبت باو بر شما حجتی یابیاني فرود نیاورده است کدام

نیست . واگر قوانین دنیا اورا رسمیت شناخت وحرمتی برای او قائل شد مانع نخواهد بود از اینکه مؤمن بخدا حق را بگوید وجلو تمام قوانین دنیا بایستد وحق را ظاهر سازد کسیکه خدا را عبادت میکند ماسوای اورا هرچه هست حقیر میشمارد جنرالیسم ستالین صاحب قصر کرملین که در رأس قوای کمونیست واقع است همان یوسف گرجی شاگرد ارسی دوز راست که پیرمردان طهران هنوز اورا فراموش نکردند ودوحال متفاوت او نزد مؤمن خدا شناس یکی است اگر او برای خدا وانبیاء حرمت نمیداند مؤمن بخدام برای آن متمرد ملحد جاهل هیچ حرمتی را نمیداندو کسیکه ایمان بقضا وقدر دارد ومیداند تا خدا چیزی را نخواهد نمیشود از تر ربیعتهای ستالین ترس وهراسی در دل او نیست ووقعی بانها نمیدهد ومنکر خدا حقیر تر از این است که کسی از او ملاحظه داشته باشد ستالین از خدا ترس ندارد وکسی که از خدا ترس دارد ممکن نیست از ستالین وامثال او ترس داشته باشد باین مناسبت خوب است چند آیه ای را از تعالیم قرآنی در این مورد ذکر بنمائیم در سوره آل عمران میفرماید (ان ینصرکم الله فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن ذالذی ینصرکم من بعده) ترجمه اگر خدا شمارا یاوری بکند هیچ کس برشما غلبه نخواهد کرد واگر خدا مخذول سازد کیست که بتواند شما را نصرت دهد در سوره احزاب میفرماید (قل لن ینفعکم الفرار ان فررتم من الموت او القتل واذن لا تمتعون الا قلیلاً قل من ذا الذی یعصمکم من الله ان اراد بکم سوء او اراد بکم رحمة ولا یجدون لهم من دون الله ولیاً ولا نصیراً) ترجمه بگوای محمد گریختن وفرار از مرگ یا کشته شدن برای شما سودی ندارد اگر فرار کنید ونخوا هیدماند مگر اندکی مراد بهر حال

(توسع آراء مادي در اسلام)

(٤) در فصل گذشته فهمیدید که این شیادان دغلاز مرتجع چه تهمتهائی باسلام زدندو اسلامی‌را که دشمن ظلم وحامی عدل است حامی ظلم وستم معرفی کردند در اینجا باز این ادعاء را تکرار نمودند واضافه کردند که اسلام دشمن علم است وعلم دشمن اسلام .

وبرآن اقامه دلیل وبرهانی نکرده بلکه بالفاظ بی معنی وجمله های سر تاسر غلط اکتفا نمودند . نقل عبارات آنها برای رسوائی وافتضاح وکشف جهالتشان کافی است معذلك لازم است به بیسوادی وبی شرمی وبی فهمی وطرفداری ایشان از جهل وارتجاع مختصراً اشاره کنیم .

(بهشت ودوزخ)

اولاً بهشت وجهنم را انکار ونعمتها وقوا که بهشت وشدت عذاب دوزخ را مسخره نمودند ماد رصـــدد این نیستیم که بگوئیم برای این انکار کشتن آنها شرعـــاً واجب است وحرمتی برای نفوس واموالشان باقی نمانده است از خدا مسئلت مینمائیم که توفیق اجراء این حکم را بما مرحمت فرماید ولـکن در اینجا بدرجه جهل وبی سوادی و دشمنی آن زا لوهای اجتماع وگمراهان بحر ظلمات اشاره مینمائیم . اگر پیروان عقائد مجوس وفلسفه قدیم یونان وهیئت بطلمیوس انکار بهشت مادی وقوا که وحور وغلمان آن وجهنم مادی ومار وعقرب وزبانیه آنرا بنمایند تا اندازه ای معـــذور هستند زیرا عقیدهٔ آنها بر این بود که عالم عبارت است از

یك از دو گروه سزا وار تراست تا اینکه ایمن گردد اگر علم داشته باشید کسا نیکه ایمـــان آوردند وایمان خود شان را بظلم وستم مشوب ننمودند. برای انها امن وامان است وانها هدایت شده گانند . ای والله ستالین وکونیستها که منکر خدا هستند سزاو ار تراند که ترس وهراس داشته باشند وما که مؤمن بخدا هستیم بامن وامان سزا وار تریم. خیلی جای تعجب است که بسیاری از ضعفـاء نفوس حتی شخصیتهای بارزهم مغلوب تبلیغات کمونیستی هستند واز ترز یستهای انها در دلشان واهمه است در صورتیکه مؤمن بقضا وقدر و خدا شناس باید کمونیستها را بسیار حقیر بشمارد وقوای جنـگی که دردست انها است با زیچه بچه گانه بـدانـد زمین وآنچه را آن زیست میکنند در مقابل قدرت غیر متناهی الهی ناچیز ولا شيء محسوب ندارد چرا از یکمشت بچه بی بند وبارو بی‌شعور وادراك باید ترسید اهل ادیان ومؤمنین بخدانباید مرعوب بندگان ضعیف وحقیر بشوند وانها را همیشه باید محتقر وسبك بشمارد و بر علیه انها باطمنان نصر الهی باید رزم بکنند تا انهارا محوونا بود سازند .
این تفکرات مرا وادار کرد که اوصاف حقیقی ستالین وغیر ستـالین را ذکر ومنتشر بنمایم واسم تمام دشمنان خدا را بحقارت ببرم ووفا بوعده که با شخصی سیاسی داده ام نـکنم خدا از مؤمنین عهد ومیثاق گرفته که بادشمنان خدا بجنگند تا انها را نابود سازند وما سزا وار تریم که بعهـد ومیثاق الهی وفا کنیم نه بوعدههای بندگان .

خيالات را مينمايند افتخار ميكنند وميگويند ما در صدد توسعه افكار مادى هستيم اگر چنين است پس چرا عوالم مادى وسيع بالاتر از آسمان وزمين را انكار مينمائيد . اين شيادان تهى مغز مرتجع كه ميخواهند كثيفترين ارتجاع را بطريق دغلبازى وشيادى بخورد مردم بدهند وجوانان ساده لوح را اغواء نمايند از تناقض گوئى خجلت ندارند كجا خجالت ميكشد كسى كه شرم وحيا ندارد ونميداند چــه ميگويد حتى بعبارات والفاظ خودش هم جاهل است از يكطرف مدعى توسعه افكار مادى هست واز طرف ديگر منكر عوالم مادى غير زمين ميشود . يكى از بزرگترين معجزات پيغمبر آخرا لزمان اين است كه بر خلاف معتقدات عصر خود بدون ترس وهراس قيام كرده وخبرداد كه عوالم مادى بيشمارى غير از زمين موجود است واز جمله اينها بهشت ودوزخ ميباشد وخبرداد كه از تمام افلاك گذشت وادعاء فلاسفه ومجوس وهيئت بطلميوس را راجع باينكه فلك قابل خرق والتيام والشقاق نيست باطل كرد وخبرداد كه آفتاب وسيارات وغيرها قبل از قيامت همه متلاشى ومضمحل خواهند شد زيرا كه همه اجسام مادى وقابل تحليل وتركيب هستند وادعاء مجوسيان وقدماء فلاسفه را كه گفتند افلاك قديم هستند وقابل اضمحلال نيستند رد نمود واز هجوم تمام اهل زمان خود واز اينكه ديوانه اش خواندند نهراسيد ومطمئن بود كه علم اورا تصديق ومخالفين اورا تكذيب خواهند كرد وگفت در سوره قلم .

(فستبصر ويبصرون بايكم المفتون) ترجمه خواهى ديد وخواهند ديد كداميك از شما ديوانه ايد يا كداميك بر خلاف حقيقت گفته است .

متجاوز از هزار سال بعد خداوند عالم به بشر مكتشفاتى را داده كه

افلاك پوست پیازی وزمین مرکز عالم میباشد وتحلیل وترکیب وکون وفساد که از خصائص ماده میباشد مختص زمین است وباقی افلاك بسیط هستند وقابل خرق والتیام وتحلیل وترکیب نیستند . برای آنان اگر کسی بگوید بهشتی وجود دارد که عرض آن بقدر آسمانها وزمین است وحور وغلمان وروح وریحان وفواکه ورمان ویاقوت وزبرجد ومروارید ومرجان ولذتهای بیشمار ونعمتهای فراوان بسیار دارد تعجب خواهند کرد بلکه انکار میکنند چونکه میگویند عالم دیگر کجا است وحال آنکه در عالم غیر از نه فلك موجود دیگری نیست وحیوانات وانسان واجسام مادی از قبیل مروارید وزبرجد ومیوه‌جات وغیرها چگونه در عالم دیگر وجود دارد در صورتیکه ماده مختص زمین است وبقیه عوالم از ماده مجرد وبسیط هستند . اما در این زمان که علوم ومراصد ومکتشفات برای ما کشف کرده که تمام آنچه باتلسکوپ واسپکترسکوپ کشف شده از عوالمیکه از حد احصاء وشماره بیرون واز حد تصور افزون است همه اجسام مادی هستند وقابل تحلیل وترکیب میباشند وهر عنصری که در زمین وجود دارد در آن عوالم موجود است حتی اینکه عنصر هلیوم در آفتاب مادیده شد وآنرا در زمین جستجو کردند بعد از اینکه مدت شصت سال که از کشف آن در آفتاب گذشت در زمین پیدا شد در چنین عصری چگونه کسی جرأت کند که عوالم مادی بالاتر از مین مارا انکار کند ووجود بهشتی بزرگتر از آسمانها وزمینها ومشتمل بر نعمتهای مادیرا مسخره بنماید ومیخواهد قبیحترین ارتجاع یعنی برگشتن بسوی عقاید مجوس وفلاسفه یونان را بر اهل این زمان تحمیل کند عجب تر این است که این شیادان مرتجع با اینکه پیروی از افکار ارتجاع قرون

ندارد ومؤلفین کتاب وپیروان آنان از نعم آن محروم هستند چونکه
آنرا مسخره کردند ونصیب آنها همان آتشی است که خدا بآن خبرداد
وعلوم وصنایع آنرا تأئید نمود ومدلل ساخت که در حد حرارت آفتاب
در سطح آن باندازه ای است که سخترین فلزات را از مسافت هزاران
میل میگداز د ودرجه حرارت کانون آفتاب باهیچ مقیاس نمیتوان مقایسه
نمود وتا اندازه ای از جهت شدت حرارت تصدیق آن جهنم راداد
ومعنای (وقودها الناس والحجارة در سوره تحریم) ترجمه هیزم آن
مردم وسنك است فهمانید چنین جهنمی نصیب آن تکذیب کنند گان
خواهد بود (یوم یدعون الی نار جهنم دعا هذه النار التی کنتم بها
تکذبون افسحر هذا ام انتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا او لا تصبروا
سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون (سوره طور) ترجمه روزی که
افکنده میشوند در آتش جهنم افکندنی وبآنها گفته میشود مراد
زبانیه جهنم میگویند این است آتش جهنمی که آنرا تکذیب میکردید
آیا این سحر وافسون است یا آنکه شما آنرا نمی بینید بسوزید در آن
صبر کنید یا صبر نکنید یکسان است باید در آن سوخته شوید جزا
داده نمیشوید مگر بآن عملیکه میکردید اگر معجزه برای پیغمبر اسلام
بجز این یعنی توسعه افکار مادی بر خلاف اهل وعلوم وزمان خودش
وتصدیق علوم این زمان نبود برای ایمان وتصدیق نبوتش کافی بود
خصوصاً اگر ملاحظه کنند زمانی و محیطی را که پیغمبر در آن نشوونما
کرده است چونکه در جزیرة العرب هیچ علم ودانشی نبوده وزمان
ابتداء نبوت زمان جاهلیت نامیده میشد وخود اوسابقه خواندن و
نوشتن نداشت باین ملاحظات علم یقین حاصل میشود که گفتار ایشان

تمام آنها تصدیق پیغمبر نموده وتکذیب علماء عصر خود شرا کرده است وباین واسطه اهل جهان در افکار مادی توسعه دادند و پرده ازروی پدیده های طبیعت برداشتند تا بدرجه امروز رسیدند و بعدها بیشتر کشف خواهند کرد وهمه مدیون پیغمبر هستند زیرا او اول کسی بود که تخطئه فلاسفه وفلکیو قدیم را نمود و بواسطه او علوم وفنون بعلماء امروزه رسید زیرا اتباع او علوم مادی را از اندلس بفرانسه وآلمان وتمام اوروپا رساندند .

بعد از این همه گیر ودادها اشخاص تهی مغز ی علم پیدا میشوند وبنام ترقیات علمی وتوسعه افکار مادی میخواهند اهل این زمانرا بقدیمترین افکار ارتجاعی بر گردانند وعوالم مادی خارج از این جهانرا انکار کنند ووجود بهشت ودوزخ را در ماوراء این عالم مسخره کنند وافکار را از تعمق وتدبر در عظمت عالم ماده وعجائب آن محروم سازنده وقاحت تا کجا بی شرمی تا چه پایه جهل برای صاحبش چه میکند دشمنی باعلم برای چه . آیا اینها انسانند بخالق جهان سو کنند این مرتجعین جنایاتی در برابر علم مرتکب میشوند که قابل عفو وگذشت نیست و بر عاشقان علوم وترقیات علمی حتم است که بعد از کشف جهل ولجاج وعناد آنان اگر بعلم ومقتضیات عقل اقرار واذعان نمایند ودر عناد وجهل ولجاج باقی بمانند آنها را محو ونابود سازند وروی زمین را از لوث جهل وخرافات انان پاك وپاکیزه نمایند .

دلیل اینها منحصر است بیك عبارت که بطور مسخره ایراد کردند وآن عبارت (جنات تجری من تحت الانهار آخوند) این جنات تجری من تحتها الانهار که تمام لذتهای مادی در آن وجود دارد وخدا بآن خبرداد وعلوم ومکتشفات امروزه آنرا تصــدیق کرده وربطی بآخوند

را بظلم وستم واجراء مشتهيات ولوآنكه منجر بهلاك عالم باشـــد دعوت میکنند ومعذالك از جور وستم وعبادت زور وزر ناله میکنند در صورتیکه بر حسب عقیده خوشان مانعی از آنها نیست .

عبادت بهترين طريق جلوگیری از ظلم وستم است شخصی همیشه خود رارو بروی قدرت ورحمت الهی میبیند و بواسطه تکرار عبادت هیچ وقت خود ستائی وخود پسندی پیدا میکند ومیداند اگر ظلمی بکند بدترین مجازات گرفتار خواهدشد واز ظلم خودداری میکند واگر عدالت وکار خوب بکند بهترین خوبی را خواهد دید پس بر نیکو کاری ومهربانی وشفقت نسبت بدیگران مواظبت خواهد کرد وبهترین انواع عبادت سجده است که انسان سررا بزمین میگذارد وپیشانی را بخاك میمالد وذلت وخواری وضعف خودرا عملاً مشاهده میکند در اینصورت هرگز برزیردستان تعدی نمیکند نسبت بهرکس مهربان وبا محبت ونیکوکار میشود .

علاوه بر این فوائد عبادت امر واقعی وحقیقت انکار نشدنی است باید اجراء کرد دو رکن عبادت اینها است (اول) عظمت معبود (دوم) حقارت وعبودیت عبادت کننده است چگونه انسان باعمل وخرد ازامر واقعی وحقیقت نفس الامری صرف نظر میکند . لکن مسخره کنندگان عبادت انسان نیستند که از خلاف انسانیت بیم وهراسی داشته باشند .

« حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه »

(وثالثاً) این خادمان جهل وظلمت بقدری بیسواد وبیشعور وفاقد تمیزات علمی هستند که فرق مابین نفی واثبات وسلب وایجاب نمیدهند و تمیز ندارند مابین دلیل مثبت ونافی دعوی .

وعلومی که آورده منحصراً از جانب خدا بوده واین معجزه همچنانکه دلیل نبوت است دلیل توحید میباشد وباین طریق می فهمید چگونه دین اسلام بر ادیان غالب خواهد شد وظلمات جهل ماتریالیستها را محو ونابود خواهد کرد از مبارزه با اینها ترس وهراس نداشته باشید حق وعلم باشما است . وحق مغلوب نخواهدشد وخدا وعده داده‌است که دین اسلام بر تمام ادیان‌وآراء واهواء وخرافات وجهالتها والحاد ووافسون ونیرنگها غلبه خواهد کرد ولو کره الکافرون .

(سجده وعبادت)

(وثانیاً) این بیخردان تناقض‌گو بعد از مسخره بهشتی که از آن محروم اندودوزخی که با آن معذب خواهندشد عبادت وسجده را مسخره کردند در صورتیکه مدعی جلو گیری از ظلم میباشند اگر میخواهند حقیقة از ظلم وستم جلوگیری کنند بچه نحو میخواهند رفع آنرا نمایند وحال آنکه بمقتضای ادعاء خودشان ظالم نباید از ظلم‌خودداری بکند زیرا که مانعی از ظلم او نیست نه‌خدائی‌دارد که از او بترسد ونه‌روز جزائی‌هست که از بیم مجـــازات خود داری از ظلم بکندونه عبادتی هست که خضوع و خشوع ظالم وعجز وناتوانی او هویدا گردد از دست آخوند ناله میکنند برای اینکه بر قطر گردنت خود میافزاید وشکم خودرا سیر میکند وهرشب نازنینی را در آغوش میگیرد . چرا نـکنـد اگر ترس از خـدا وروزجزا وخضوع عبادت نداشته باشد . برای چه کف نفس از مشتهیات وتعیش این دوروز دنیا نـکند اگر ترس خدا وعقوبات روز جزا نداشته باشد . این بی صفتان بواسطه انـکار خدا وروز جزا وترك عبادت مردم

بامردان در تجارت واداره شرکت میکنند زنان بمردان ومردان بزنان تشبه خواهند کرد زنا شیوع پیدا میکند بسیاری از زنا متولد میشوند اولاد زنا انکار خدا ودین خواهند کرد خمر منتشر ومردم علناً در بازار ها خمررا میمر وشند واحدی به آنان انکار نمیکند وشهرها بیکد یگر نزدیك میشوند خونریزی بسیار واقع میشود تایك ثلث اهل عالم کشته شوند بنه عشر مردم آسیب جنك میرسد ومعامله باپول نمیشود وبجای پول صلوات خواهدشد وظلم وستم تمـام اهل عالمرا میگیرد وزبردستان بزیردستان رحم نخواهند کرد وشفقت ومهربانی از دل مردم سلب خواهد شد . قبل از جنکها ستاره ای دنباله دار ظاهر میشود وآن علامت وقوع جنکها وخونریزی وگرفتاری اهل زمین است وبعـد از این حوادث حضرت صاحب الامر ظاهر میشود واصحاب وی با طی الارض باومیر سند ودنیارا پراز عدل وداد میکنند بعد از انکه از ظلم وستم پرشده باشد .

وآفتاب از باختر سر میزند ملخص مضامین اخبار متواتره این است وما تمام حوادث قبل از ظهور را مشاهده کردیم پس ظهور حوادث بعد از آن محقق است زیرا ممکن نیست که اخبار در حوادث قبل از ظهور راست باشد ودر حوادث بعد از ظهور دروغ چونکه اخبار ازیك منبع وارد شده است وآن وحی الهی است اگر غیر اهل این زمان منکر ظهور مهدی شوند تا اندازه ای عذری داشتند چون که مشاهده صدق آن اخبار را نکردند وحوادث اخر الزمان راندیدند اما اهل این زمان آنچه را که درآن اخبار ذکر شده برأی العین دیدندچه عذری دارند که انکار مدلول آن را در ما بقی که ظهور حضرت صاحب الامر باشد

در مسئله حضرت صاحب الامر علیه السلام (انتقم الله به منهم) تناقض عجیبی ارتکاب نمودند برای تکذیب وجود انحضرت دلیل غیر از کله (دروغ شاخدار) نداشتند وبعد از این کله ادله وجود حضرتش را ذکر نمودند وحاصل آنها این است که دنیا پراز ظلم وجور وستم میشود وبعد از آن حضرتش ظهور خواهد کرد ودنیا را پر از عدل وداد میکندو اصحاب وی ناملی الارض باو میرسند وپول لغو میشود ومعاملات باصلوات میشود .

ملخص گفتار این بیخردان نگمان ایکه رد وجود حضرت صاحب الامر نمایند این است وحال آنکه این سخن اثبات وجود حضرت صاحب الامر را بطور قطع ویقین مینماید چون در اخبار متواتره از حضرت رسول الله (ص) واهل بیت اووارد شده است که درآخرا لزمان حوادثی روی میدهد وبعد از آن حوادث حضرت صاحب الامر ظاهر میشود وما برأی العین این حوادث را مشاهده نمودیم وصدق این اخبار که قبل از هزار سیصدسال بما گفته اندثابت شد پس وجود صاحب الامر وظهور او ثابت ومحقق است زیرا ممکن نیست که یك خبر دریك امری راست ودر امر دیگری دروغ باشد وآن اخبار مشتمل بردوامر است یکی حوادث اخر الزمان ودیگری ظهور آن حضرت وحوادث آخر الزمان راکه مشاهده نمودیم بنابر این ظهور صاحب الامر را مشاهده کردیم با ینطریق . اخبار متواتره بما گفته است که در اخرا لزمان قرآن متروك میشود ومردم عمل بهوا وهوس میکنند نماز را ترك میکنند امر بمعروف ونهی از منکر ترك ومعروف منکر ومنکر را معروف خواهند دید زکوة را نمیدهند ربا بین آنها شایع میشود زنان

وما بعض از صفات دجال را که در اخبـــار وارد است ذکر میکنیم تا معلوم شود که مراد از دجال کونیستها است .

اول مراد از دجال اخفاء کننده حق‌است وملاحظه کردید کونیستها چوگونه حق را مخفی میکنند وباطل را بصورت حق جلوه میدهند واز توجیه هر تهمتی برای اخفاء نور اسلام خود داری نمیکنند (ویابی الله إلا ان یتم نوره ولو کره الکافرون) .

(دوم) در اوصاف دجال وارد شده است که ادعاء خدائی میکند وهرکس را که عبـــادت خدا میکند میکشد . وکونیستها در تمام بلاد روسیه همین کار را کردند وعلماء وصلحاً وملیونها از عبادت کنند گان خدا را بیرحمانه در قفقاز وترکستان ولرگستان وترکمستان وغیره با کمال قسوت کشتند بدون هیچ جرمی مگر آنکه عبادت خدا را میکردند ودر این کتاب ملاحظه میفرمائید چگونه حکم باعدام جمیع دین داران داده وبر علیه عقیده بخدا وادیان چه‌یاوه سرائی ها کرده است . وبجـــای خدا رؤسای کونیست قرار دادند(سوم) در اوصاف دجال چنان واردشده است که اکثر اتباع وی زنان واولاد زنا ومخنثین خواهند بود وآنهـــا همه از عبادت خدا بیزار اند ودر احوال افراد کونیستها که دقت میکنیم باینجا میرسیم که زنانشان بیشتر از مردان ومردان ایشان بی پدر ومخنثین هستند .

البته منکر خدا وادیان ومعاد باکی ندارد از این که بی پدر باشد یا اینکه فاعل هرچیزی یا مفعول هرکسی واقع بشود این وقاحت وبیشرمی که از این بی صفتان مشاهده میشود دلیل مخنث بودن آنهـــا است .

حضرت مولای متقیان میفرماید (من لانت اسافله صلبت اعالیه یعنی

بنمایند چگونه کسیکه طیاره را به بیند انکار سیر باطی الارض را بنماید چه طی الارض از سیاره وطیاره سریع تر است شاید سریع تر از این تا ظهور حضرت حجة اختراع بشود اسلام نه فقط پرده ازراز طبیعت برداشت وتوسع در آراء مادی نمود ودریای علوم را بروی بشر گشود بلکه بعباراتی که قابل تحمل افهام اهل عصر خود باشد از تمام مکتشفات ومخترعات اهل این عصر خبرداد مثل سیر باطی الارض که در اینجا ذکر شد ومثل الغاء پول ومعامله با صلوات که مشاهده مینمائیم پول در امروز لغو شده ومعامله باکاغذ میشود قطعاً در ظهور حضرت صاحب الامر (ع علامت اسکناس آنحضرت صلوات خواهد بود بعد از کلمه لا اله إلا الله یعنی بجای لفظ بانك ملی که در اسکناس ایران موجود است (لا اله إلا الله محمداً رسول الله اللهم صلی علی محمد وآل محمد خواهد بود) ودر این صورت معامله با آن معامله باصلوات است وازخر دجال خبرداد که قبل از ظهور حضرت صاحب الامر پیدا میشود ودر وصف آن وارد شده است گامی یکفرسخ طی میکند وصداهای مختلف از خود میدهد واحتیاج بخوراك ندارد وبارهای زیادی برمیدارد واوصاف دیگر برای آن شمرده که بعض آنها بر راه آهن وبعض آنها بر اتومبیل وبعض آنها بر طیاره وبعض آنها بر کشتی سریع وتحت البحری منطبق است از مجموع آن اخبار معلوم میشود که همه اینها خر دجالند وپیدایش اینها علامت پیدایش حضرت صاحب الامر علیه السلام هستند واما اوصاف خود دجال که در اخبار وارد شده است که قبل ظهور حضرت صاحب الامر پیدا خواهدشد تماماً بر کمونیست ها منطبق است کسی که اخبار را مراجعه بنماید واحوال کمونیستها را به بیند شك نمیکند که مراد از دجال همان کمونیستها است.

است که دجال یك چشم دارد حالا خودتان تحقیق کنند کدام یك از سران کونیست دارای یك چشم است وچشم دیگرش کور است .
اوصاف خر دجال رافهمیدید . مقصود این است که اوصاف دجال وخراو بر سران کونیست وکونیستها ووسائل نقلیه امروز منطبق است .
وخود این یکی از ادله ظهور مهدی موعود میباشد زیرا اخبار یکه اوصاف دجال را ذکر کرد گفت که بعد از ظهور او حضرت صاحب الامر ظاهر خواهدشد واورا خواهد کشت .

ودر کتاب مکاشفات یوحنا از عهد جدید چنین وارد شده است که حضرت مسیح (ع) خواهد آمد ودجال را خواهد کشت ودر اخبار ما ذکرشده است که مسیح بامهدی ظاهر خواهد شد وعمل هریك بدیگری نسبت داده میشود زیرا هردو برای یك مقصد کار خواهند کرد یعنی عبادت خدا وخلاصی مردم از ظلم دجال (دجال کونیستی) واجراء عدل وداد در روی زمین ورفع ظلم هر ظالم . وآثار وعلامات موافقت مهدی ومسیح علیهما السلام از وضع پیروان آن دوسرور ظاهر است چونکه مسلمانان که اتباع مهدی وتصدیق کننده مسیح می باشند ناچارند بامسیحیان که اتباع حضرت مسیح هستند در مقابل ملحدین وخنثین کونیستها یك صف تشکیل بدهند وخواهی نخواهی پس از اطلاع مسیحیان تصدیق صاحب الزمان را خواهند کرد ومسلمانان ومسیحیان یکی خواهند شدو در زیر یك پرچم که برسر مسیح ومهدی هردو برا فراشته میشود با خنثین کونیستی جنك خواهند کرد تا تمام کونیستها را محوو نابود کنند وروی زمین را از ننك ونجاست آنان پاك وپاکیزه کنند حالا اگر در اخبار واردشده است که حضرت صاحب

هر کس که نه او نرم شد بالای اوسخت میشود یعنی سخت رو میگردد این بیشرمها تهمت های گونا گون باسلام زدند و خجلت از آن ندارند وسخت رو کجا خجلت را میشناسد .

(چهارم) راجع به حالات دجال در اخبار چنان وارد شده‌است که در زمان قحطی وارد میشود ومردم را بعبادت خود وترك عبـــادت خدا دعوت میکند ووعده نجات از قحطی میدهد این احوال کاملا بر انقلاب اکتبر منطبق است که در زمان قحطی وبینانی روسیه در جنك بین المللی اول لنین دعوت بانقلاب کرده وقحط زدگان روسیه را فریب ووعـــده خلاصی از قحطی داد .

(پنجم) ونیز دراخبار وارشده‌است که دجال‌درزمان‌سختی پیدامیشود وبمردم خر منهائی ازنان وخوراك نشان میدهد وبا آنها دعوت میکند بشرط اینکه انکار خدا ودین را بنمایند عده ای فریب آنرا میخورند وانکار خدا را میکنند وهنگای که باومیر سند این خر منهائی که ظاهر آن نان وخوراك بوده خاکستری میبینند وپشیمان میشوندد رحا لیکه پشیانی آنهـــارا سودی نمی بخشد این احوال کاملا بر کونیستها وکار گران روسیه منطبق است وعده خوراك وپوشاك بانها میدهنـــد بشرط انکار خدا وعبادت شیطان (کونیستی) هنگامیکه اجابت دعوت آن شیطانها می‌نمایند درشکنجه وضیق وانواع‌سختی آنهارا میگذارند وکاملا سلب آزادی آنهارا میکنند وما تندخر باری بر میدارد ومشت جوی با آن میدهنـــد ونمیداند چه‌کار کرده وبرای کی بملوك کارفرما است بیچاره کارگربد بخت که باین بلا مبتلا شد در آخرت بعذاب خـــدا ودر دنیا بسختی وعبودیت کونیستها گرفتار است . (ششم) در اخبار واردشده

چلذگه کمش علی اکبر نخواهد گرفت این ایام نزدیك زیارت اربعین است مشاهدهٔ میفرمائید دسته های هزار ودوهزار نفری از تمام اطراف دنیا سوی کربلا برای زیارت حضرت سید الشهداء میروند شهر کاظمین دیگر خالی ندارد صدها هزار در کربلا جمع خواهند بود همه اینها که بزیارت خامس آل عبا موفق شدند وآنانیکه آرزوی زیارتش را دارند وتوانائی آن را ندارند آرزوی محو کمونیستهارا دارند پس عجب نیست اگر حضرت صاحب الأمر علیه السلام همه آنها را محو کند بالنگه کمش خون آلود علی اکبر برابری نمیکند ولکن چنین چیزی در اخبار نیست ومخشین در این کتاب باخبار مادروغ بستند.

(بالجمله) ادله قطعی علمی بر وجود وظهور حضرت صاحب الامر بسیار است ازجمله آنها احادیث آخر الزمان که مخشین بد آن اشاره نمودند واثبات وجود آنرا بدون آنکه شعور وفهم کنند کردند . خدا بزبان وقلم اینها حق را جاری کرد وادراك ننمودند چه نوشتند چونکه آنها فاقد شعور وادراك هستند سخن که باینجا رسید خوب است بچند مطلب که متعلق باین مسئله است اشاره کنیم .

(اول) عقیده بوجود وظهور مهدی از لوازم لا ینفك عقیـــده بتوحید الهی است چونکه ما بخدای مهربان عطوف رحیم معتقد هستیم چنانچه‌در فصل‌توحید خواهد آمد ورأفت ومهربانی اومانع‌است‌از اینکه بنده‌گان خودرا در ظلمات واوهام وجهالات وظلم وستم ستمکران بگذارد بی اینکه برای انهاسر پرست ومعلم ورادع اوهام و خرافات ودافع ظالم وداعی بعدل تعیین‌فرماید واگر تعین کند وخلق قبول نکنند

الامر زیاد آدم میکشد مورد قبول است کونیستها زیاد هستند وقطعاً همه آنها را اگر توبه نکنند خواهد کشت وحق همین است باید کشته شوند زیرا آنها منکر وجود حیات هستند پس از حیات باید محروم بشوند وحق حیات ندارند ودر اخبار نیز وارد شده است که بیشتر اتباع واصحاب حضرت صاحب الزمان از مسیحیان خواهد بود ووضع عالم امروز آنرا نشان میدهد فقط براین موقوف است که مسیحیان از عقاید مسلمانان باخبر باشند.

واتحاد مسیحیان ومسلمانان ضروری وحتمی الوقوع است ونابود کردن مخنثین وملحدین منکرخدا برآن متوقف است ومعلا در این مقصد هر دوملت متحد الرأی ومشترك المنفعه هستند باینکه بر هردین داری دارای هر مذهبی باشد حتم وفرض است که در استیصال ومحوو نابود کردن ملحدین ومخنثین کونیست شرکت کند.

اما مسئله بر داشتن لنگه کفش حضرت علی اکبر (ع) نه چنین که مئولفین کتاب نقل کردند خبری در این خصوص نیست ومخنثین ومؤلفین کتاب دروغ بستند چنین چیزی در اخبار ما وجود ندارد اگرچه حقیقت امر همین است زیرا که اگر حضرت صاحب الامر تمام کونیستها را بکشد انتقام لنگه کفش حضرت علی اکبر را نمیگیرد زیرا که مقصد کونیستها این است که اثار علی اکبر واثار پدر علی اکبر حضرت سید الشهداء واز اینها مهمتر اثار جد اطهرش حضرت رسول واز همه مهمتر دین اسلام را محو کنند چنانچه این کتاب تصریح مینماید پس اگر همه اینها را بکشد انتقام لنگه کفش یك مسلمان چه برسد

(سوم) کسانیکه نمیخواهنــد علم پیش برود وجلو گیری از سیر تکامل علمی مینمایند منکر طول زمان حیات صاحب الامر ومسیح والیاس وغیرهم میشوند ولکن کسانیکه تقدم وسیر تکامل علمی راپیشه خود قرارداده اند این انکار را مسخره میکنند ومعتقد هستند که بوسائل فنی وطبی ممکن است که عمر انسان را زیاد کرد وهمیشه جوان باقی بماند ودر این راه سعی دارند که پیران جوان بر گردند وحیات را ادامه دهند علی هذا طالبان ترقی علمی از اینکه خدا خواسته است که عمــر بعض افراد طولانی بشود استغراب ندارند واین امررا موافق اصول فنی وعلمی میدانند وممکن است برای بشرهم میسر شود. استغراب واستبعاد طول عمر افراد بشر برای جاهلان ودشمنان ترقی علم وخادمان ظلمات واهل جهالت باقی بماند.

(چهارم) مخنثین در این کتاب بعقیده وجود مهدی تهمتی متوجه گردند و گفتند این عقیده مانع کار وباعث تحمل ظلم میشود وصاحبان این عقیده میگویند باید تحمل ظلم بکنیم تا مهدی بیاید ورفع ظلم بکند این تهمت دروغ صرف وبهتان محض است خداوند متعال این عقیده را رد کرده وبعکس آن فرمان داده در سوره مائده از بنی اسرائیل خطاب بموسی حکایت کرده که گفته اند.

(اذهب انت وربك فقاتلا انا ههنــا قاعدون) ترجمه برو خودت وخدای خودت بجنگید ما اینجا نشسته ایم واز موسی حکایت کرده که نزد خدا از قوم خود براین گفتار شکایت کرده گفت (رب انی لا املك الا نفسی واخی فافرق بیننا وبین القوم الفاسقین) ترجمه پروردگارا من مالك چیزی نیستم مگر خودم وبرادرمرا پس تو جدائی بیفکن از ما بین ماو

حتماً آن سرور را حفظ میکند تا اینکه خلق بمنتهای درجه ظلم و گرفتاری وجهالت واوهام برسند ومنکر خدا وادیان بشوند یعنی بدرجه کمونیستی برسند انوقت خدای مهربان آن سرور را ظاهر میسازد وظلم وستم وخرافات واوهام وجهالت وانکار خدا را زروی زمین بر دارد یعنی کمونیستی وکمونیستهارا محو کند .

(دوم) تمام اهل ادیان منتظر ظهور چنین کسی هستند وخبر پر شدن زمین از ظلم وستم وجهالت واوهام وشرك والحاد وآمدن کسی که تمام انها را رفع وبجای آنها عدل وداد وعلم وشفقت ومهربانی وخدا شناسی بگذارد دربین انها موجود است نهایت در اسم آن سرور اختلاف دارند برهمایان براو اسمی گذاشته وبودائیان اسم دیگری نهادند وزردشتیان اسم آنرا بهرام ویهودیان اسم اورا الیاهو یا الیاس ومسیحیان اسم اورا مسیح گذاشتند ومسلمانان تمام آن ادیان را تصدیق کردند چونکه بنا بر عقیده اسلامی حضرت صاحب الامر که ظاهر میشود همه روءسا وسروران ادیان سابقه از قبیل مسیح والیاس وغیرها باو خواهند بود واتفاق ادیان براین امر دلیل قطعی وقوع آن است زیرا که ممکن نیست تمام ادیان براین عقیده تبانی کرده باشند وچنین خبر متواتر قابل تکذیب نیست واین امر دلیل است براینکه تمام ارباب ادیان متفق خواهندشد وکمونیستی وکمونیستها وخادمان ظلمت وخرافات مارکسیستی را محوو نابود خواهند کرد وهمه اولاد زنا ومخنثین را خواهند کشت وخدا باین وعده داده که دین اسلام برهمه ادیان واوهام غالب خواهدشد لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون هیچ ترس وهراسی از این مخنثین نداریم . وغلبه ما بر آنها حتمی است وشك وتردیدی در آن نیست .

الله عملکم ورسوله والمؤمنین وستردون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون) ترجمه بگوای محمد کار کنید خدا ورسول خدا ومؤمنون کار شمارا خواهند دید سپس بسوی عالم الغیب والشهادة (خـــدا) بر میگردید وشمارا بانچه کردید خبر خواهد داد ودر اخبار وارد است که مراد از مؤمنین در این آیه سران امت محمد هستند که ائمه اطهـــار میباشند وصاحب الزمان از جمله آنها است بنا براین اتباع صاحب الزمان درکار های شرعی که از جمله آنها دفع ظلم میباشدباید حدیث هرچه تمام تر نمایند که خوشنودی صاحب الامر را فراهم سازند از این جهت میبینید که ملت ایران در برابر زور والحاد کمونیستها شدیداً ایستادگی میکنند وآرام نخواهند گرفت تا اینکه کمونیستها را بخاك هلاك برسانند باین سبب علماء قفقاز وترکستان وسایر مسلمانان بلاد روسیه برای دفع شر کمونیستها سخت ایستادگی کردند تا اینکه جانشان را در این راه‌فدا کردندو کمونیستها همه انهارا کشتند از قبیل شیخ عبد الغنی مجتهد بزرك بادکوبه ومرحوم حاج سید علی بخارائی بزرك علماء اسلام در بخارا وسمرقنـــد و ترکستان روسیه وامثال آنهـــا از بزرگان مجتهدین که با کمونیستها کارزار وجهـــاد نمودند وکمونیستها بعد از تسلط بر قفقاز وترکستان آنهارا بقتل رسانیدند آن علماء اعلام همه در انتظار صاحب الزمان بودند واگر انتظار مانع کار ودفع ظلم ستمکاران میشود در مقابل کمونیستها این همه فدا کاری نمیکردند تا بقتل برسند . پیغمبر بزرگتر از صاحب الزمان است ومسلمانهای زمان پیغمبر هیچ کاریرا بآن حضرت موکول نکردند وبجهاد وکوشش وفداکاری پرچم اسلام را در غالب نقاط برافراشتنـــد وخود همین بیخردان یعنی مؤلفین این کتاب

گروه فاسقان یعنی . قوم خودش که برای این گفتار فاسق شدند وخدا در جواب موسی فرمود (قال فانها محرمة علیهم اربعین سنة یتیهون فی الارض فلا تاس علی القوم الفاسقین) ترجمه خدا گفت پس ان قریه یعنی بیت المقدس حرام شده برآنان چهل سال سر گردان میمانند در زمین پس غم وغصه برای گروه فاسقان مخور سر گردانی و گمراهی مدت چهل سال کیفر عمل خودشان میباشد چون تنبلی کردند وکارزار ننمودند وفتح بیت المقدس را بعهده موسی وبرادرش گذاشتند وکسی که بکیفر عملش برسد غصه ندارد . بنی اسرائیل مستحق ملامت وعذاب ونام فاسقان برای این شدند که تکیه بموسی وبرادرش نمودندوکارزار نکردند .

با انکه موسی میان اینها بود پس چگونه جایز باشد که مسلمانها برای رفع ظلم ستمکاران کوشش وکارزار نکنند وامررا بحضرت صاحب الامر موکول سازند در حالتیکه صاحب الزمان از نظر اینها پنهان است .

البته اگر کسی چنان کاری کرد بحکم قرآن فاسق ومستحق عقوبت است زیرا که در شریعت اسلام همچنانکه ظلم حرام است تحمل ظلم وکوشش نکردن برای رفع آن نیز حرام است وکارزار برای رفع ظلم واجب است وجایز نیست که احکام شرعیه بانتظار صاحب الزمان معطل وموقوف الاجراء بماند . بالعکس عقیده نسبت بصاحب الامر موجب نشاط وجدیت و سرعت در اقدام میشود زیرا مؤمنین بحضرت صاحب الامر معتقد هستند که همچنانیکه خداوند متعال ناظر اعمال بندگان است اعمال بشر بامر خدا باطلاع پیغمبر وصاحب الزمان میرسد وآیه قرآن باین عقیده ناطق است در سوره توبه میفرماید (وقل اعملوا فسیر

وبشدیدترین ارتجاع دعوت میکنند ومدعی تجدد وتقدم علمی میشوند
ودین داران را بارتجاع متهم میسازند وجلو سیر تکامل علمی را میگیرند
ودین داران را باین جنایت متهم میسازند ونهایت جهل وبیسوادی را
دارند واین ننگ را باخوندها نسبت میدهند بدین داران بهتان میزنند
ومیگویند هنر وصنعت در نزد آنها شرك وكفر است در صورتیکه از
جمله احکام مسلم شرعی این است که تحصیل هرهنر وصنعت بر عموم مسلمان
بنحو کفایت واجب است واگر بین مسلمانان بقدرکافی علم وهنر وصنعت
نباشد تمام مسلمانان معاقب هستند واستثناء نمیکنند هیچ هنر وصنعتی از
حلاقی وبقالی تا تجارت وعلوم اقتصادی وطبابت برسد تا باستخدام رادار
واتم منتهی بشود واین حکم شامل صنایعی که استعمال آن شرعاً محرم باشد
نیز میباشد مانند سحر وجادو وآلات آتشی برای جنك نهایت صنایع اخیر
فقط برای دفاع باید استعمال بشود وبالجمله شرعاً واجب است که هر صنعت
خوب باید بقدر کافی نزد مسلمانان باشد واگریکی از صنایع نزد مسلمانان
بقدرکافی نباشد همه مسئول خدا ونزد او معاقب خواهند بود با این حکم
شرعی خادمان ظلمت (کمونیستی) دین اسلام را متهم میکنند باینکه هنر
وصنعت را تحریم مینماید واز انواع تهمت‌ها خودداری نکردند حتی اینکه
کتاب نفیس بحار مرحوم مجلسی را بازشت ترین اوصاف وصف نمودند .
کتاب بحار مرحوم مجلسی از بهترین کتابهای دنیا است واولین دائرة
المعارف بود که در عالم از ایران قبل از چهار صدسال ظاهرشد وبرتمام علوم
خوب وبدوزشت وزیبا دروغ وراست مشتمل است زیرا مؤلف آن
در نظر داشته است که هرچه در عالم وجود دارد در آن کتاب ثبت
ودائرة المعارف جامعی در بیست هفت مجلد بنویسد وراست را از دروغ

منحوس در همین کتاب بعد از چند صفحه بقرآن اعتراض کردند که چرا فرمان جهاد راداد وچرا مسلمانها جنگ کردند ودر این جا میگویند انتظار صاحب الزمان باعث تنبلی وتحمل ظلم است بیشرمها از تناقض گوئی خجالت ندارند .

(پنجم) از اخبار پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم واز احادیث اهل بیت معصومین نقل کردیم که در آخر الزمان مخنثین وولد الزنا زیاد میشوند وبر علیه دین قیام مینمایند وانکار خدا را میکنند وصاحب الزمان آن هارا بقتل میرساند . غرض ما از این جملات دشنام دادن وناسزا گفتن نیست بلکه آنچه را که در اخبار وارد است ذکر کردیم برای استدلال بوجود صاحب الامر است کسی بما اعتراض نکند که ما نسبت بکمونیستها الفاظ رکیك وبد استعمال نمودیم گرچه کمونیستها که منکر خدا وپیغمبر وشرایع وادیان هستند باکی ندارند از اینکه ولد الزنا ومخنث باشند .

(ششم) در اخبار وارد شده است که روز ظهور مهدی آفتاب از باختر طلوع میکند شاید مراد از آفتاب افتاب اسلام است که اهل مشرق یعنی کمونیستها در صدد اخفاء آن هستند واهل مغرب در مقابل کمونیستها کوشش خواهند کرد که آفتاب اسلام ظاهر بشود واگرخدا بخواهد که آفتاب از مغرب طلوع کند چه اشکالی دارد زیرا این امر بتغییر حرکت وضعی زمین حاصل میشود وحرکت وضعی زمین دست خداست .

از جمله های فوق معلوم شد که مخنثین کمونیستها چه قدر بیسواد وبیعلم هستند تنها حربه ای که در دست دارند سب وفحش وتهمت وبهتان است .

دین اسلام دائمی است وزوال ندارد

(۵) پیغمبر اسلام خاتم الانبیاء است . بعد از او پیغمبری نخواهد آمد ودین اسلام آخر ادیان است وبعد از او دینی نیست بانقطاع وحی از پیغبر اسلام از کلیه روی زمین وحی منقطع شد ودر قرآن کریم باین تصریح شده در علت جهاد فرمود (وقاتلوهم حتی لا تکون فتنه ویکون الدین کله لله) سوره انفال (ترجمه) با ایشـا بجنگید تا اینکه فتنه یعنی کفر باقی نماند وهمه دین برای خدا بشود . ومثل آن در سوره بقره است وباین مضمون آیات کثیره وارد است ودر حدیث شریف آمده که حلال محمد حلال الی یوم القیمة وحرامه حرام الی یوم القیمة یعنی حلال محمد باقی خواهد ماند تا روز قیامت وحرامیکه محمد حرام کرده حرام خواهد ماند تا روز قیامت و هرچیز غیر از تعالیم اسلام از طرف هرکس باشد زوال یابنده ومضمحل شدنی است .

ما معتقدیم که تمام حوادث کون روی نوامیس طبیعت ونظام معین وقوانین خاص الهی جاری میشود چنانچه خدا فرموده در سوره فتح (سنة الله التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبدیلا) ترجمه رفتاریکه خدا در سابق دارد ورفتار خدا تغییر نشدنی است وباین مضمون آیات کثیره بر این معنی دلالت دارد وسنت الهی وقضاء سبحانی چنین جاری شد که همیشه اوضاع خلقت در یك حال باقی نماند واز حالی بحالی متغیر میشود و بر حسب تغییر احوال پیغمبران مختلف میآینـد که بمقتضای

وزیبارا از زشت تمیز دهد این کتاب موجب افتخار عموم مسلمانان خاصه ایرانیان است ونشان سبقت ایرانیان در علوم خصوصاً در فلسفه وطبیعیات وعلم ملك وعلم اجتماع وتربیب وتاریخ وغیرهـــا میباشد . ولـکن این بیصفتان میخواهد این افتخار را از دست ایرانیان بگیرند وچنین کتابی را که مفخره ایران واسلام است مسخره میکنند . همیشه اینطور بوده که جاهل دشمن علم وعالم است واما کتاب اسفار آخوند ملا صدرا با اینکه جزو کتب علمی میشماریم وغالب مسلمانهای دین دار از نـگهداشتن وخواندن آن احترار دارند قطعاً مؤلفین کتاب یکصفحه بلکه یك سطر آنرا نمی فهمند ومعذالك از روی جهل ونادانی بآن استهزاء وسخریه مینمایند خلاصـــه سران کو نیستی بمنتهای جهـــل هستند علم ندارند سهل است باعلم دشمنی میکنند ودین اسلام را که هادی ورهبر علم میباشد وهمیشه جلو علم سیر میکنـــد تهمت منافات آن با علم متهم میسازند .

دارد وخدا هر دورا در دین اسلام طوری ترتیب داده که باحتیاج وتطور علمی وعملی تا روز قیامت موافقت دارد . بنا براین حاجت بتغییر وتبدیل نخواهـــد بود . اما ترتیب علمی در اسلام پس باید دانست که اسلام همیشه جلوعلم ودانش سیر وآنرا رهبری میکند اسلام رهنمای علم ودانش است محو کننده ظلمات وجهل وخرافات است (یخرجهم من الظلمات الی النور) سوره بقره ترجمه مؤمنین را از ظلمات وتاریکی خارج ونور وروشنائی میرساند مراد این است کـه خدا بواسطه دین اسلام گروندگان آنرا از ظلمات جهل وخرافات واوهام خارج میکند و بنور علم ودانش وحق وحقیقت آنهارا منور میسازد هیچ علمی ممکن نیست باسلام برسد ولو اینکه هر روز از پدیده هـای طبیعت هزاران راز کشف کند تا روز قیامت . شعار مسلمین که بطور وجوب واستحباب در نماز واذان واقامه وتعقیب وغیرها صبح وظهر وعصر ومغرب وعشاء باید تذکر کنند کلمه (الله اکبر است) معنی این کلمه خدا بزرگتراست یعنی از هرچه که دیده میشود وبفکر هر مخلوق خطور کند تلسکوب کالیفرنیا امسال ستاره ای رانشان داد که نور آن در مدت هزار ملیون سال بما میرسد در صورتیکه نور در هرثانیه ده هزار میل طی میکند این اکتشاف باعث دهشت وحیرت وسر گردانی ماتر یالیستها شده است وبسیاری از تئوریهـــای ماتر یالیستی که قطعی می پنداشتند سرنـگون شد باین بواسطه علم تبدیل طریق سابق خود را نمود وراه دیگری را اتخاذ کرد . ولی در اسلام هیچ تغییری حاصل نشد وجلو این اکتشاف بانک درداد (الله اکبر) یعنی خدا بزرگتر است از آنچه اکتشاف شد بلـکه تصریح کرد که قطعه فضا بر ملیارد ها شموس وسیارات وعوالم مشتمل است نسبت

احتیاجات تازه واوضاع نوین مردم را تربیت میکنند واحکام مناسب جنبه خودشان را میاورند . از اینجهت پیغمبران متعدد شدند در طول زمان این تغییر وتعدد پیغمبران که بملاحظه تبدل اوضاع بشر واختلاف کیفیت اجتماع بر طبق روش طبیعت خدا دادی وقضا وقدر جاری است باید دائم باشد مگر اینکه شریعتی بیاید که از حیث علم ودانش ورعایت مصالح اجتماع وافراد بشر موافق تمام ازمنه وجمیع تطورات مختلف بشر چه علمی وعقلی و چه عملی واجتماعی باشد بیاید .

چنین شریعت کامل ترین تمام شرایع وناسخ شرایع ماقبل خواهد بود وبا بودن این شریعت حاجت بشریعت دیگری وبعد از پیغمبر این شریعت احتیاج به پیغمبر دیگری نیست . این شریعت شریعت اسلام است وپیغمبر آن محمد ابن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم است چون باتمـــام تطورات علمی وعقلی بشر تا روز قیامت موافق است اکمل شرایع شد وپیغمبر آن سرور وسید جمیع پیغمبران گشت :

ما مانند مارکسیستهای احمق ولنینیستهای بی شعور بدون دلیل ادعاء نمیکنیم واحکام ما بر محکمترین اصول علمی منطقی واشکار ترین ادله عقلی مبتنی است . اگر بخواهیم تمام ادله برتری شریعت اسلام بر تمام اهواء وآراء وادیان وموافقت آن با جمیع تطورات علمی وعقلی بشر بیاوریم مثنوی هفتاد من کاغذ شود .

ومجلدات زیادی باید نوشته گردد . در این کتاب کوچك نا گذیریم که مختصری از احوال وکلیات دین اسلام را ذکر کنیم واز این مختصر معلوم میشود که بقا ودوام وزائل نشدن دین اسلام بر ناموس طبیعت امر حتمی وسنن کون جاری است . زیرا که بشر بعلم وعمل احتیاج

که بر کتاب «دیوداں لا ناتور[1]» خدا در طبیعت نوشتم رجوع کنید تا بدانید اصول لا یتغیر مادی وافکار قابل توسعه ان وتمام علوم همه در قرآن و احادیث اسلام است واگر بخواهید به بینید که قرآن کریم حتی از ترکیبات اتم خبر داده وحضرت امیر در خطبه معروف بخطبه ذعلب در اصول کافی که قبل از هزار سال تألیف شده است مرویست بعد از ذکر اصول شیمی ترکیبات اتم را استناد بقرآن کریم چگونه توضیح داده بجزء اول کتاب المعارف المحمدية[2] مراجعه کنید . روش اسلام

(۱) کتاب دیوداں لا ناتور از مؤلفات کامیل فلاماریون منجم شهیر فرانسوی که در سنة ۱۹۲۵ مرحوم شده میباشد بر اغلب علوم متداول امروز مشتمل وتمام اینها ادله توحید الهی قرار داده شده است حضرت حجة الاسلام والمسلمين آية الله العظمى آقای شیخ محمد خالصی ادام الله ظله ۲۵ سال قبل امر فرمودند کتاب مذکور بفارسی ترجمه شده وشرحی برآن نوشتند ومدلل کردند که تمام آن علوم در آیات قرآنی واحادیث شریفه در ضمن ادله توحید الهی مذکور هستند وشرح مذکور با اصل بزبان فارسی در تهران طبع ونشر گردید .

(۲) المعارف المحمدیه تألیف حضرت آیة الله آقای شیخ محمد خالصی متع الله المسلمین بطول بقائه بزبان عربی قبل از سی سال در مصر طبع شد و ۳ سال قبل از طرف آقای حیدر علی قلمداران یکی از دانشمندان قم بفارسي ترجمه ودر قم طبع ونشر گردید کتاب مذکور بر تمام عقاید مشتمل وبطلان همه آنها باستثناء توحید اسلامی که از طریق أهل بیت عصمت وارد شده بادله علمیه قطعیه اثبات گردید .

بتمام فضا ذره محسوب نمیشود . وتمام فضا ومشتملات آن نسبت بمخلوقات دیگر الهی نیز از ذره نسبت بتمام فضا کوچکتر است . وقرآن کریم بآن تصریح نمود در آواخر سوره کهف فرمود (قل لو کان البحر مداداً لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربي ولو جئنا بمثله مدداً) ترجمه بگوای محمد اگر دریا مداد شود برای نوشتن مخلوقات خدا هرآینه دریا تمام میشود ومخلوقات خدا تمام نخواهد شد ولو اینکه بقدر دریا دریای دیگری اضافه شود . ونیز در سوره لقمان میفرماید (ولو ان مافی الارض من شجرة اقلام والبحر یمده من بعده سبعة ابحر مانفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم) ترجمه هرآینه اگر تمام درختهای روی زمین قلم گردند ودریا مرکب شود ومانند دریا هفت دریای دیگر مداد شود برای نوشتن مخلوقات الهی کافی نیستند بدرستیکه عزت حقیقی وحکمت کامل منحصر باو است . مؤمن بدین اسلام این آیات رامی خواند وفضا ومشتملات آن را یکی از مخلوقات الهی میداند واگر دریاها مداد باشند عدد مخلوقات الهی که یکی از آنها فضا ومشتملات آن میباشد نمیتوانند احصا کنند واگر تلسکوب کالیفرنیا ملیاردها بیشتر از مکتشفات خود رانشان بدهد هیچ تعجب نخواهد کرد ومانند پیروان مادی حیران وسرگردان نمیشود واگر روزی ملیاردهابیش از آنچه تلسکوب کالیفرنیا نشان داد تلسکوب های دیگر نشان بدهند در شگفت نخواهد شد وهمیشه جلوآن مکتشفات در بلند ترین جاها ومناره هافریاد میدهد (الله اکبر) وهرچه کشف میکند طالب بیشتر از آن خواهد بود تا روز قیامت وهیچ تغییر وضع بعقیده خود نخواهد داد . این مثال برای علم اسلامی کافی است اگر بخواهید توسع کنید در علوم اسلامی بشر حق

برای بندگـان حلال هستند وکسی که آنهارا حرام کرده بر خدا دروغ وافتراء بست وقریب این مضمون نیز آیات دیگری است . آیه سوم در اواسط این سوره در وصف پیغمبر چنین فرمود (یحل لهم الطیبات ویحرم علیهم الخبائث ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم) ترجمه پیغمبر اسلام که در توریة وانجیل بشارت بآن آمده حلال میکند هر طیب وپاکیزه را وحرام میکند هر بد وزشت وخبیث را وهر سختی را از بشر بر طرف میکند وهرقید وزنجیر وبندی را که در امم سابق بود میکسلد وپاره میکند وباینمضمون نیز آیات بسیاری آمده است از این سه آیه شریفه ونظایر آنها اصول احکام وقوانین عملی اسلام معلوم میشود آنها بطریق اختصار عبـــارت اند از امور آتیه (اول) رفع هر سختی وحرجی هرچه باشد وهر جاکه باشد (دوم) استفاده از هر نعمتی وهر رزقی وهرشیء که حلال وطیب وپاکیزه باشـــد (سوم) مواضبت بر پاکیزگی وطهارت در ابدان ومأکل ومشارب ومساکن وملابس هرجاکه باشد (چهارم) تحریم هر خبیثی وبدی که ضرر بابدان افراد یا هیئت اجتماع برساند از قبیل خمر وخوك ومیته وخون ومدفوعات قذره وربا وظلم وتعدی واحتکار واستعمار واستثمار وتحمل ظلم وستم وزور گفتن وظلم شدن وغیر ذلك هرچه باشد (پنجم) گسستن قیود خرافات واوهام چه در افـکار چه در اعمال وپاره کردن بندهای دیکری وعمل هرچه باشد . اینها اصول احکام وقوانین عملی دین اسلام است وهر حکمی که در جزئیات وارد شده باین اصول پنجگانه ناظر است مثلاً احکام طهارت ووضوء وغسل واستحمام وامثال اینها برای پاکیزه گی ظاهری بدن آمده وحکم صلوات برای تطهیر قلب ودماغ وریاضت نفس . وحـکم صوم برای

وقرآن نسبت بعلوم این است ولکن بیخردان برای عدم اطلاع یا عناد ولجاج یا بعلت مخنث بودن ورنا راده گی میگویند کتابیکه هزار وسیصد سال پیش نوشته شده آیات آن برای این زمان مفید نیست وحال آنکه اگر علماء علوم مادی وغیره باصول مسلمه که در قرآن کریم وجود دارند وقابل تغییر نیستند وبفروع آن علوم که قابل تغییر وتوسعه هستند وقرآن بدان اشاره کرده رجوع کنند طریق تحصیل علوم وراه اکتشاف رازهای طبیعت برای اینها خیلی سهل وآسان وکوتاهتر از آنچه هست میشود ودر خلاف محسوس وظلمات جهل وخرافات وانکار محسوسات از قبیل حیاة وقصد وتدبیر ونظم موجودات کون واقع نمیگردند وحیران وسرگردان وگمراه نمیشدند مانند مستی که این دیوار وآن دیوار سراورا خورد کند ودر لجن ظلمات اوهام وجهالت افت وخیز میکند نمیشدند .

واما ترتیب عملی در اسلام پس لازم است که اولا بذکر ۳ آیة از قرآن کریم تبرك جوئیم وبعد بذکر ترتیب عمل در اسلام بپردازیم آیه اول در سوره مائده میفرماید (ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون) ترجمه خدا نمیخواهد سختی بر شما بگذارد بلکه میخواهد که شمارا پاکیزه کند ونعمت خودرا بر شما تمام کند شاید شکر گذار باشید قریب باین مضمون آیات بسیاری وارد شده است .

آیه دوم در اوائل سوره اعراف (قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق) ترجمه بگوای محمد کدام کس حرام کرد زینت وزیور خدا که خدا آنرا برای بندگان خود ایجاد کرده وارزاق پاکیزه را . یعنی تمام زینت وزیور وخوشی طعام وشراب ولباس ومساکن همه

بیشتری از جزئیات احکام باشد وبخواهد به بیند احکام اسلامیه بچه نحو باتطورات بشری وجلو آنها سیر میکند وبخواهد بداند چگونه مصالح احکام شرعیه تا روز قیامت باقی خواهد ماند بکتاب احیاء الشریعة فی مذهب الشیعة که بتازه‌گی تألیف نمودم وتحت طبع است وترجمه آن نیز بفارسی قریباً طبع ونشر خواهد شد انشاء الله تعالی رجوع کند در کتاب مذکور هر حکم شرعی را که ذکر کردم حکمت وسر ومصلحت آنرا بر طبق علوم این عصر شرح نموده ام ومدلل ساختم که صاحب شریعت اسلام تمام مکتشفات عصر حاضررا میدانست (از طریق وحی الهی) وبر طبق علوم مثبته ومکتشفات عصر حاضر اسرار احکام شرعیه رابیان نموده است وهرچه علم پیش میرود عظمت اسلام بیشتر جلوه میکند واسرارا شریعت اسلامی آشکار ترمیگردد وجهـــل وبیعلمی و بیسوادی منکران آن وپیروان خرافات مارکسیستی واضح تر میشود ورسواتر میشوند حالا بجهل وگمراهی آنان که در این مقدمه مایه رسوائی آنهاشد مختصراً اشاره کنیم .

مدعی شدند که اصول مذهبی منحط وفرسوده است وهر قدر که علوم مادی ترقی کند مذهب منحط میشود : ودانستید که علوم مادی هرچه ترقی میکنـــد وبهر جا که پیش میرود بگرد علوم اسلام نمیرسد . افتخار میکنند بر هبر شهید فقیـــد شان (دکتر آرانی) وما دکتر ارانی را بخوبي میشناسیم بچه بیسوادی وجهل محض ومحض جهل مرکب بود . دوسه تئوری مادی شنیده بود وگمان برد تمـــام علوم آسمان وزمین را فهمید پیش پای خودش را نمیدید و بر تمام مخلوقات الهی که سیر هزار ساله نور ذره از آن محسوب نمیشود تحکم میکرد وانکار وجود خدا در

تطهیر بدن از فضولات مختلفه در درون بدن وحکم زکوة برای پاکیزه گی مال ونظم هیئت اجتماعی واحکام مطاعم ومشارب ومساکن برای حفظ صحت تشریع شدند وهکذا تمام احکام اسلامی ناظر باصول مذکوره است وهرجاکه ضرر وجود دارد حکم جزئی مرتفع میگردد وهم چنـــین در موارد حرج چونکه رعایت اصول احکام بر فروع آنها مقدم است مثلا مردار وخون وخوك شرعاً حرام است اما در موقع ضرورت خوردن آنها جایز میشود وحلت جای حرمت را میگیرد ودر قرآن کریم (الا ما اضطررتم) آمده است ترجمه آنها حرام هستند الا در در موقع اضطرار وخوردن خمر حرام است اما برای علاج مریض اگر بآن منحصر بشود حلال میشود. وربا از بزرگترین محرمات است ولـکن اگر جلوگیری از آن موجب حرج وتعطیل کسب وتجارت بشود مثل معاملات بانك ها و تجارت بطریق بورس وحواله جات بانکی وامثال آن که امروزه تجارت بآن منحصر است حلال میگردد وهکذا هر حکم جزئی اگر با اصل کلی معارضه کند مرتفع میگردد و برای تشخیص این موارد اجتهاد در فقه واجب شد وفتح باب اجتهـــاد تا روز قیامت شرعاً باقی است ویکی از فوائد اجتهاد تشخیص اصول احکام وفروع آنها است باینطریق شریعت اسلام دنیارا نظم میدهد وجلو تطورات واختلاف اوضاع سیر میکند وایشهارا رهبری مینماید . وحلال محمد حلال الی یوم القیمه وحرام محمد حرام الی یوم القیمه باقی میماند ومانند قوانین موضوعه وحقوق مخترعه که هرروز در تغییر وتبـــدیل میباشد ودر معرض از مایش قرار میگیرد نخواهد شد.

انچه را که ذکر کردیم بطور مثـــال بود اگر کسی طالب اطلاع

میشود واصول ما نیفست کاپیتال شجره خبیثه حنظل است که بار آن تلخ وسم قاتل است وقرآن کریم که آنرا مسخره کردند ومدعی فرسوده گی آن شدند هیچ وقت کهنه وفرسوده نمیشود وهمیشه هادی افکار ورهبر علم ودانش بوده وخواهد بود تا روز قیامت .

وغیر آن ظلمات واوهام وتاریکیهای جهالت وخرافات است . ومدعی شدند باین خرافات کهنه واوهام پوسیده میخواهند دنیای نوین بنا کنند در صورتیکه اصول خرافات مارکسیستی و اوهام لینینیستی وخود مارکس ولنین قیمت افکار ودانش یکنفر دهاتی نیشا بوری که متجاوز از هزار وچهارصد سال قبل در نیشابور عین این افکار را ایجاد کرد ندارند . مزدك یکنفر دهـــاتی بیش نبود وافکار او بمراتب از افکار مارکس مترقی تربود وقبل از اسلام افکار خود را در ایران منتشر کرد وچون افکار او مبنی بر ظلمات واوهام وخرافات بود نور اسلام وحقایق آن بر آن ظلمات واوهام غلبه وآنهارا محو نمود .

بعد از هزار چهارصد سال از این حادثه اشخاص میآیند ومردم را بنام مارکس ومارکسیستی بعقب میرانند که بان افکار مرتجعانه برسند بنام پیش رفت علوم میخواهند مسموم ترین عصاره ارتجاع را بخورد مردم بدهند ومردم‌را در ظلمات جهالت وخرافات قرون اولیه بگذارند ووقاحت وبی شرمی در این است که با این کهنگی وفرسوده گی که این افکار پوسیده دارد مدعی بنیان دنیای نوین میشوند .

(مسئول این گمراهی کیست وسبب آن چیست)

جواب این سئوال ممکن است بصور مختلفه داده شود . شاید گفته

همه القا مینمود . یك دانه شپش ضعیف حامل مکروب تیفوس در حبس اورا کشت واز مقاومت با آن مخلوق ضعیف ناتوان وعاجز بود وبا قدرت لا یزال وعظمت غیر متناهی الهی می جنگید مردار شــد و گندیده شد. وبجهنم رهسپار گردید واز کردار خود پشیمان شد واین نادانان با آن افتخار میکنند .

میگویند دین ومذهب نیروهای زوال یا بنده هستند و فهمیدید که شریعت اسلام جاودانی وغیر قابل زوال است . ومیگویند این عصر عصر عقل ودانش است در صورتیکه آنها منکر عقل ودانش هستند واگر این عصر عصر عقل ودانش باشد حتماً عصر دین ومذهب خواهد بود زیرا عقل ودین ملازم یکدیگرند کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل هرکجا که عقل وعلم هست دین هست وهرکجا که عقل وعلم نیست دین نیست تلازم عقل وشرع از اصول مسلمه دین اسلام است . اگر این عصر عصر علم ودانش است نباید درب مسجد هارا به بندند بلکه باید مسجد را تقویت کنند چونکه مسجد مرکز اولی علم ودانش بوده وتا آخر مرکزیت خودرا از دست نخواهد داد میگویند ریشه درخت کهن سالی که شاخ و برگش آخوند ملاذ الانام وآیة الله است پوسیده وچوب آن کرم خورده کتابی که هزار وسیصد سال پیش نوشته شده وکهنگی وفرسوده گی از همه جای آن پیداست دیگر نمیتواند پس از انتشار (مانیفست کاپیتال) رهنمای فکر مردم باشــد. وبا خواندن روزی چند آیه از آن در رادیو نیز نمیتوان این حقیقت را دگرگون ساخت . ودانستید که درخت اسلام شجره طیبه توتی اکلها کل حین باذن ربها وهر روز باروبر علم ودانش از آن شجره طیبه چیــده

ترویج نمودند کسی‌را ندیدند که این بدعت ها وخرافات را اماته کنند. چونکه علماء دین اکتفا نمودند باینکه حقایق را تنها خودشان فهمند ودر صدد افهـــام مردم جهان برنیا مدنـــد برای رفع شبهات واوهام وخرافات هیچ وسیله ای ندارند نه مجله نه مبلغ نه مرشد نه هادی نه اداره رادیو ومرسلنده هیچ وسیله برای تفهیم حقایق اسلام بمردم ندارند وباین سبب حقایق ونور اسلام وعلوم آن در مطاوی کتب در گوشهای مدارس دینی محصور مانده واهل عالم از آن اطلاع ندارند ومزید بر علت آن شد که منابر وتبلیغ اسلامی غالباً بدست بیسوادان وجاهلان مانده وانها بنام اسلام چیزهای خارج از دین اسلام نشرمیدهند وموجب اعتراض بیخردان میشوند ومجتهدین وعلمای حقیقی از منبر رفتن ونوشتن مجـــله وتبلیغ شفاهی وسخنرانی در رادیو ها خود داری کردند واشخاص فتنه جواین احوال را بها نه کردند وبدین اسلام حمله نمودند . لذا ما در این گفتار از اشخاص دفاع نمیکنیم بلکه از خود دین اسلام واعلام میداریم هرکس مطابق آنچه‌را که نوشتیم اظهار کند بر وفق دین اسلام سخن رانده است وهرکس مخالف این گفت بیسوادی است که میخواهد بنام اسلام تعیش کند واز دین اسلام بیخبر است وبعلماء اعلام ومجتهدین کرام توصیه میکنیم که برای اظهار حقایق اسلام وتفهیم مردم جهان جدیت کنند خود شان بمنابر بروند ودر رادیو صحبت کنند وباطراف عالم مبلغ بفرستند واز تصدی بیسوادان بمنبر وتبلیغ مسائل اسلامی جلو گیری کنند اگر اینطور کردند قهراً مخنثین از نشر چنین کتاب سرتاپا دروغ ومزخرف خود داری خواهند کرد واگر وقاحت وبیشرمی باز آنهارا بچنین نشریاتی وادار کند احدی فریب اینهارا نخواهد خورد .

شود حرام زاده گی ومخنث بودن موجب اینگونه وقاحت و بی شرمی است.
یا اینکه گفته شود جهل مرکب موجب این ضـــلالات و گمراهی است .
مخنثان دو سه مسئله فیزیك وشیمی خوانده‌اند وبدرجه‌کامل‌علمی نرسیدند
در بین سرگردان و گمراه شده واز روی جهل مرکب خیال کردند که بتمام
مخلوقات الهی و رازهای طبیعت و همه علوم احاطه نمودند . یا اینکه گفته
شود که غلبه شهوات وخودستائی آنهارا باصطلاح گسیختگی وادار کرده
وحقیقت را میخواهند پایمال کنند . امثال این جوابها برای سئوال
فوق ممکن‌است داده شود وما منکر تأثیر این احوال واطوار در انجام
گسیختگی ووقاحت وبیشرمی نیستیم ولـکن اینهارا برای جواب پرسش
بالا کافی نمیدانیم ومعتقدیم که جواب حقیقی سئوال چیز دیگری است .

علم ودانش وکشف رازهای طبیعت وسعادت افراد ونظم جماعت در
قرآن وتعالیم اسلام منحصر است . چطور میشود که اشخاص نادان که
از کشف رازهای محسوس ترین پدیدهای مادی عاجز هستند ونمیتوانند
راه‌حلی برای‌دیدن‌وشنیدن وشعور وادراك‌وحیات‌بشر پیدا کنند واهل
دنیا را در هرج ومرج شکنجه‌وترس وهراس واضطراب وسوء معیشت
وظلم وستم گذاشته اند چنین اشخاص بیایند وبعلوم ونظم شریعت اسلام
وقرآن کریم اعتراض نمایند و کهنه ترین افـکار پوسیده وچرند را یعنی
اصول ماتریالیستی مزدکی بجای مترقی ترین افـکار علمی یعنی قرآن کریم
بگذارند . تنها حرامزاده گی و مخنث بودن وبیسوادی وجهل مرکب
وشهوت رانی وخود پسندی برای این جرأت وجسارت کافی نیستند
این بیسوادان این هستند از اینکه در مدعیات خودشان رسوا ومفتضح
شوند زیرا هرچه گفتند جواب نشنیدند وهر بدعت وخرافاتی را که

رسیده ودر بین آنان شایع شد که کتاب مذکور از کتاب کمونیستها نیست وانگلیسها بقصد تهییج افکار برضد کمونیستها منتشر کردند از این جهت بعد از هیجان شدید علماء سردشدند ودر صدد رد این کتاب برنیامدند حرف مدیر که تمام شد حضرت آقای آیة الله خالصی لبخندی زدند ولا حول ولا قوة إلا با الله العلی العظیم گفتند ونشانه تأثر برسیمای مبارکشان ظاهر شد واندکی سکوت نمودند وبعد فرمودند سبحان الله ناشر چه‌مد خلیت بر وجوب دفع ضـــلال ورد شبهات واوهام دارد . حرفی زده شد وشبهاتی القاء گردید گوینده والقاء کننده هر که باشد وهر قصد داشته باشد شرعاً واجب است انحرف ضلال وشبهات‌را مرتفع سازیم تا حقیقت استوار گردد گوینده والقا کنند هر که باشد . ولـکن بطور قطع بدانید که تألیف این کتاب از ناحیه انـگلیسها نیست وآنچه در این کتاب نوشته شده است عین عقاید کمونیستها ومقلدین کورکورانه اینها در ایران که بنام حزب منحوس توده نامیده میشوند میباشد واز این قبیل کتاب قبلاً از طرف انحزب منحوس در ایران منتشر شده از قبیل کتاب علم ودین وکتاب فیزیولوژی وبیولوژی وکتاب ماتریالیست دیالیکتیک وغیره ومجله دنیا که از طرف لعین اهل السموات والارض دکتر آرانی در ایران منتشر میشد براین‌گونه عقاید مشتمل است . ودر موقع نشر این کتابها حکومت ایران شدت مخالفت را بامن داشت وبا حزب توده در این مخالفت متفق بود بحد یکه مجال وفرصت برای رد آن کتابها باقی نـگذاشتند مطالب کتابهای توده که نزدمن موجود است تماماً بر طبق همین کتاب است وحالا که مجال پیدا کردم واجب است که رد کنم اما به بینید پروبا کاند چه میکند علماء نجف را از واجب شرعی

من نمیخواهم مجتهدین را باین امور دعوت کنم وخود عمل بدان ننمایم اگر همقطاران را دعوت کنم قبلاً خودم بدان عمل کرده ام نشریات وتبلیغ وسخن رانی در منبر ومقابل رادیو وغیره داشته ودارم معذالک اینها را کافی ندانستم مدرسه قدیم مرحوم والد رضوان الله علیه را خراب کردم و بحمد الله بساختن آن مشغولم که بطرز نوین آماده وحاضر کنم که بر طبق احتیاجات عصر حاضر تحصیل صورت بگیرد وتربیت مبلغین کافی که حقایق اسلام را بیان کنند وشبهات مضلین وملحدین را مرتفع سازند نمایم . اگر خداوند متعال توفیق انجام داد اجر دنیا وآخرت بمن کرامت فرموده واگر اجل قبـــل از اتمام فرا رسد انشا الله از اجر حسن نیت وقصد عمل محروم نخواهم بود وبرای کسانیکه بعد ازمن میآیـــند فرض وواجب میشود این دانشگــاه عظیم را تمام کنند که برای امثال این گمراهان بیسواد مجال اینگونه القاء شبهات باقی نماند .

(وما اريد ان اخالفكم الى ما انهيكم عنه ان اريد الا الاصـــلاح ما استطعت وما توفيقي الا بالله عليـــه توكلت واليه انيب) سورة هود ترجمه نمیخواهم نهی کنم شمارا از چیزی وخودم مخالفت کنم بجز اصلاح بقدریکه میتوانم چیز دیگر نمیخواهم ونیست توفیق رسیدن بآن مگر باخداست برا وتوکل دارم وبسوی اوباز گشت مینمایم .

(ناشر این کتاب ضلال کیست)

سخن که با اینجا رسید مدیر (دیوان النشر والتألیف والترجمه فی جامعة مدينة العلم للامام الخالصي الكبير) داخل شدو خبر داد که کاغذ هائی از نجف رسیده است بدینمضمون که این کتاب ضلال بعلماء نجف

النشر والتأليف والترجمه لجامعة مدينة العلم للامام الخالصی الـکبیر وارد شد ودر مجمع خوانده شد وحاصل مراسله مذکور این است که کتاب نـگهبانان سحر وافسون از طرف غربیها در فرانسه چاپ شد بقصد تحریك عواطف دینداران برضد کمونیستهای روسیه وحزب توده ایران در این مملـکت منتشر شده نباید اهمیت باین کتاب داد زیرا که مستعمرین باین گونه وسائل میخواهند ادامه استعمار بلاد ایران بدهند ومردمرا از مطالبه نعت مشغول سازند ودر موقع خود بی اینکه با ایرانیان تساهل کنند وحقوق حقه آنهارا بدهند خون شان را در مقابل جیش کمونیستها بریزند. خواندن مراسله که تمام شد حضرت آقای آیة الله الخالصی فرمودند تبلیغ کمونیستها منظم است در یکوقت معین حرفی که در طهران میزنند بعینه در نجف بر میگویند شاید خود این دلیل میشود بر اینکه کتاب مال خود کمونیستها است وروی نقشه معین کتاب تألیف ونشر شد وتهمت تألیف آن بغربیها داده شد که هم مطالب خودشان را اشاعه ونشر میکنند وهم از هجوم دینداران ایمن میشوند ودر عین زمان خصمشان را متهم میسازند واز احتمال استفاده از ایران وشرق بر علیه خودشان جلو گیری میکننـــد یك تیرود ونشانه بلـکه یك تیر چهـــار نشانه این است . در اینصورت معلوم میشود که نقشه تبلیغات کمونیستها منظم ومحکم است وما اگر زیرك باشیم نباید گول چنین نقشه هارا بخوریم .

این کتاب را ملاحظه میفرمائید همه از کتب کمونیستها مطالبی را نقل میکنند وما عین این مطالب را در کتب خود کمونیستهـــا وآثار ومطبوعات انهـــا خوانده‌ایم تهمت بکمونیستها در این کتاب نیست عین مطالب شان را نقل کرده است وبایدان مطالب رد شود یکی از دواعی

خودشان متقاعد میسازد و اگر این رد را منتشر کنم چها خواهند گفت
در صورتیکه خدا میداند واعمالم از اول عمر تا کنون گواهی میدهد باعث
قیام من ورد شبهات کمونیستها محض ادعاء تکلیف شرعی وامتثال امر
الهی است بدون هیچ محرك دیگری حالا چه تصور میکنند آیا اگر
انگلیسها موافقت دارند که من نماز بخوانم باید نماز نخوانم؟ اگر انگلیسها
درصدد مقاومت باجهل وخرافات مارکسیستی وظلمات والحاد کمونیستی
بر آیند باید من از تکلیف شرعی شانه خالی کنم این طرز تفکر خیلی عجیب
است و گمان ندارم صحت داشته باشد حتماً همه این اشاعات از طرف اداره
تبلیغات کمونیستها وشیوعیین عراق ناشی شده که علماء را بدینوسیله از
مقاومت با خرافات واوهام مارکسیستی منصرف سازند گاهی تبلیغات و
پروپاگاند چنین مؤثر واقع میشود که شخص با اینکه علم بعدم صحت
اینها داشته باشد متأثر میشود . لکن در هر صورت باید این کتاب
ضلال تماماً منتشر شود چون میدانم عقاید کمونیستها مطابق است بانچه
که در این کتاب ثبت شده است وباید سایر مسلمانان وعلماء انرا بدانند
وهر کس بتکلیف شرعی ووظیفهٔ اسلامی خود در مقابل اینگونه خرافات
واوهام قیام واقدام نماید کتاب را بخوانید وبدروغها وپروپاگاند
کمونیستها وقع ندهید اینها بانواع دسائس میخواهند شمارا مشغول کنند
واز اداء تکلیف شرعی باز دارند بعد از این خواندن کتاب ادامه
پیدا کرد .

(مراسله طهرانیه)

در بین خواندن این کتاب ضلال مراسله ای از طهران بدیوان

(توحید در اسلام)

(۹) آراء وادیان در مبدأ وجود واصل کون وچیزیکه موجودات از آن ناشی شده مختلف هستند . مادیون وطبیعیون ودهریون ولا ادریون وفلاسفه چه اشراقیون وچه مشائیون وبرهمائیها وبودائیها ومجوس ویهود ومسیحیون هریك رأی ونظری دارد هیچ یك از آن آراء موافق عقل وعلم صحیح نیست ونمیتواند تعلیل اشکار ترین ظاهره های طبیعت وپدیده های ماده بکند واز کشف راز طبیعت و عجائب آن عاجز است از این جهت فلسفه وادیان نتوانستند جلو آراء مادی بایستند ومغلوب آنها شدند . وآراء مادی چنان سست وبی پایه است که بذاته متزلزل وبخودی خود متلاشی میشود وبا لنتیجه انسان مکور حیران وسر گردان میماند ولذتی از حیات خود نمیبرد زیرا منشاء ومنتهای حیات خویش را نمیداند ونمی فهمد از کجا آمده وبکجا خواهد رفت وچنین حیات قصیر پر تعب ورنج ومشقت وألم وسختی ومشوب بجهالت وسر گردانی وفقدان یقین بمبدأ ومنتهای خویش برای انسان طالب حقیقت عذاب الیمی است چون اطمینان بهیچ نحو از انحا حیات خویش حاصل نیست . آراء مادی بر اصل متین ویقین صاف بنا نشده اند وصاحبان آنها فاقد اطمینان با آن آراء هستند واز اینجهت بلا ادریون شباهت تام دارند چونکه دلیلی که موجب سکون نفس نسبت با آرائیکه دارند نیست پس همیشه مضطرب ومتزلزل اند وبملاحظه وجود ادله بیشمار وسهل المأخذ برای نقض آراء آنها هرچه بیشتر فکر میکنیم در ازدیاد اضطراب وشدت

نقل تمام این کتاب در اینجا همین است که مطالعه کنندگان به بینند در این کتاب غیر از نقل مطالب مسلم کمونیستها چیز دیگری نیست . انکار خدا وملائکه وکتب آسمانی وپیغمبران وشرایع ودین اساسی است که بنای مرام کمونیستی بر آن نهاده شده است کارل مارکس گفته است که دین برای بشر مانند تریاك است کارل مارکس گفته است دین سبب بدبختی بشر است وانگلز ولنین وسران کمونیستها ومقلدان انها همه در نوشته جات وسخنرانی ها این حرف را تکرار کردند وبرهر دینداری واجب است که بشر را بفهماند سعادت دنیا واخرت بدین منحصر است اهم از اینکه غربیها حقوق شرقیها را بدهند یاندهند ما برای غربیها کار نمیکنیم مزدی از اینها نمیخواهیم برای خدا کار میکنیم وفقط اجر از خدا میخواهیم چون دفاع ملحدین شرعاً از دفاع کتابیها مهمتر وبر آن مقدم است بان میپرد ازیم ودر آن راه فدا کاری میکنیم وحقیقت را اشکار میسازیم ونظری بجز خدا نداریم وخداقا در است که اجر مارا باین طریق بدهــد که کمونیستها را هلاك سازد ومارا از شر استعمار انهــا واستعمار هر استعمار کننده نجات دهد .

◆❦❦◆

خوب است بعض آیات واحادیثیکه در این‌خصوص وارد است اشاره نمائیم که مطلب واضح تر گردد . در سوره حشر میفرماید (هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکلشيء علیم) ترجمه اول تمام موجودات وآخر آنها وظاهر تمام مکونات وباطن انها او است یعنی هرچه در وجود هست‌از خدا ناشی است وتمام موجودات غیر از او فنا پذیرند واو اول موجودات است نه اینکه اول داشته باشد واواخر موجودات نه اینکه اخر داشته باشد بلکه لانهایت محض است اول ندارد وآخر ندارد چنانچه حضرت امیر (ع) فرمود هو الاول بلا اولیه والآخر بلا اخریه یعنی‌او است اول‌اشیاء بدون اینکه اولیت داشته باشد واواخر اشیا است بدون اینکه آخر وانتها داشته باشد وحضرت سجاد در دعای غارشب از صحیفه سجادیه عرض میکند عز سلطانك عزاً لا حد له باولیه ولا منتهی له باخریه یعنی سلطان وقهر وغلبه‌تو انقدر عزت دارد که در اولیت وابتداء حدی ودر آخریت وانتها نهایتی ندارد واخبار از ائمه‌اطهار وآل اطهار وتبعاً للآیات در این خصوص بسیاراست . واو ظاهر اشیاء وباطن انها است نه اینکه او در ظاهر اشیاء تجلی ودر باطن اشیاء حلول کرده باشد چنانچه اشراقیها وبعض صوفیه معتقدند بلکه بمعنی اینکه قوام هر چیز باو است ووجود هر چیز از او است زیرا که بدیهی است که وجود از عدم نمیشود وتمام موجودات بموجود بالذات منتهی میشوند وموجود بالذات تنها او است چونکه سایر موجودات هستی از خود ندارند بدلیل اینکه اینها متغیرند وبعد از اینکه نبودند شدند وفنا وزوال دارند وموجود بالذات فنا وتغییر پذیر نیست وممکن نیست مسبوق بفنا باشد زیرا که موجود بالذات علتی برای وجود خویش

تزلزل بیشتر واقع میشود . اهل عالم عموماً در اضطراب فکری وعدم سکون نفس بودند تا اینکه خالق منان بر خلق منت نهاده و بواسطه خاتم انبیاء وسرور پیغمبران این معمارا حل واین راز را کشف فرمودو اطمئنان وسکون نفس برای مؤمنین با آن حاصل شد برای اینکه فهمیدند از کجا آمدندو بکجا خواهند رفت یعنی مبدأ ومعاد خود را شناختند وراز های طبیعت بحد ا کمل برای انها منکشف شد . پس توحید اسلامی نه تنها موجب اطمئنان وسکون نفس میباشد بلکه کشف اسرار ورازهای مادی وموافقت با علوم وفنون با آن منحصر است واز این دوبرای معتقدین بآن سعادت دنیا واخرت موجود است .

توحید اسلامی چنان میگوید که موجود بالذات که وجود او بر چیزی غیر از ذات خود متوقف نیست خالق وقادر است وموجودات را باالاداره انها میکنند وخود اراده دارد وبعض موجودات خود اراده داده است وحیات دارد وبعض مخلوقات خود حیات عطا کرده است وجود ادراك دارد وبعض بندگان ادراك بخشیده است ووجود از خود دارد وبمکونات خود نعمت وجود راداد او بهر چیز محیط است هیچ موجود ومکانی از او خالی نیست ودر مکان معین وموجود مشخص منحصر نیست اول ندارد وآخر ندارد . از حیث زمان ومکان نامتناهی است اول وآخر موجودات طبیعی وغیر طبیعی وظاهر وباطن مکونات مادی وغیر مادی او است همچنا نیکه مخلوقات را ایجاد کرد اگر متلاشی بشوند وتحلیل بیا بند قادر است که دوباره اجزای آنهارا جمع وبشکل اولی در آورد چنانچه قبل از اینکه موجود شوند آنهارا ایجاد کرد حاصل توحید اسلامی این است .

باشید که او لطیف وخبیر است یعنی موجودات که مشاهد میکنیم اثار تدبیر وحکمت وانتظام در انها میبینیم بر طبق قانون معین منظم هریك برای مقصدی ایجاد گردیده ار این حاىی فهمیم که انهـــا از طریق اراده واختیار ایجاد کننده خلق شدند مانند نما از ذاته بطور قهر وایجـــاب صادر شدند مانند حرارت از آتش وبعد ار اینکهی فهمیم اینها مخلوقات هستند نه صادرات بدا هتاً میفهمیم که خالق انها عالم است بانچه خلق کرده زیرا قصد بدون علم بمقصود حاصل نمیشود اینست که در آیه سوره حشر فرمود او بهرچیز عالم است ودر آیه سوره ملك فرمود او لطیف وخبیر است ومراد از لطیف این است که خلق های ریزه وخورد که بچشم دیده نمیشوند خلق کرده ودر آنها هست چنانچه در حدیث شریف وارد است که بخدا لطیف گفته شده است چونکه خالق خلق لطیف است. ودر سوره حم سجده فرمود (ألا انه بکلشيء محیط) ترجمه آگاه باشید او بهر چیز احاطه دارد یعنی هیچ موجود ار او خالی نیست وهرچه از عظمت مخلوقات مانند فضا که نهایت آنـــ معلوم نمیباشد وبالا تر از فضا وهرچه خورد و ریز است مانند اتم وکوچکتر از آن بتمام انهـــا احاطه وهمچنانکه از زمان در نهایت مخصص است ار جهت مکان نیز غیر متناهی وغیر محدود است . ودر سوره شوری میفرماید (لیس کمثله شيء وهو السمیع البصیر) ترجمه نیست موجودی مانند اووا و شنوا او بینا است یعنی بینـــده وشنوائی مختص او است زیرا هر بینـــده ای غـــیر از او وشنونده دیدنش وشنیـــدنش ناقص اســـت زیراکه انهـــا بالذات بینا وشنوانیستنـــد وبا آلت سمع وبصر می بیننـــد ومیشوند واو بالذات بنیا وشنوا است نه با آلت سمع وبصر . ودر سوره مجادله میفرماید (الم تر ان الله یعلم مافي السموات ومافي الارض ما یکون من نجوی ثلاثة إلا

خارج از ذات ندارد پس ممکن نیست که حالت زائل شود وخود باقی بماند که تغییر بیابدیا اینکه علتی برای او بیاید که بعد از عدم اورا موجود سازد واین دلیل است بر اینکه تمام موجودات اینکه مشاهده میکنیم ومتصور درآید موجود بالذات نیستند وچون وجود از عدم محال است حتماً باید تمام موجودات مستند بموجود بالذات باشند که او محتاج بچیزی در وجودش نیست وازلی وابدی وسرمدی است وقوام تمـــام موجودات وتغییر انها مستند باراده او است واوظاهر وباطن تمام انها است یعنی هستی انها با اوست چنانچه حضرت امیر فرمود «هو حیات کلشیء ونور کلشیء» یعنی خدا عبارت از حیات تمام موجودات ونور انهـــا است نه بمعنای اینکه وجود انها عین وجود او است چنانکه وحدت موجودیها میپندارند بلـکه بمعنای انکه هیچ مکان وموجودی خالی از او نیست چونکه او لا نهایت محض است ووجود او مقدس تر است از اینکه عین وجود مخلوقات یا عین مخلوقات باشد بلـکه وجود او اعلی واجل وارفع است از اینکه وجود موجودات بوجود موجودات باو برسد ووجود تمام انها از او است وخالق ارفع واقدس از مخلوقات است . واو بهر چیز دانا است چونکه هر چیزی برای چیزی وفائده ئی خلق کرده وقصد وتدبیر در تمام ذرات کون مشاهد است ودرست کردن چیزی برای چیزی دلیل وجدانی است بر اینکه درست کننده بآنچیزیکه درست کرده وچیزی را که برای او درست شده دانا است چون اگر نمیدانست قصد محقق نمیشد وتدبیر انجام نمیپذیرفت واین دلیل عقلی وبدیهی ووجدانی در قرآن کریم در سوره ملک اشاره فرموده وگفت (الا یعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر) ترجمه چه گونه علم نداشته بمخلوقات خود کسی که انهـــارا خلق کرده اگر

قناعت با آن هیچ حاصل نمیشود خصوصاً که کلمه تصادف و کلمه خصائص تراکیب مادی الفاظی است که هیچ معنی وتعلیل ندارد وبا آن الفاظ بی‌مغز نمیتوان تمام ظاهره های مادی را تعلیل نمود . شخص عالم عاقل مدرك نمیتواند از عقــل وعلم وادراك خود صرف نظر نماید وانـكار وجود انهارا در مبدأ خود بکند مگر اینکه حقیقتاً بی علم وادراك وشعور وعقــل وحیات باشد ماننــد ماتر یا لیستهای تهی مغز وفاقد حس وتمام ممیزات حیات . علم حقیقی انسان را باین عقیده حقه میرساند وماتر یالیستها اصرار دارند که انسان مانند پست ترین مخلوقات جمادی بایستد وسر تمام این ظاهره‌های طبیعی را نفهمد وانقدر اصرار در جهل وبی‌فهمی کند که علما ودانایان را بجهل متهم نماید وانهارا مسخره کنند مجمل قول اینست که تعلیل پدیدها وظاهره‌های کون غیر از توحید اسلامی بطریقیکه در قرآن وارد است ممکن نیست نشود واطمینان فقط با آن حاصل میگردد وغیر آن جهل ونادانی و بیشعوری است . برای تـکمیل مطلب مختصری راجع به خلقت کون وقوای آن مقتضی است که ذکر بشود .

اما خلقت کون پس باید دانست که بداهة ووجدان حاکم است که وجود از عدم نمیشود چونکه عدم فاقد هستی است و هستی از او محال است پدید آید وباین امر وجدانی آیه سوره طور اشاره کرده است انجا که میفرماید (ام خلقوا من غیر شيء ام هم الخالقون) ترجمه ایا از هیچ چیز خلق شدند یا اینکه خودشان خودشان را خلق کردند . این اصل وجدانی ومحتاج بدلیل وبرهان نیست بنا براین اصل مسلم است هرچه در کون وجود دارد باید بموجود بالذات که وجودش از خودش میباشد منتهی

هو رابعهم ولا خمسة إلا هو سادسهم ولا ادنى من ذالك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكلشيء عليم) ترجمه ایا نمیبینید که خدا میداند انچه را که در آسمانها وزمین است نیست هیچ رازی وسخن پنهان ما بین ۳ نفر مگر او چهارمین انها وله مابین پنج نفر مگر اینکه او ششمین انها است هرجا که باشند سپس خبر میدهد انهارا در روز قیامت انچه را که در دنیا عمل نمودند بدر ستیکه خدا بهر چیز دانا است . مراد اینست که بداهة مطالب مذکوره در این آیه شریفه معلوم هستند زیرا که پدیده های مادی وظاهره های طبیعی ممکن نیست که حل وتعلیل بشوند وراز انها کشف بشود مگر بمطالب مذکوره در آیه واگر کسی اینطالب را انکار کند بطریق استفهام انکاری سرزنش وملامت میشود برای اینکه مطالب انهــا واضح وآشکارا است . حیات وعلم وادراك در موجودات مشاهده میکنیم از اینجا میفهمیم که خالق آنها دارای حیات وعلم وادراك است زیرا که وجود از عدم نمیشود واگر مبدأ مخلوقات چنانـکه ماتر یا لیستها میگویند فاقد حیات وعلم وادراك است وجود انها در مخلوقات از عدم میشود وآن محال است . و نیز اثار قصد وتدبیر که در تمام درات کون مشاهده میشود هیچ تعلیل صحیحی برای انها نیست مگر اینکه بگوئیم خالق انها مدبر وحکیم وقصد وتدبیر در تمــام ذرات کون دارد وهمچنین تمام قوانین محکم طبیعی وفلـکی همه دلالت قطعی دارند بر اینکه خالق اینها عالم وحکیم وقادر است که این این قوانین محکم را بطریق حکمت در مخلوقات خود ایجاد کرده است . وقول مادیین باینکه تمام اینهــا ازراه تصادف نه ازراه تدبیر بلـکه از طریق خصائص ترکیب مادی قول جاهلانه وابلهانه است که برای عاقل

مسمی هستند وبعض ازقوی اسم خاص دارند مثلاً قوه نگهبان شموس وستاره‌ها وحافظ آنها از اصتدام ومتلاشی‌شدن بنام اسرافیل مسمی است وقوه مربی نفوس پیغمبران تا بدرجه ادراک وحی میرسند نام جبرئیل وروح القدس دارد وقوه سالبه حیات از اجسام حیه نزد آنان اسم عزرائیل دارد وهکذا ملائکه آفتاب و ابروباران وبرق ورعد وحفظه انسان وحیوان وملائکه حافظ اصوات واعمال وافعال انسان وملائکه موت وحیات وملائکه بهشت ودوزخ وغیره تمام اینها قوائی هستند که در اجسام مادی وجود وتصرف دارند. اختلاف در اسماء قوای مادی که نزد مادیون والهیون است بی منشاء وبدون سبب نیست بلکه سبب ومنشاء دارد وآن این است که مادیون گمان بردند که قوی دارای شعور وادراک واختیار در افعال نیستند وقوای مادی مانند خود ماده فاقد شعور وادراک واختیار است لذا اسم آنها جاذبه عمومی وقوه مغناطیسی وقوه نهی واثبات وسلب وایجاب شیمی وغیره گذاشتند. والهیون معتقدند که آن قوی دارای عقل وشعور وادراک واختیار در افعال هستند واسم انهارا ملائکه گذاشتند وبسیاری از علماء طبیعت وفلک با الهیون متفقند ومعتقد هستند که قوای طبیعی دارای شعور وادراک هستند ومیگویند قوه جاذبه عمومی بزرگترین مخلوقی است که شناخته شد زیرا که شامل تمام فضا وستاره‌ها وشموس است وبرای این مخلوق نمیتوان حد ومقیاسی فرض کرد ولوانیکه مثلاً ملیاردها سیر نور تحدید نمائیم ودلیل ندارد که انسان دارای حیات وادراک وشعور باشد وحال آنکه او مخلوق ضعیفی است روی کره حقیری زیست میکند وآن مخلوق عظیم که شامل تمام سیارات وستاره‌ها وشموس وفضا میباشد

بشود . حیات وعلم وقدرت وادراك وشعور وعقل وتمیز واراده وقوانین منظم وقصد وتدبیر وحکمت وهرچه هست باید بموجود ازلی ذاتی منتهی شود بنابرین حتماً انموجود ازلی بالذات قدرت وعلم دارد که این اموررا ار روی قصد ایجـــاد کرده است واگر بقدرت وعلم او معتقد نشویم لازم میاید که تمام این امور از عدم موجود شده است وآن محال است بالوجدان والبداهة . وعظمت کون را میبینیم وحکم میکنیم که مدبر آن در تمام ذرات کون وجود دارد وهمیشه انهارا تدبیر میکند وقوانین آنهارا حفظ مینمایدو او غیر محدود ونامتناهی است .

واما قوای کون پس معلوم است که در کون قوای مختلفه وجود دارند این قوی منشاء حفظ مکونات ماده از قبیل آفتابهای غیر محصور وستاره‌های نا معدود ونظامات نا محدود در این فضای غیر معلوم النهایه است ونیز این قوی منشاء تمام حوادث جاریه از قبیل سیر وگردش ستارها وحدوث ابر وباران وباد وگرما وسرما وشب وروز وتماسك اجسام مادی وحفظ حیوانات وروئیدن نبات ودرخت وحفظ قوای انسان وحیوان وتوالد وتناســـل وغیره که در تمـــام اجسام مادی وجود دارد . قوای مذکوره نزد پیروان مادی ونزد الهیون محقق هستند چونکه وجود انها بدیهی است وما بین الهیون ومادیون اختلافی در وجود انها نیست ولکن در نام واسم انها اختلاف دارند مثلاً قوه نـگهبان ستاره‌ها در سیر ومدار معین که یکی بدیگری اصطدام نـکند ومضمحل نسازد نزدمادیون باسم جاذبه عمومی مسمی است وقوه مولد باران نزد انها بقوه تبخیر مواد ارض موسوم وقوه مولد جنین در رحم بقوه نشو ونمای نطفه وتمـــدد وتقلص رحم معروف است . ولـکن تمام این قوی نزد الهیین بنام ملائکه

وحیوان که هریك بر اقسام مختلف منقسم است . پرنده وخزنده ورونده
توانا وناتوان کوچك وبزرك سرخ وسفید وسیاه وزرد وآبی وسایر
الوان واشکال ونبات تلخ وشیرین وشور وترش وقوی وضعیف وسرد وگرم
وتر وخوشك ونافع ومضر ودارو وسم وبلند وکوتاه وهکذا . در اینجا
حیران وسرگردان میمانند وسؤالی برای اینهـــا میآید ودر جواب عاجز
میمانند ومانند خر میایستند ودر جواب هر سؤالی یا خاطره‌ئی گوشهارا
در از میکنند وسرهارا تکان میدهند . سؤال این است که اگر ماده
یکی است پس این اختلاف الوان وانواع واشکال وأطوار واذواق وفوائد
از کجا آمده جوابی برای این سؤال ندارند وناچارند بکلمات مجهـــول
متوسل شوند وبگویند اختلاف از خصایص تراکیب مادی است واین
کله معنی ندارد . تازه بر این حرف سؤالی وارد میآید وعین اشکال بر
بر میگردد گفته میشود اختلاف تراکیب مادی از کجا وبرای‌چه شده
است واین سؤال بلا جواب میماند یا اینکه بفرضیـه داروینی یاشبیه آن
متوسل شوند وبگویند تنازع بقاء وبقاء اصلح وفنای افسد موجب این
اختلاف در انواع واطوار واشکال میشود . این جواب هم موجب
حیرت بیشتری میشود زیرا گفته خواهدشد ماده که حس تنازع ونزاع
ندارد این نزاعیکه ما بین موجودات آن فرض شده از کجا آمده
علاوه بر این اگر ماده باشد از اصل اختلاف ما بین موجودات آن
حاصل نمیشود که نزاع ما بین اینها بوجود آید پس پایه این نزاع که
اختلاف باشد از اصـــل منعدم است مگر اینکه بجواب اول برگردند
وبگویند از خواص اختلاف تراکیب مادی است ودانستید که جواب
اول جهـل محض است ونیز مادیون میبینند که موجودات حادث میشوند

از شعور وادراك وعقل محروم بشود . الهیون میگویند درباره اسرافیل پای او در تخوم زمین وسر او بعرش متصل است ومراد این است که او شامل تمام قطعات فضا یا طبقات آسمان میباشد واو ملکی است از ملائکه مقربان درگاه الهی ونگهبان تمام آسمانها وزمین است . مادیون که بفرضیه غلط ولا تمام منکر وجود حیات تمام موجودات هستند در این قوای عظام هم انکار حیات دارند وبعد از اینکه اعتراف واذعان بحیات در مبدأ کون شده واینکه حیات در بسیاری از مخلوقات ضروری ووجدانی است اعتراف بحیات این مخلوقات عظیم نیز ضروری است ونام ملائکه سزاوارترند تا بنام قوای طبیعی وکار این ملائکه تنظیم وتدبیر تمام موجودات مادی است .

زیرا که موجودات مادی بدون این قوای تکون ونظم پیدا نمیکنند ونظم معین بدون شعور وادراك نمیشود علی هذا حیات وادراك وشعور در این قوی بدیهی است .

(حیرت وسرگردانی وشقاوت ماتریالیستها)

" پست ترین حیوانات وبدبخت ترین مخلوقات ومحروم ترین موجودات از سعادت زندگی ماتریالیستها هستند . نظر بموجودات میکنند ونمیتوانند بر سر تطور وتنوع وحدوث واختلاف اینها واقف بشود وجلو هر سؤال حیران وسرگردان میشوند وقادر بر جواب کوچکترین سؤال نیستند میگویند مبدأ وجود حیات وعلم وشعور وادراك واراده ندارد وآن یکی است که ماده میباشد وموجودات را میبینند که اختلاف زیاد وتنوع بیشمار دارد ماه وستاره وابروبادو باران ومایعات وجمادات ونبات

ندارد واین همه اثار قصد ونظم وتدبیر از کجا آمده است . چه جواب برای این سؤال خواهند داشت . شاید عناد ولجاج وفرط جهل ونادانی انهارا وا دار میکنند که بکلمه مجهولی متوسل بشوند برای جواب این سؤال وسؤال ماقبل ومیگویند این اثار وقصد وحدوث حوادث همه بتصادف واتفاق موجود شدند نه بقصد وتدبیر . این سخن جاهلانه هم ارزش ندارد نمیخورد زیرا که تصادف واتفاق سخنی است تهی مغروبی معنی وحل هیچ اشکالی نمیکند در مقابل وجدان ومشاهدات تمام موجودات که هریك برای قصد معین مخصوص ساخته شده است واثار قصد وتدبیر در تمام انها هویدا واشکار است . ونیز حیات وادراك وعقل وهوش وشعور وحس در جمیع حیوانات وانسان مشاهد است ومادیون انهارا میبینند در اینجا نمیتوانند فرض کنند که ماده فاقد حیات وعقل وادراك وشعور است زیرا در این صورت سؤال زیر جلو انها میآید . حیات وشعور حیوانی وعقل انسانی از کجا آمده است در صورتیکه بر فرضیه انها مبدأ موجودات که ماده میباشد فاقد این خصایص است اگر بگویند از عدم آمده ارتکاب امر محال نمودند زیرا بالبداهة محال است وجود از عدم بیاید واگر بگویند از خصایص تراکیب مادی است حال این جواب قبلاً دانستید که پوچ وبی اساس وجهل محض است . علیهذا مادیون ناچار هستند بنا بر فرضیه ئی که دارند بگویند تمام موجودات وجود ندارند وانچه مشاهده میکنیم خطا است وفرق میان انسان واسب وخر وقاطر وگوسفند وبزوشتر وگاو وسك ومورچه وفیل وپشه وکرگدن وشیر وخرما وحنظل وگندم وماش وجو ولیمو وانگور واناد نیست وحیوان حیات ندارد وانسان عقل وادراك ندارد وتمام موجودات قدیم

وبعد از این که نبودند وجود پیدا میکنند واین در نفس خود شان شاهد است نبودند ودر وقت معین لطفه آنها بسته شد ودر وقت دیگر متولد شدند همچنین ودر تمـــام موجودات در زمستان روی زمین نبات وروی درخت برك نیست ودربهار نبات وبرك بوجود میآید ودر تابستان بثمر میرسد وهکذا . در اینجا متحیر وسرگردان میمانند وسؤال جلو انها میآید از جواب آن عاجز میشوند . سؤال آنست ماده که اصل موجودات میباشد ازلی است وچیز دیگری که تأثیر در موجودات بکند غیر ماده وجود ندارد پس باید تمام موجودات مادی ازلی باشند وفناه پذیر نباشند وحال انکه ما میبینیم موجودات در وقت معـــین موجود میشوند ودر وقت دیگر فانی میگردند وهمه حادث وغـــیر ازلی هستند . در اینجا دهشت بر مادیین مستولی میشود ودست و زبان بسته در مقابل این سؤال میمانند واگر بگویند اصل این موجودات ازلیاست واطور آنها حادث است نفعی برای انها ندارد زیرا در این گفتار سؤال میآید غامض تر وآن این است که این شکل حادث بچه علت مستند است وسبب آن چیست وبرای این سؤال هیچ جوابی ندارند . نیز مادیون بیشتر مضطرب وسرگردان میشوند وقتیکه نظامات کون واثار تدبیر وقصد وتقدیر در موجودات مشاهده میمایــند چشم برای دیدن گوش برای شنیدن جهاز هضمی برای هضم دندان برای جائیدن آلات تناسل زوجین برای توالد وادامه نسل گندم برای خوردن ابر برای باریدن وسیراب کردن زمین آفتاب برای پروش دادن موجودات مادی وهکذا هر ذرهٔی از ذرات موجودات برای قصد وغرض معین ساخته شدهاست در اینجا سؤال زیرجلوآنها میآید ماده که شعور وقصدو تدبیر

آیـــد . چشم وگوش ودهن وبینی نزدیك یکدیگر ودریکسر هستند واختلاف اعمـــال خصایص فیزیولوژی هریك مستند باراده الهی است وهکذا سایر اجزاء انسان وحیوان با اینکه در منشاء ومحل وماده تولیدی متحد هستند خصایص فیزیولوژی انها باقتضاء اراده وحکمت پروردگار انها مختلف شده است وهکذا عقیده باراده الهی تمام ظاهره هاي طبیعی وپدیده‌های مادی را تعلیل وتفسیر میکند بی اینکه باحس ووجدان وعلوم مخالفت داشته باشد بلکه بحث از علوم وتعلیلات ظاهره های طبیعی واسرار پدیده های‌مادی برای شخص‌موحد واجب است چه که دانستن خصایص فیزیولوژی ولوازم وبیولوژی واسرار فیزیك وشیمی وانواع طبیعی وفلکی برای تدبر در حکمت‌واحکام صنع وفرط‌دقت در مصنوعات الهی لازم است .

ومعتقد بقضـــا وقدر سبحاني وحکمت وتدبیر الهی همیشه در مقابل سختي وگرفتاری زنده‌گی نا امید نیست واطمینان کامل دارد زیراکه میداند این تعبها ورنج وزحمتها بیهوده نیست وبرای حکمت ومصلحتی ایجاد شـــده ودر مقابل آن فوائد بیشماری در حیات ابدی وجود دارد وپناهی از آن حوادث وشدائد همیشه موجود است وآنـــ مهمترین وقویترین پناهنده که قهر وغلبه بر تمام حوادث وسختیها دارد آن پناهنده خالق الاشیاء ومدبر ومصرف الامور است او است که اجابه دعوت داعیان مینماید وپناهی پناهان ویاور بی یاوران است دست دعا وتضرع بسوی او دراز میکند ورفع هر سختی وشدت مینماید وبقضا وقـــدر او باید تسلیم شد زیرا که هیچ حادثه ئی بی مصلحت وخالی از حکمت نیست ودر جائیکه رفع سختی ممکن‌است باید کوشید تا سختی مرتفع شود زیرا

هستند وهیچ موجودی حادث نیست ولو بالشکل اگر چنین بگویند باید
بر عقل یا برای شدت شقاوت وجهالت انها باید گریست . ونیز مادیین
اضطراب وسرگردانی ونا امیدی وبیچاره گی در مقــابل حوادث دهر
وشدائد دنیا دارند وهمیشه در هراس وو حشتند وهیچ پناه گاه وجای
امیدی ندارند . ماده کر وکور وکمک وقوت آن دهشت ناك ومعلوم
نیست کی وچو وقت این انسان ضعیف راالگد کوب ومضمحل بسازد
و پناهی از این ندارد اگر در حبس بیافتد یا مریض شود یا ظلم باو متوجه
بگردد بکی پناه بیاورد وطلب خلاصی از او بجوید در این صورت ناچار
است ار حود بیخود بشود وخلاصی بجزمرك وپناهی بجز زوال ندارد
ومنتهای بدبختی وشقاوت در این است .

(اطمینان وسکون نفس وسعادت الهیین ودینداران)

در مقابل پریشانی وسرگردانی وشقاوت ماتر یالیستهــا الهیون
ودینداران کمال اطمینان وسکون نفس وسعادت رادارند . چون میدانند
که خالق کون با قدرت واختیار واراده و حکمت خلق میکند یعنی او
قادر وحکیم ومرید ومختار بالذات است تمام موجودات ومخلوقات او هستند
وهیچ چیزی از اوصادر نمیشود لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً أحد .
علیهذا هر حادثه ئی را که میبینند میفهمند باراده خدا شده . وجود اشیاء
باراده ومحو انها باراده انواع مختلفه را که میبینند میگویند خدا خواسته
است که ازیك ماده واحد ترکیبات مختلف بوجود بیاورد . خاك وآب یکی
است اما اراده الهی تعلق گرفت که انسان وفرس وحمار وخرما وحنظل
وانگور وانجیر وانقوزه وجوشیر وغیر ذالك از آن ماده واحد بعمــل

بحقیقت ومنطق ودلیل وعقل ووجدان امنصرف بسازد وممذالك مئولفین کتاب میخواهند هذیان آن نادان تهی مغز را منطق روشن بین علمی قرار بدهند . در صورتیکه دکتر ارانی بیشمور ادله اثبات توحیـــد وابطال ماتریالیستی را ذکر کرده و گمان برده که اینها ادله اثبات ماتریالیستی ونفی توحید است مثلاً میگوید انسان گرسنه میشده ومفید را جلب ومضر را دفع مینموده است وحوادث روزگار او را متوجــه میسازد ومجبور باستنباط مینماید وهکذا این گونه ادعاآت . کسی نبود از این احمق نادان بپرسد که چرا انسان دارای این خواص شد وموجودات دیگر مادی چنین خواصی ندارند وحال آنکه ماده انها یکی است اگر جواب بدهد که این خواص خواص ماده است باید درهمـــه موجودات ظاهر بشود اگر مدعی بشود این خواص خواص ترکیب خاصی است که برای انسان پیدا شد باو گفته میشود که ترکیب خاص چرا برای انسان شده وبرای باقی موجودات مادی نشده است . ایا جز عقیده باراده قادر متعال حلی برای این معما میتوان پیدا کرد . ملاحظه کنید چگونه آن احمق بیشمور ادله توحید را نفی توحید قرار میدهد معنای (ختم الله علی قلوبهم) همین است بعد از اینکه اعتراف بعلم واستنباط وتوجه وتاثرات که اینها همه ایه توحید هستند برای انسان نموده مدعی شده که دین وفلسفه مولود عوامل اجتماعی هستند ودر دوره اول انســـانی نبودند وبرای این ادعاء دلیلی اقامه ننموده است در صورتیکه ادله قاطع وجود دارد که انسان اول دیندار بوده ودر نتیجه دوری از تعالیم دینی خیالات فلسفه بافی که از جمله انها انکار خدا وفکر ماتریالیستی پیدا کرده است چنانچه ثابت است که فلسفه یونان از دین مجوس در نتیجه

که اوامر کرده است تکار وعمل ورفع سختیها ودفع ظلم وامدیها .
اطمینان وسعادت زندگی در این عقیده حاصل است ویاس ویأس وناامیدی با این عقیده بانسان راه ندارد علاوه بر اینکه حق وحقیقت در این عقیده محفوظ است . از بیان فوق معلوم میشود که کمونیستهای خنث چقدر گمراه و جاهل ودروغ گو وخادم ظلمت ودشمن علم هستند خوب است برای تکمیل مطلب اشاره ئی بجهالت وگمراهی آنان که در این فصل از این کتاب نقل کردیم بنمائیم .

(جهالت و گمراهی خادمان ظلمت)

میگویند خدا ودین مخلوق پندار آدمی است . میگوئیم پندار مخلوق کیست وحال انکه بعقید انها ماده پندار ندارد ووجود از عدم نمیشود ووجود پندار یکی از ادله قدرت واراده الهی که پندار را خلق کرده است میباشد میگویند مذهب تریاك جامعه است میگوئیم مدلل شد که مذهب تریاق ودواء هر درد بی درمان است میگویند برای اینکه جامعه بسعادت حقیقی برسد باید بنیان مذهب را که سعادت واهی بمردم نوید میدهد از ریشه بر انداخت .

ومعلوم شد که جامعه بسعادت حقیقی وابدی ممکن نیست برسد مگر با تعالیم مذهبی وبدون آن نصیب انسان از زندگی شقاوت محض است، کارل مارکس ادعاء بدون دلیل نموده وگفته است که مذهب مولود عوامل اقتصادی است . وبا دلیل دانستید که مذهب حقیقت واقعی ونفس الامری است . دکتر آرانی شخصی بود بی علم وادراك میخو است بصرف ادعاء بدون دلیل وبا دروغ بافی ویاوه سرائی مردم را از حق

چگونه با تطور زمان سیر میکند و بقاء آن تا انقراض دنیا حتمی است وهرچه صنعت وعلم پیش میرود مذهب ثابتر وحقیقت آن اشکار تر میگردد . ودین اسلام محتاج بدستگاه روحانی مستقلی نیست چونکه دین اسلام تمام امور دنیا را اداره میکند وطریق عمل را تعیین مینماید در دین اسلام رئیس اداره یعنی خلیفه یا والی حدود متصدی امور عبادت واجراء احکام شرعیه است . شاه یا خلیفه ووالیهای منصوب از قبل او اداره مملکت وتنظیم قشون وامور مالی وقضائی میکنند ودرعین زمان نماز جمعه وجماعت وامارت حج وسایر عبادات با او است وبرای اینها اداره مستقلی نیست وجاهلان احمق بدین اسلام دروغ بستند وگفتند امور روحانی محتاج اداره مستقلی است تا اینجا رد مدعیات کارل مارکس ودکتر ارانی که از کتاب خودشان در دست هست نقل شده نمودیم . آیا دیگر مجالی هست که کسی بگوید غربیها یا انگلیسها این کتاب را نوشتند : گفتند سر انجام بی بند وبار برای انسان خدائی خلق کرد مانند فرعونها وشدادها الخ در صورتیکه این ادعاها نسبت بدین اسلام تهمت محض است ودانستید که خدای اسلام نه عرشی ونه فرشی ونه تختی ونه خادمی ونه یساولی ونه قراولی ونه درگاهی ونه در بانی ونه در بندی دارد بتمام کائنات محیط است وهیچ چیز از او خالی نیست وتقدیر وتصریف امور موجودات با او است وملائکه اوهمان قوای طبیعی هستند که سبب تکامل ونظم وحفظ موجودات میباشند بیکار نیستند وتمام کارهای طبیعی از اعمال انها است زیرا ماده بدون قوت تکامل وجود ندارد بلکه متصور نیست ملائکه روح طبیعتند بیکار نیستند . اما مؤلفین کتاب وکمونیستها که هریك از اینها عبارت از یك ماشین که سازی میباشد ولذیذ ترین نعمتهای الهی

اختلاط یونانیان با ایرانیان گرفته شده است و با نهاء مختلفه تطور پیدا کرد ومسکر ماتر یالیستی دربین انها بعمل آمد ومدعی گردید که عقیده ارباب انواع مولود پادشاهان کوچك روی زمین است در صورتیکه این فکر در اصل امپراطوری عظیم ایران بود وهمچنین بامپراطوری بزرك یونان منتقل گردید و بعد از این مدعی گردید عقیده به روح مولود احتیاج انسان بمرك وزندگی وحال انکه روح یکی از خواص مادی است وکسی نبود که از این احمق بپرسد اگر روح از خواص ماده است چرا در سایر موجودات مادی نیست و بچه سبب خواص بیولوژی وفیزیولوژی در حیوان زنده هست وبعد از مرك منعدم میشود وبدن متلاشی میگردد ومیگوید عرفان از دوره نیم وحشی شروع شده ویك قدم جلو رفته اما اسمی از اسلام وتعالیم آن نمیبرد وبرای عناد ولجاج یا جهل ونادانی حقایق اسلام را در خصوص ذکر نکرده والا با آن حقایق که ذکر کردیم بخوبی معلوم میشود که روح وحیات از مصدر ذو الجلال واراده قادر متعال ناشی شده وهروقت اراده تعلق میگیرد روح از بدن منفصل وخواص فیزیولوژی وبیولوژی بدن منعدم میگردد ومیگوید در دوره علمی ودانستن وکشف روابط علت ومعلول مورد توجه بشر است اگرچنین است بشر باید در دوره علمی موحد بشود زیرا که جز توحید واراده الهی هیچ علتی برای حدوث حوادث وتنوع انواع وانظامات این کون واثار قصد وتدبیر ممکن نیست پیدا بشود از اینجا سایر هذیان دکتر ارانی معلوم میشود که هیچ قیمت علمی یارویه منطقی ندارد . واز فرط جهل میگوید که مذهب جامد و دارای سلسله عقاید لا یتغیر است ومحتاج بدستگاه روحانی مستقلی است . ودانستید که مذهب اسلام

معجزه باقیه اسلام
تا انقراض دنیا

(۷) تمام انبیاء و پیغمبران با معجزه هائی آمدند که بشر از اتیان بمثل آن عاجز هستند ودلیل صدق نبوتشان همان معجزات بود ومعجزات انها در زمان خودشان بوده است وبعد از آن اثری از انها نمانده است . ابراهیم در آتش نمرود نسوخت وعصای موسی اژدها شد وآلات سحر ساحران را بلعید وید وبیضاء آمد عیسی (ع) شفاء کرو کمك وابرص داد واحیاء موتی کرد واز مغیبات کشف نمود همه انها معجزات بودند منقضی و غیر دائم وبعد از وقوع اثری از انها باقی نماند . لکن حضرت رسول (ص) معجزه هائی مانند سایر انبیاء آورد برای اهل زمان خود مثل شق قمر وبر گرداندن آفتاب وراه رفتن درخت در زمین بامر او وناله ستون وتکلم سوسمار وآهو وپیداشدن آب از بین انگشتان مبارك وپیدا شدن آب در چاه خشك در اثر انداختن آب دهن مبارك در آن وشیرین شدن چاه دیگر وتسبیح ریك در کف مبارك وزنده شدن مردگان وتکلم بانها وخارق عادات دیگری که از غیر پیغمبر ممکن نیست صادر شود . در این معجزات باسایر پیغمبران شریك بود اینها معجزاتی بودند که بعد از وقوع اثری از انها باقی نماند . وخداوند متعال خاتم الانبیاء را امتیاز داد بمعجزاتی که بعد از وقوع انها وبعد از رحلت پیغمبر تا روز قیامت باقی ماندند چونکه نبوت آن تا روز قیامت باقی است معجزات آن هم باقی ماند . معجزه باقیه خاتم الانبیاء بسیار است

را بکود مبدل میکنند گمان میکنند خود کار دارند وملائکه بیکارند .
وحال وحقیقت بهشت و جهنم که در اینجا انکار دارند در فصول سابقه
درجه جهل ودروغ وافتراء این شخصان را فهمیدید ومحتاج بتکرار نیست
تعجب اینجا است که این نادانان چه جرأت وجسارت دارند . استهزاء
بخالق جهان مینمایند.در صورتیکه علم به هیچ چیز ندارند (الله یستهزء
بهم ویمدهم في طغیانهم یعمهون) بحال اینها رقت میکنم برأی العین می بینم
که اینها در شدید ترین عذاب الهی گرفتار ودر دنیا وآخرت بیچاره ومسر
گردانند زود است متنبه میشوند واز اعمال خود پشیمان میگردند ولی
پشیمانی در انوقت چه سود دارد . اعتراف میکنند که روز بروز علم در
تکامل است یعنی فعلاً علم ناقص است پس بچه جرأت با این علم
ناقص انکار خدا ومعاد نمودند وخودشان را بجهنم ابدی سوزا نیدند آیا
اینها که در دریای هوای کوچکترین کره‌ئی در این فضای عظیم غیر معلوم
النهایه مغرور شـــده وهمه چیز را انکار نمودند موجب تأثر نیست
حقیقتاً از این همه مزخرف شنیدن ملل حاصل نمودم این قدر انسان هم
خرونادان وقسی القلب وبی فکر میشود . تا این اندازه از سوء عاقبت
غفلت دارد . بس است فصول سابقه برای رد سخنهای این نادان وخارج
کردن از گمراهی کافی است در اینجا سخن را خاتمه دهیم وهرچه بعد
از این نوشتند مکررات است فقط چند مطلبی که تکرار نشده اشاره
مینمائیم .

عمر میگذراندند در آن هنگام که توده ایرانی وروی علاوه بر تحمل
خراجهای کمرشکن و آسیب های لشکرکشیهای هوسمندانه در زیر یوغ
رژیم خالی از عدالتی رنج کشیدند در آنهنگام که امپراطوریهای عظیم
ایران و بیزانس دوران بحرانی دژمهای منحطکاست وغلامی را طی میکردند
در ریکستان جزیرة العرب نطفه حادثه‌ئی که بعدها نگردباد عظیم وطوفان
وهیا هوئی مبدل گردید بسته شد. این واقعه مانند انبیق بزرگی تمدنهای
گوناگون را در خود ممزوج ساخت وانهارا بقوام در آورد ومدنیت
غنی وپر محصولی از این ترکیب درست کرد که بایك رونق کامل تجارتی
ورشد بزرك صناعت بیشکی همراه بود . این واقعه بزرك یعنی پیدایش
اسلام که فتوحاتش در کمتر از یك قرن از جانبی تا ساحل لوآر وازجانب
دیگر تا ساحل سند وجیحون گسترش یافت باب شگرف وشگفتی در کتاب
زندگی انسان است .

(کیفیت اعجاز اسلام)

دشمنان اسلام چیزی نوشتند واعتراف نمودند که حادثه اسلام در
عالم نظیری نداشت وتا کنون مانندی پیدا نکرد وباب شگرف وشگفتی
در کتاب زندگی انسان است وشروع کردند بذکر علل واهیه برای
حدوث این حادثه‌وازروی عناد ولجاج میخواهند اسباب ظاهری برای
آن پیدا کنند ومعهذالك اقرار نمودند که هیچ علت وسبب ظاهری
نمیتوان برای آن پیدا نمود وتنها علل اقتصادی وتاریخی برای این حادثه
کافی نیست . ودرست بدون اینکه متوجه بشوند بمعجزه بودن این حادثه
اقرار واذعان نمودند برای توضیح اعتراف آنان میگوئیم : معجزه این

مانند قرآن کریم واخبار غیبی که در آن موجود است وحوادث آخر الزمان که بانها خبر داده وما بعد از هزار وسیصد سال مشاهده کردیم و احکام وقوانین که آورده وروز بروز برتری انها بر سایر قوانین ونظامات ظاهرتر میشود وهرقدر که علم ترقی کند بیشتر اسرار وحکمتهای آن قوانین جلوه وامثال آن ازمعجزات باقیه خاتم الانبیاء بسیار است . در اینجا فقط بیك معجزه میخواهیم اشاره کنیم که ملحدین بیدین وخادمان ظلمت باشدت عناد ووقاحتی که دارند ناچار شدند بدان اعتراف کنند وهرکس که این معجزه را اعتراف کند خواهی نخواهی بصدق پیغمبری خاتم النبیین معتقد میشود وآن معجزه این است که در کتاب این ملحدین ذکر شده وما عین عبارت انهارا تکرار میکنیم (پدیده اسلام در اوائل قرون هفتم . مسیحی یکی از وقایع بسیار عمده تاریخی است که چهره مدنیت بشر را دگرگون کرده ودر سیر تکاملی بعدی آن اثرات عمیقی باقی گذاشته است . پیش بینی آنکه شاخه پیوسته رونده تمدن از کجا جوانه نوخواهد آورد، امری دشوار وتا حدودی نشدنی است زیرا رشد تمدن وفرهنك تا زمانیکه در جامعه بشر اقتصاد اجتماعی منظم وهم آهنگی پدید نشود بصورت آشفته ونا منظمی انجام میپذیرد جبر قوانین تکامل در زیر حجابی از تصادفات پراکنده وپریشان عمل میکنند . در سراسر تاریخ ما مشاهده میکنیم که مرکز رشد تمدن وفرهنك دائماً در انتقال بوده ودایگی آن هر چندی یکبار به قومی میرسیده است . در انهنگام که خسرو پرویز وارث شاهنشاهان پر سطوت وغرور ایرانی وهرقل جانشین امپراطوران بیزانس سر گرم رزمهای خونین جها نگشائی بودند واشرافیت پوسیده این دو امپراطوری در تجمل سنگین وپر از بطالتی

بودند چنان یتیمی نهضتی در عالم ایجاد نمود واوضاع عالمرا دگرگون
کرد که او در مدت کمی بر اکثر معمور روی زمین مسلط شد وشتر
چرانان جزیرة العرب را جانشین ملوك اکاسره وقیاصره نمودو وحشی
ترین مردم دنیا را معلم معلمین اخلاق واداره ونظام در اکثر دنیا قرار
داد وباب شگرف شگفتی در تاریخ زنده گی بشر باز نمود ودنیارا کاملا
عوض نمود یعنی دنیای بعد از آن بهم غیر از دنیای ما قبل اوشد ونظام
وعلم واحکام آورد که روز بروز بواسطه ترقی علم تائید وثابت میشود
وتمام نظریات عصر خود مخالفت کرد وقواعد فلکیه وفیزیك وشیمی
وطب واجتماع واداره وسایر علوم را کاملاً تبدیل کرد وروز بروز علم
اورا تائید مینماید وفلکیین وفلاسفه وتمام علمائیرا که در عصر خود در
جاهای دیگر دنیا بودند تخطئه مینماید . آیا در تمام خلقت از اول دنیا
تا کنون کسی آمده وکسی توانست چنین کاری را بکند آیا عاقل بعد از
این ملاحظات ممکن است شك کند یاتردید حاصل نماید که این یتیم از
جانب خدا آمده وپیغمبر خدا بود وبزرگترین وسید وسرور جمیع
انبیاء بوده است چونکه کاری که کرده ومعجزهٔ که آورده هیچ
پیغمبری مانند اورا نکرده ونیاورده ملاحظه بفرمائید چگونه حق
خواهی نخواهی برزبان منکرین او جاری میشود وبرغم انوف انها اعتراف
مینمایند . میخواهند علل ظاهری واسباب تاریخی وامور عادی برای این
حادثه ذکر کنند وهرچه کوشش کردند نتوانستند علت ظاهری پیدا
کنند وتطویل کلام نمودند که مطلب را خلط بنمایند واین معجزه را
مستور بسازند ولی هرچه نوشتند این معجزه آشکار ترشد چونکه در
این فصل تطویل کلام کردند در ذکر مخربین اسلام از بنی امیه وبنی

است که بشر بدون سابقه چیزی را بیاورد که سایرین از مانند آن عاجز باشند و نتواند کسی دیگر مثل انرا بیاورد حتی بعد از اینکه معجزه بوجود بیاید بار کسی نمیتواند مانند آن بیاورد مثلاً طیاره اختراعی است تدریجی و بعد از اینکه بوجود آمد هر کس مانند آن آورد آن معجزه نیست اما زنده کردن مرده‌ها بدست عیسی دفعة واقع شد و بعد از وقوع کسی نتوانست مرده را زنده کند وهکذا سایر معجزات پیغمبران بنا برین نظر بمعجزه پیغمبر اخر الزمان میکنیم . میبینیم انمعجزه باقیه که همیشه هست وتا اخر عالم وجود دارد از وقتی که انسان روی زمین پیدا شد تا کنون چندین هزار ملیارد یتیم وغیر یتیم پیدا شدند احدی از اینها مانند هزاریك بلکه ملیونها یك از انچه پیغمبر اخر الزمان آورد نتوانست بیاورد ونخواهد آورد ویتیمی که در جزیرة العرب متولد شد پدر را ندید ومادریکه قیام بتربیت او نماید نداشت محیطی که در آن متولد شد خالی از هرگونه لوازم مدنیت ونظام اجتماع واداره وعلم وصنعت بود عرب وحشی غارتگر که قوتشان سوسمار وحسه خرما وخون وآب شور ولباسشان از پشم شتر ولیف خرما بود دختران را برای تخریه زنده بگور میکردند وحلال ترین اموالشان اموالی را که بچپاول وغارت بدست میآوردند بود محکوم مملکت روم وفرس وگاهی حبشه بودند ملل بزرگی که بانها احاطه نمودند آتش پرست وستاره پرست ومشرك بودند وخود انها محکوم چنین مللی بودند زمانیکه در آن متولد شد فاقد تعالیم صحیح پیغمبران ودانشمندان بود بحدیکه زمان جاهلیت نامیده شده است آن یتیم هم مالی وقبیله ئی که بآن استعانت بجوید نداشت ولجوج ترین دشمنان او خویشاوندانش

اسلام آئین جاویدانی است

(۸) زیرا که باعلم دوش بدوش راه میرود . چون اسلام عین علم میباشد دوام وبقاء او تاروز قیامت خواهد بود انچه در فصل (دین ومذهب از دیده رهبران کمونیسم) در این کتاب ذکر شده مکررات مطالب ما قبل است . وحاصل انها این است که دوره اسلام تمام شده وزمان انقراض آن رسیده وادعاء اینکه اسلام با علم سازش ندارد وما در فصول سابقه ثابت کردیم که اسلام عین علم است وآئین جاویدانی وتا انقراض دنیا باقی است . انچه ما گفتیم بادلیل وبرهان قطعی است وانچه مؤلفین کتاب گفتند محض ادعاء وبدون دلیل بوده فقط نقل قول اشخاص را مینمایند میخواهند با تکرار ادعاء وکثرة مدعیان دعوی را ثابت نمایند بی اینکه دلیل وبینه اقامه کنند چنین قضاوت وخروج از جاده منطق مستقیم فقط از جاهلان بیخرد وعقل وخادمان ظلمت وجهل ممکن است صادر بشود والا انسان عاقل پیرو علم عادل هرگز چنین قضاوتی را نمیکنند وتا آن حد از عدالت ومنطق صحیح ممکن نیست خارج شود بفصول وبیانات سابقه مارجوع کنید تا درجه جنون وجهل آنان ثابت شود ومحتاج بتکرار وتطویل بلا طائل نیست فقط باید دانست که اصـــول کونیستی بر اساس جهل وانکار محسوس بناشده ومحکوم بزوال واضمحلال است وبزودی اثری از آن برروی زمین باقی

العباس وغيرهم . ودر اینجا مدال کردند که اسلام بقدری قوی است که با این همه دشمن از بدو ظهور آن وبعد از آن روز بروز قویتر واشکار تر میشود وبعد همان طور خواهد بود (یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره المشرکون)

از اغلاط تاریخی ومطالب بی فائده که در این فصل از این کتاب موجود است صرف نظر میکنیم چونکه مساس با مطالب ماندارد فقط بوجه اجمال میگوئیم هرچه در این فصل برای رد اسلام ذکر کردند از محکمترین ادله حقانیت اسلام است وحاصل انچه را که در این فصـــل نوشتیم آنست که نهضت پیغمبر در عالم مانندی ندارد . وباین واسطه اعتراف صریح بمعجزه باقیه پیغمبر کردند ومدلل ساختند که معجزه عظیم پیغمبر باندازه ایست که دشمن هم اگر بخواهد انکار کند ناچار است بآن اعتراف نماید زیرا که قابل انکار نیست واگر کسی بخواهد انرا جحود کند در نفس خود بصدق آن یقین دارد . (وجحدوا بهـــا واستیقنتها انفسهم ظلماً وعلواً) وبرای هیچ پیغبری بعـــد از خودش چنین معجزه‌ئی باقی نمانده است واین از مختصات فخر کائنات وسرور مخلوقات حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص) است .

❋◆❋

اخلاق ودین

(۹) تمام ادیان بدون استثناء بشررا دعوت بسوی سعادت مینمایند وعموم آنها سعادت را منحصر بدار دنیا نمیدانند بلکه ما وراء این حیات کوتاه حیات دیگریرا میبینند وپیروان ودعوت بسعادت آن حیات را مینمایند . گرچه آراء در کیفیت حیات ما وراء این حیات مختلف است مادی خواهد بود یا غیر مادی وهرچه باشد سعادت وشقاوت دارد طرق نیل سعادت در ادیان متعدد است ولکن اصل مسلمی هست که در عموم ادیان وجود دارد وبرآن معتقدند واو وجود خالق قادر عالم بینا وشنوا است که ناظر اعمال بنده گانش هست وبشر را در نتیجه اعمال خود شان یادر نعیم ابدی یادر عذاب دائمی خواهد گذاشت . با این اصول افراد بشر مسئول هرعملی از اعمالشان هستند اگر کسی خوبی کند خوبی خواهد دید واگر بدی کند ببدی دچار خواهد شد وبرای حب نفس ورغبت بخوبی خوبی خواهد کرد وازبیم عقاب بدی نسبت بخود ودیگران نخواهد کرد وبا اینطریق تمام افراد شاهد سعادت را در آغوش خواهند کشید واز شقاوت دوری میورزند . اما اگر کسی منکر این اصول شود وبگوید خدا ناظر اعمال بشر نیست وما وراء این حیات حیاتی نمیباشد چه باعث ومحرکی دارد که خوبی کند وازبدی احتراز ورزد وچگونه توده بشر یا افراد اوراه سعادت را به پیمایند در موقع شنیدن عنوان این فصل (اخلاق از نظر جهان بینی مارکسیستی) بسیار در شگفت وتعجب شدم . مارکسیستی واخلاق ، ماتریالیستی واخلاق ، انکار خدا

است و باسرع وقت عالم حکم خود را بموقع اجراء خواهد گذاشت
وهیچ قوتی جلو علم ممکن نیست بگیرد زیرا که عالم وحق قویترین قوی
را در بردارند خدا هست ودین خدا حق وقهر وغلبه با خدا است که
حافظ دین وآئین خود میباشد .

کار خود امر معاش خودرا میگذرانیـــد ، اگر بتعالیم انبیاء بنگریم خصوصاً بتعالیم اسلام میبینیم تمام آن تعالیم مقصدی ندارد بجز خدمت بنوع انسان وخصوصاً ضعفا ومساکین وفقرا ورنجبران وکارگران بلـکه از این حد تجاوز کرده وبخدمت نوع حیوان اصرار ورزید وتوصیـــه باخلاق فاضله کرد برای اینکه خدمت نوع انسان وحیوان بر اساس متینی بنا شود و معذالك این مخشان خادمان ظلمت با کمال بی شرمی مدعی میشوند که اخلاق برای خدمت روز وررو استثمار رنجبرانـــ تأسیس گردیده است علی بن ابیطالب علیه السلام مالك بیت المال وپادشاه بیشتر جهان بود ومعذالك قوت خودشان جو و خرما منحصر بود و اشجار وحرث وسقی وزراعت زمین اشتغال داشت و برا در خود را از تعوق بردیگران در اندکی از مال منع میکرد و درخانهٔ ای از چوب خرما ساخته سکونت داشت نه قصر کرملین داشت و نه اساس وفرش آن وخادمان قصر کرملین وساکنان آن در مقابل علی وامثال علی از انبیاء واوصیاء اعتراض و نام دلسوزی برای رنجبران اعمال ساکنان قصر کرملین را تحسین واعمال علی وپیروان او ومحمد وسایر انبیاء تقبیح مینمایند . زهی بیشرمی ووقاحت یا بیعقلی وسفاهت . چقدر بی وجدان وبیشرم کسی که بگوید دین وقوی خادمان زر و زور و وسیله ایست برای استثمار سرمایه داران رنجبران را در صورتیکه دین نیامده است مگر برای خدمت ضعفا وفقرا واز مهمترین احکام اسلام عدم تمرکز ثروت وتوضیع آن ما بین افراد بشر است چنانچه بیانـــ آنها در فصول سابقه گذشت ولی کو بیشرما کجا وجدان دارند واز که شرم میکنند وچه مانعی از افتراء ودروغ دارند بعد از آنکه خدا وروز جزاء را منکر بشوند .

واخلاق چطور سازش دارد معذالك ادامه شنیدن کردم تا به بینم هذیانات
کمونیستها وجنون مؤلفین این کتاب بکجا میرسد تا انتهاء این فصل
معلوم شـــد که مارکسیستها مفهوم لفظ اخلاق در کله ایشان جا ندارد
واین عجیب نیست زیرا بی فهمی وبی دانشی ودشمنی آنان با علم در تمـــام
مؤلفات خود شان مشهود است . خواستم از انتقاد این فصل صرف
نظر کنم وتعلیق بر آن ننمایم زیرا هذیان آن بسیار است واگر بنا باشد
هرسگی را که عوعو کند انسان جواب دهد تمام مردم بیکار شوند وهمه
کارشان منحصر میشود به رد کردن وفوق سگها خصوصاً در این کتاب
نظر نداشتم مگر ظاهر کردن آیات الهی ورد نمودن منکران آن ودر این
فصل چیزی نیست که تعلق باین مقصد داشته باشد لـکن ادعاهائی
وقیحانه بر خــــلاف حقیقت وجود دارد لازم است بان اشاره بنمائیم
میگویند اخلاق وتقوی وپرهیز کاری برای خدمت برج وازی واستثمار
رنجبران بنفعت سرمایه داران تأسیس شده ودین همان منظور را دارد
وهر کس که باحوال مؤسسین دیانات واخلاق نظر کند وبتعالیم آنان
غور رسی نماید میفهمد وقاحت وبیشرمی مؤلفین این کتاب بچه درجه
رسیده است هم تمام انبیاء بخدمت رنجبران وضعفا ومصالح عامه منحصر
بود از ابراهیم وموسی وعیسی گرفته تا محمد واوصیاء وجانشینان او
برسد هیچ یك از آنان اندوخته مال ومنال وثروت نداشتند وچنانچه
دارای ثروت میشدند درراه خدا خرج میکردند تمام اینهـا کار گر بودند
وهیچ یك وقت وعمر خود را بطالت وبیکاری نمیگذرانیدند واگر
مصلحت وقت اقتضا میکرد یکی از اینها پادشاه بشود مثل داود وسلیمان
وعلی ابن ابیطالب برای ارتزاق شخصی خودکار میکرد وازمزد ونتیجه

جهان بینی مارکسیستی ندیدن جهان میشود وچنین اخلاق مثل سایر ایده آل های کمونیستی نابود خواهد شد و زوال ونابود شدن انها حتمی الوقوع است دیگر چه بیم و هراس از آن هست . هذیان این فصل مثل فصول سابقة بیشمار است خوبست باین مختصر اشاره اکتفا کنیم وتشخیص یاوه سرائی های کمونیستها را در خصوص اخلاق به تمیز وذوق خواننده بگذرایم بدیهی است هرکس این فصل را میخواند بیشتر بجهالت مارکسیستها واقف میگردد خصوصاً حکم کردن انها بافراد که برای توده باید بذل جان ومال کنند در صورتیکه بپاداشت وجزا معتقد نیستند کسی از این بیخردان نمیپرسد اگر پاداش وجزا نباشد برای چه شخص مال وجان خودرا فدا کند وچرا تحمل رنج ورحمت ومشقت بنماید اگر توده وافراد سعادت یافت وخود شخص مرد یا در شقاوت زندهگانی کرد چه نتیجه از آن میبرد در صورتیکه باعتقاد انها بعد از مرگ خبری نیست آیا برای نیستی بذل جان ومال بنماید آیا سفاهتی بالا تر از این متصور است .

معلوم نیست مقصود ایشان از اخلاق چیست . در عرف علمـاء اخلاق ومفهوم لغوی این لفظ مراد از اخلاق یکی از دو امر است اول کمال ساختمان بدنی ونبودن نقص در آن که موجب بروز اعمال خیر واخلاق فاضله وعدم صدور کارهای بد ونیك واخلاق رذیله بشود وبعبارت قدما اعتدال مزاجی واخلاق فاضله وانحراف را اخلاق رذیله گویند . بمعنای دیگر اخلاق بودنت ملـکات فاضله که منشاء بروز اعمال نیك میباشد یا غرائز ذمیمه وسجایای رذیله که منشاء بروز اعمال بد میباشد اولی مانند شجاعت وسخاوت وصبر وتحمل وبردباری وشکیبائی ودومی مانند جبن وترس وبخل وتزلزل وفرط شهوت وغیره میباشد . مفهوم اخلاق یکی از دومعنای نامبرده است اما عمل هرگز جزو اخلاق نیست بلـکه منبعث از اخلاق است ولـکن نویسندگان این کتاب دو معنای فوق را ترك کردند واخلاق را عبـارت از خود عمل دانستند ، گفتند هرچه که به ایجاد انقلاب کمك کند اخلاق است . این عبـارت هیچ معنی ومفهومی ندارد وهیچ مصداقی را مشخص نمینماید در اخلاق محیط وتربیت وحتی اغذیه وادویه نیز تأثیر بسزائی دارد وباستقامت بدن واعتـــدال مزاج که اخلاق فاضله از او ناشی میشود کمك میـــدهد وبسا که تربیت ومحیط واغذیه وادویه در ایجاد اخلاق فاسده وملـکات رذیله کمك زیادی میدهد وانسان را در حال معین ووضعیت خاص ومشخص قرار میدهد اما کمك دادن بایجاد انقلاب یا خود چه ربطی باخلاق دارد . اگر فرض کنیم انقلاب عام شد ومبارزه با سرمایه داران خاتمه یافت بنابر این اخلاق هم باید تمام بشود ودیگر وجود پیدا نـکند وعلم اخلاق فانی بشود . پس اخلاق از نظر جهان بینی مارکسیستی رو بعدم واضمحلال میرود و حاصل

وجود دارد وانکار محسوس ومعلوم در دین اسلام نیست . هر ظاهره طبیعی وپدیده مادی تعلیل صحیح علمی در دین اسلام معلل است .
اما کمونیسم بجز خرافات واوهام وانکار محسوسات واصرار مادی وجهل بکون ومخفیات ظاهره های طبیعی چیز دیگر ندارد وادراك جهان بیی حاصل نمیشود مگر بدین اسلام واشنا شدن بحقایق اسلام که عین حق ودانش میباشد وتعصبات کمونیسم بر خرافات وانکار محسوسات ساتی آن نهاده شده است کاملاً باعلم ودانش وحس ووجدان منافات دارد از این روجوانانیکه طالب تقدم وپیش رفت در تجدد با تمام قوی برضد کمونیسم باید قیام کنند تا خرافات آن از بین برود وباین اکتفا نماید در اظهار حقایق اسلامی که عین واقع میباشد باید فدا کاری کنند تا نور الهی بر ظلمات ماتریالیستی که از شعور وادراك خالی است غلبه کند واین غلبه محقق وحتمی است ووظیفه معلمین طالب حقیقت آ است که ما تریاق علم ودانش که در دین اسلام است زهر خرافات کمونیسم دردماغ جوانان حشی کنند واز کله آنان بیرون سازند ووظیفه ما احراز فیروزی بر خرافات واوهام کمونیسم است واین مبنی است بر اینکه بجوانان ثابت کنیم که علم از مذهب انفکاك ندارد وعلم مجرد از خدا شناسی جهل محض است وعلم که بر انکار محسوسات باشده علم نیست بلکه جزو خرافات واوهام است علم وادراك صحیح ومحققی است که در ذهن ابناء بشر ودر خارج ونفس الأمر صورت میبندد واگر از دین مجرد باشد تصور موهوم ونادرست میشود وبالنتیجه علم بی دین مضر است ودادن شمشیر درکف زنگی مست است . از این رو عالم رو بخرابی میرود زیرا که علماء از دین دور شدند وعلم آنان عالم را با آتش غضب الهی

حقایق دین با اوهام کمونیسم

(۹۰) مقصود ما از انتقاد فصل آخر این کتاب بدو قسم منقسم میشود قسم اول اظهار یاوه سرائیهائیکه مؤلفین کتاب نگاشته‌اند وکشف از درجه جهل و نادانی اینها است . قسم دوم تکالیف دینداران خصوصاً مسلمانان ودول اسلامی در مقابل کمونیستی و کمونیستها است .

(قسم اول) گفتند در فصول گذشته دیدیم که کمونیسم بر پایه جهان بینی علمی وواقعی بناشده با دین ومذهب سازگار نیست . وماهم میگوئیم در فصول گذشته دیدیم که کمونیسم بر پایه جهل ونادانی وچشم پوشی از جهان وتمام موجودات ومحسوسات ومعلومات بناشده وچون علم بر پایه حقایق وواقعیات ومحسوسات ومعلومات بناشده هرگز با کمونیسم سازگار نیست ووظیفه هر دین دار مبارزه با کمونیسم میباشد تا آنرا از بین ببرد همچنانکه نور ظلمت را محو ونابود میسازد. وگفتند کمونیسم وظیفه مبارزه با مذهب را بفرهنگ واگذار کرده است وتبلیغات بر علیه دین ومذهب جزء لا یتجزای فرهنگ کمونیسم میباشد تا آخر وما میگوئیم اگرچنین است فرهنگ کمونیسم عبارت از مجموعه خرافات واوهام وافکار محسوسات ومعلومات وبرضد اخلاق فاضله وسعادت بشر خواهد بود واگر بخواهند جوانان را در دنیای مادی تربیت کنند وبآنها ادراک علمی جهان وزندگی اجتماعی را تعلیم نمایند منحصراً باید جوانان را باصول وفروع دین اسلام آشنا کنند زیراکه تمام اصول مادی واجتماعی از جهات علمی ونظری وعملی در دین اسلام

شهرهای روی زمین را باسکنه انهـا طعمه حریق آلات جنگی مـ زند والقلاب کمونیستی بر اصل ویران کردن وتخریب وارحاب وتخویف وسوزانیدن شهرها ساشده با این مراتب مدعی میشوند که تعلیمات کمونیستی بر اصول علمی نباشده وتبلیغات اسلام بر اصول زور شمشیر متکی بود وبآیه ئی از سوره محمد (ص) استشهاد میکنند واز سایر آیات شریعه صرف نظر مینمایند قرآن کریم اینطور میگوید با کسانیکه نقص عهد شمارا کردند وپیغمبررا میخواستند خارج کنند چرا نباید بجنگید در صورتیکه ابتداءً انها باشما بجنگ شروع کردند آیا از اینها میترسید سزا وارتر این است که از خدا بترسید اگر گروه گرونه گان باشید سوره براته آیه (۱۳) ودر سوره ممتحنه آیه (۸) میفرماید خدا شمارا نهی نمیکند از اینکه احسان وعدالت بکنید با کسانیکه با شما جنگ ندارند وشمارا از شهرهای خودتان خارج نکردند وخدا عدالت کنند گان را دوست دارد بلکه خدای شمارا نهی میکند از اینکه دوستی کنید باکسانیکه باشما مقاتله وجنگ دارند وشمارا از منزلهای خودتان بیرون کردند یا اینکه کمک دادند بکسانیکه شمارا خارج ساختند اصل مسلم اسلام در جنگ این است که با کسانیکه بامسلمانها جنگ ندارند جنگ نشود وجنگ قبل از اینکه دعوت باسلام بشود ودلیل مواد اسلام ذکر نگردد جایز نیست وهرگاه دشمنان اسلام سلاح انداختند ادامه جنگ بانها حرام است واحکام فقهیه که از آیات شریعه مستمد گردیده همانهائی که ذکر شد وتاریخ شاهد آنست زیرا که حضرت رسول (ص) مدت سیزده سال در مکه دعوت کرد بی اینکه با احدی جنگ کرده باشد واهل مکه اصحاب اورا بیرون کردند وبحبشه هجرت نمودند وتسیم

سوزانید البته علم از مذهب جدائی ندارد وتشکیل مدارس است که به پدران ومادران فهمانده که تحصیل علم از غیر طریق دینی برای کودکان بلکه نوع بشر مضر وناروا است هرکس که اندك فکری دارد میفهمد که حق ندارد پسر خودرا بی مذهب وبی علاقه بدین بار بیاورد واخلاق اورا فاسد کند که با لنتیجه تمام اهل عالم فاسد میشوند وعالم محو ونابود میگردد این مدارسی که از دین خالی است هیچ علم ندارد ومحض خرافات وجهل است ونباید پسران ودختران را باینگونه مدارس بفرستند وحیات ایشان را در خطر بگذارند . وگفتند حالا مقایسه کنید این روش تعلیمی مرام کمونیسم را باروش تبلیغی اسلام بجای منطق وبیان بازور شمشیر مذهب را بخلق مردم فرومیکند الی آخره . وما میگوئیم مؤلفین کتاب این قدر بی حیا وجاهل هستند که به هیچ عبارتی وصف بی حیائی وجهل انها نمیتوان کرد ونمیتوان گفت اینهـا ازروی جهل سخن میگویند زیرا میتوانیم فرض کنیم تعالیم اسلام راجاهلند وباسلام دروغ میبندند اما نمیتوان گفت که از انقلاب کمونیستی بیخبر هستند کیست که نمیداند سران انقلاب کمونیسم بچه نحو وقسوت وبی رحمی اصول کمونیسم را بخلق مردم فرو بردند کشتاریکه در انقلاب کمونیسم شده در عالم سابقه ندارد ملیونهـا مردم طعمه آتش انقلاب کمونیسم شده اند هزاران شهر سوخته شد وملیونهـا پیرزن وطفل بی خانمان ماندند وبعد از خاموش شدن آتش فتنه کشتار چنان ادامه دارد که باندك احتمال مخالفت با کمونیسم هزاران را طعمه آتش توپ وشصت تیر میکنند وصور آهنین را در روسیه زدند که ناله ستمکشان ومظلومین وفریاد آنان بسمع اهل عالم نرسد وبرای جنك آتیه چنان تهیه میبینند که

و عقاب ندارد ودین یادگار دنیای قدیم نیست بلکه یادگار خدا است
که برای حفظ منافع تمام طبقات بشر از اول خلقت دنیا تا فنای آن
بلطف ورحمت خود ایجاد کرده است اگر ستمکشان طالب منافع خود شان
میباشند باید نهضت دینی کنند ودین را عقیده ثابت مردم سازند که
هیچ کس ظلم وتعدی نکند واصول مارکسیسم ولنینیسم مایه افتضاح
ورسوائی میباشد برای هرکس وهر حزبی که از اینها پیروی کنند .
وخوشبختانه ملت ایران در عقاید مذهبی وایدئولوژی چنان ثابت
ومستحکم است که با شیر اندرون شد وباجان بدر رود بلکه تا روز
قیامت وخلود ابدی عقیده مذهب در هر فرد فرد این ملت باقی خواهد
ماند ودر آخرت بیشتر از دنیا مستحکم میشود از این جهت مبارزه با
اصول کمونیسم بقدری آسان است که از خوردن آب برای شخص
تشنه آسان تر میباشد قطعاً در دماغ منور ایرانی اصول ملحدانه
مارکسیسم ولنینیسم جائی ندارد واگر دوسه ابله فریب انرا خوردند
بزودی توبه وانابه خواهند کرد وعلم بتقدیر الهی ضامن فیروزی
دینداران وبنده گان خدا در مقابل بیدینان وبنده گان شیطان است
وحربه ما در این مبارزه قدرت الهی وعلم وتوسعه در جهان بینی که
خدای متعال بآن امر کرده میباشد که برآن ترین حربه های بیدینان
را که عبارت از ترویج خرافات وانکار محسوسات ومعلومات است
قطع میکنند ما بچماق تکفیر هرگز متوسل نمیشویم پیروان اصول
مارکسیسم خودشان اعتراف بکفر والحاد وخرافات میکنند حاجت ندارد
که ما انها را تکفیر کنیم حربه ما علم وتوسعه در جهان بینی است که در
این دنیا ودنیای بعد قائل شدیم وجهان را محصور بدنیای فانی نمیدانیم

داشتند که خود حضرت رسول را بکشند وحضرت رسول بمـــدینه هجرت کرد واموال وخانهای اصحابش را غصب وتصرف نمودند بعد از این همه وقایع حضرت رسول بمدینه تشریف بردند ومیخواستند اندکی از اموال مغصوبه را مسترد کنند انوقت جنك بدر واقع وبعد از آن مشرکین مکه دوباره قصد مدینه را کردند که مسلمانها را در انجا بکشند وجنك احد وجنك احزاب واقع شد وتا یهودات مدینه نقض عهـد نکردند وبمشرکین کمك ندادند جنك با یهود واقع نشد بنا براین تمام جنك اسلام برای دفاع از نفس وعرض ومال ودین بود بعد از اقامه دلیل بر حقانیت اسلام نه برای تحمیل دین بزور شمشیر ومعذالك مؤلفین کتاب تاچه اندازه جاهل وبی شرم هستند که انکار این حقا ق علمی وتاریخی را مینمایند ومیگویند روش تبلیغات مذهبی اسلام منطقی نبوده وبزور شمشیر بوم وروش تبلیمات کمونیستی منطقی است در صورتیکه مسئله کاملاً معکوس است ولـکن بنا نیست که کمونیستها اصول علمی وحقایق را پیروی نمایند ودائماً مدعیات آنان بر انـکار اصول علمی ومحسوسات وحقایق تاریخی مبتنی است .

وگفتند دین ومذهب یادگار دنیا کهن وحافظ منافع ستمگران است با خواسته های ستمکشان وبنیان گذاران دنیای نوین سازگار نیست الی اخره .

وما گفتیم ودر فصـــول سابقه مدلل ســـاختیم که حافظ حقوق ستمکشان در مقابل تعدی ستمگران تنها دین میباشد که ستمگر را مسئول ومئواخذ میداند در دنیا وآخرت نه کمونیسم که ستمگر را هیچ مسئول نمیـــداند نه در دنیا ونه در آخرت هر قدر که ستمگرد عذاب

چگونه با کشفیات واسرار مخفی طبیعت ایمان وعقیده پیدا کنند وچو طور میتواند ظاهره های طبیعترا حل وتفسیر نماید البته باهنر وعلم دشمنی وخصومت میورزد وحز تخدیر اعصاب عوام وساده لوحان وگمراه کردن ابلهان هنری ندارد زیرا میگوید انسان روح ندارد حیات ندارد عالم مادی واسرار آن که از حد احصا بیرون است باین دنیا وتفسیر ناقص چند ظاهره وپدیده منحصر است اگر مسلمانهای امروز خوار وذلیل شدند برای اینکه بمقتضای دین اسلام عمل نکردند واز توسعه مادی که در دین اسلام وجود دارد دست کشیدند وتفکر وتدبر که مأمور به قرآن کریم میباشد بین امان متروك شد مابقم وبجف نگاه نمیکنیم وبحال مسلمانان کار نداریم نظر ما بقرآن کریم واحادیث صحیحه است و در انها ترقیات علمی وتوسعه جهان بینی وپست امور مادی باندازه ئی وجود دارد که هیچ فکر وکتاب تا امروز بحد آن نرسیده ونخواهد رسید بزرگترین عوامل عقب ماندگی مردم ایران وسایر مسلمانها دست کشیدند از تعالیم اسلام وعدم تفکر وتدبر در آیات قرآن کریم واحادیث سید المرسلین وبیانات ائمه معصومین است . ماباید با حوصله وبردباری اهل عالم را بتعالیم اسلامی دعوت کنیم تاریشه بی دینی را ازمیان برداریم هر قدر که نیرنك بیدنیان امروزی زیرکانه هر اندازه اغوای افسونگران جدید هوشمندانه باشد باز آزادی ودانش دین که زیرك ترین وچابك ترو هوشمند تر از رقیب است یعنی از بیدینی وبر حقایق علمی وواقعی نفس الامری متکی است از عهده شکست دشمنان خدا وحقیقت بر خواهد آمد وبالاترین شرف برای مادرآن است که چنین عقاید حقه خدمت کنیم شرکت با گروهی که بسوی خورشید

بلکه عوالم مادی بسیاری ما ورای این عالم هست و کمونیستها مثل سایر محسوسات ومعلومات عالم ماورای این عالم را منکر هستند ادراك آنهند از دنیای واقعی این است وادراك کمونیستها به اندکی از اطراف این دنیا منحصر است ونسبت بادراك آنها بسیار ناچیز است کمونیسم که پر وخرافات میباشد در حصار این دنیای کوچك گرفتار است واز عالم مادی وتوسعه آن هیچ خبری ندارد ونمیدانند در این عصر مکتشفات علمی وفنی ومدارك ساخته کو توسعه عالم مادی باندازه ایست که از از تصورات مارکس خرافاتی وپیروان جاهل او وتوتوریها وفرصه های ایشان خارج است وکتابهای دینی که از جانب خدا آمده قبل از علم این توسعه مادی وبیشتر از این را نشان داده وهرگز علم بشری نگرد این حقایق نمیرسد وهرچند کمونیستها باینقدر از اصول مادی که دردست دارند اکتفا کنند وبتوسعه جهان بینی که در کتب الهی موجود است قائل نشوند افتضاح پشت سر افتضاح بار خواهند آورد دین داران نباید از اینجائیکه نزد کمونیستها وبی دینان موجود است وحشت کنند بگذارید عقاید خودشان را منتشر کنند که مفتضح تر ورسواتر شوند مطمئن باشید نشر همان عقاید بهترین سلاحی است برای خورد کردن آنها وکاریکه ما در عهده داریم یعنی تثبیت عقیده خدا شناسی وعوالم دینی را آسان خواهد کرد سعی ما باید بر این باشد که محیط ارتجاعی بی دینان وپوچی افکار پوسیده شان را برای مردم تشریح کنیم باید مردم بخوبی بدانند که بی دینان علاوه برانیکه ترویج ظلم وستم بواسطه عقیده به نبودن ناظر اعمال وعقاب میکنند باهر گونه تمدن وترقی علمی مخالفند زیرا کسیکه منکر محسوسات میباشد

الحسنيين ونحن نتربص بكم ان يصيبكم الله بعذاب من عنده او بايدينا فتربصوا انا معكم متربصون) سوره توبه آيه ۵۲ ترجمه بگوای محمد بكفار شماچه انتظار داريد عائشود مگر يكى از دوكار نيكو يعنى يا ما غالب شويم در دنيا يا مغلوب در صورتيكه غالب بشويم خير دنيا وآخرت را داريم ودر صورتيكه مغلوب بشويم خير آخرت راداريم پس هرچه عاميشود نيكو است .

وما انتظار داريم بشما كه يا خدا عذاب اخرت رابشما نازل كند از طرف خود يا بدست ما يعنى اگر غالب آيشد عذاب خدا در آخرت برشما نازل خواهد شد واگر مغلوب شويد عذاب بدست مادر دنيا برشما جارى ميشود ودر آخرت هم معذب خواهيدشد حال ما وكمونيستها اين است پس هرچه نسبت بشما ميشود ضرر و زيان است منتظر بشويد ماهم منتظر هستيم بهر حال مادر خير وغلبه هستيم وانها در شر ومغلوبيت اند وما بغالبيت اطمينان داريم .

(قسم دوم)

قسم دوم تكاليف ديند اران خصوصاً مسلمانان ودول اسلامى در مقابل كمونيستى وكمونيستها است براى حيات اجتماعى دين ضرورت دارد وبشر از حيات اجتماعى استغناء ندارد عليهذا از دين ممكن نيست استغناء كند اين حكم در قديم الايام يعنى در اول تكون بشر در روى زمين بوده وهست لكن امروز بشر بيشتر بدين احتياج دارد تا ادوار گذشته بواسطه اينكه عده‌ئى روى زمين پيداشدند كه بدين وديند اران اعلان جنك كردند وتا اندازه‌ئى در مقاصد شوم انها پيشرفتى حاصل شد

عدل ودانش پوینده است و ورم درضد تمام خادمان ظلمت وبی دینی تمهدی اصیــل وگر انها است . بکوشیم تادرین راه هیچ فریب هیچ اغوائی هیچ تهدیدی مارا ازراه بدر نبرد زیرا که مابخدای متکی هستیم وکسیکه بقدرت ازلی متکی است از هیچ قدرت ماسوا وحشت وهراسی ندارد اگر مادر این مبارزه بپایان نرسیم لا اقل از اجر وثواب وافتخار پیمردن قسمتی ار آن محروم نشده ایم وجریان تاریخ شط روشنی است که بدریای تــکامل میریزد وتــکامل این است که تمام ظاهره های طبیعی حل وتفسیر نشود ومجهولی باقی نماند ومحسوسات ومعلومات انـکار نشود واین نیست مگر با عقیده خدا شناسی بگذارید تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که بسوی دریای دین میرود وحقیقت دین را ادراك میکنند وتمام مجهولات را حل وتفسیر مینماید ومحسوسات را انـکار نمیکنند نه از این هائی که در لجن بیدینی وانکار محسوسات آلوده وگندیده شود وما اگر در دنیا بمقصود نرسیم قطعاً در آخرت اجر وثواب ربانی وروح وریحان ورحمت ورضوان سبحانی را خواهیم دید وبنعمت های لا یزال منعم خواهیم شد وبی دینان اگر در دنیا فائق شوند زنده گانی قصیری میپیمایند ودر آخرت بعذاب شدید وألیم ابدی وبغضب جبار سموات وارض معذب خواهند شد واگر در دنیا مغلوب شوند نه دنیا دارند نه آخرت پس ما بهر حال غالب هستیم وانها در هر صورت مغلوب ومقهورند . (ولا یغرنك تقلب الذین کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم مأواهم جهنم وبئس المهاد سوره آل عمران آیه ۱۹۶) ترجمه آمد وشد کفار در شهرهــا شمارا مغرور نسکند نعم اندکی دارند سپس در جهنم جایگاه انها است وبدجایگاهی است جهنم (قل هل تربصون بنا الا احدی

خصوصاً متدینین بدین اسلام که کاملاً تعالیم اسلامی را متروك کردند واحدی از مزایای آن اطلاع پیدا نکرده مسئولیت این قسمت شاید بیشتر متوجه علمای دین است که حقایق دین اسلام را میان مردم منتشر نکردند واهل عالم از آن بی خبر ماندند وجلو نمض خرافات واوهام که بنام دین میان مردم منتشر ودین اسلام از انها بیزا راست نگرفته اند ومردم خیـــال کردند که این خرافات از دین است واز دین متنفر شدند در این علت کشیشان مسیحی هم شریك اند زیرا که آراء قرون سابقه‌را ترویج مینمایند در صورتیکه حضرت مسیح از اینها بیزا راست ومسیح وآئین مسیح را انطوریکه هست معرفی نکردند والا ممکن نیست که بیدینی در مقابل تعالیم حقیقی مسیح علیه السلام ایستادگی وعرض اندام کند . تعالیم مسیح بطوریکه قرآن کریم تشریح نمودهین تعالیم اسلام است وبا علم وتکامل علوم مادی وپیش رفت اکتشافات طبیعی توافق بلکه تلازم کامل دارد وعلم بادین حقیقی لازم وملزوم یکدیگرند . چرا علمای اسلام شجاعت نداشته باشند که حقایق دین را از خرافات مجزا کنند وبرای چه کشیشان بر آراء مخالف عـــلم اصرار میورزند ودین حقیقی مسیح را ظاهر نسازند که در معرض تهاجم بیدینان واقع نشوند آیا علمای اسلام وکشیشان نمیداننـــد اگر بایتحال باقی بمانند بیدینی جای دین را خواهد گرفت وانوقت زمان اضمحلال بشریت وسخط الهی برهمه اهل روی زمین فرامیرسد وندامت در انوقت سودی ندارد : درست اینکار کار آسانی نیست وکسی که متصدی این امر بشود گرفتار مقاومت ارباب شهوات ومحتکرین وربا خوران ومستعمرین ومتحکمین بر مردم وحکومت ها وافراد نادان وبالجمله تمام افراد جاهل

واگر خدای نخواسته بجائی برسند که بیدینی عمومیت پیدا بکند
انوقع فنای بشر و بشریت حتمی الوقوع خواهد شد زیرا بشر با بیدینی
ممکن نیست زیست کنند واگر فشار وزور عده‌ئی را با بیدینی نگاه
بدارد موقتی است وطولی نمیکشد که بندهای ان زور وفشار بگسلد ونظم
جامعه بشری پاشیده میشود هرکس بنوع بشر علاقه مند است وبافراد
نوع خود محبت دارد وطالب اجر الهی باشد باید شبانه روز کوشش
کنند که مبانی دین اسلام مستحکم گردد واز پیشرفت بی دینی که هلاکت
بشر در آن است جلوگیری نماید قبـــل از عمل باید اسباب پیش رفت
بیدینی با اینکه ضرر آن بنوع محسوس است تشریح شود تا جلوگیری
از آن ممکن وآسان گردد :

انسان عاقل ممکن نیست که بیدینی را به پسندد ولـکن ممکن است
عوامل مأثری پیدا نشود که انسان با اعتراف بخطر بیدینی بسوی آن
سوق بشود افرادی دیدیم که از ترس حبس انتحار میکنند وبعضی را
مشاهده کردیم که در بستر برای عدم معالجه انها را بمرك سوق داد . آن
عوامل چیست که بیدینی را در عالم منتشر ساخته لازم است بطور اجمال
بآنهـــا اشاره کنیم وعلاقه مندان بنوع بشر واشخاصی را که مصالح
عمومی را بر مصالح شخصی مقدم میدارند دعوت کنیم که عوامل را
مرتفع سازند وبرای اصلاح افراد جامعه بشری فدا کاری کنند ورضایت
الهی وهم نوع خود شانرا حاصل بنمایند بیدینی خصوصاً مارکسیسم قابل قبول
انسان نیست ولـکن عوامل چندی موجب پیش رفت آن تا اندازه‌ئی
شد مهم ترین آن عوامل عمل نکردن دین داران باحکام دین که موجب
عدم استفاده مردم از مزایای دین وعدم وقوف واطلاع عامهٔ خلق بر انها

که عوام مردم با بدعت گذاران خرافاتی بنام دین مابین مردم منتشر کردند وعلماء از آن خرافات جلوگیری نکردند وجاهلان خیال کردند خرافات مذکوره از دین است وحال آنکه حقیقت دین اسلام باینگونه خرافات هیچ آشنائی ندارد وهمچنان کشیشان تقالید وتعالیم دارند که آشنائی وارتباط باصل دین مسیح ندارد بر علماء وکشیشان واجب است که اصل دین اسلام ودین مسیح که در قرآن موجود است بمردم ارائه دهند تا کسی جرأت نکند وبگوید دین بادانش سازش ندادر . آیا زمان آن رسیده است که علمای اسلام وکشیشان لله وفی الله وبرای اطاعت امر خدا وحب خدا شناسی وجلوگیری از مضریات بیدینان ومحو ونابود کردن مارکسیسم وکمونیسم مجمعی خالی از تعصب تشکیل دهند وخرافات مسلمین ومسیحیین هرد ورا از بین ببرند وبه عاشقان علم بفهمانند که علم بدون دین جهل است ودین حامی ونگهبان پیشرفت علمی است . تشکیل چنین مجمع ضروری وحتمی الوقوع است عالم ضامن آنست زیرا که خرافات را مردمان بی علم داخل دین کردند وترقیات علمی وعلماء حقیقی مانع از قبول افکار وآراء أهل قرون ظلمات میباشد ترقیات علمی از بدو ظهور نور اسلام شروع شد ویخرجهم من الظلمات الی النور یعنی از ظلمت بنور خارج میسازد شعار دین اسلام وقرآن است واگر بین مسلمین خرافاتی منتشر شده بدین اسلام ربطی ندارد بپیشرفت علوم خواهد فهمانید که دین اسلام از آن خرافات مبرا ومنزه است وساحت قدس او ازهر آلودگی غیر علمی پاك وپاکیزه است شاید بعض علماء وکشیشین از این سخن برنجند چونکه نمیخواهند قبول کنند که خرافات داخل دین شده است یا میل ندارند زحمت جدا کردن دین از خرافات تحمل بنمایند

وطمع کار مردم خواهدا شد اما عالم خدا شناس ومؤمن بآخرت از این مقاومت ها چه باکی دارد نخر دنیا وآخرت در این است سرزنش مردم چه ضرری دارد جلب رضایت الهی منحصر باین کار است بگذار همه مردم غضب کنند اثر ندارد یگانه عیب بشریت وضرر انسانیت وسستی امور دین ومحرومیت عالم بشریت از آن وپیشرفت مهلک نابود کننده بدینی منحصر باین است که علمای اسلام جلو خرافات خارج از دین نمیگیرند وکیهمان بر امور خارجهٔ دنیای قدیم که بهیچ ارتباط نداشت اصرار میورزند واگر اسباب دیگری برای پیشرفت بدینی وجود داشته باشد همه فروع این اصل است . میگویند گرسنگی وبرهنگی وبی کاری وغصب حقوق رنجبران وکارگران از طرف سرمایه داران واستثمار زحمتکشان بسود مال داران واصول برج واژی واحتکار وربا خواری وشیوع فحشا وخمر وقمار وغناء وامثال اینها همه اسباب پیش رفت کمونیستی است اگر بنظر حقیقت بنگریم این فروع باصل اولی تعلق دارد زیرا که دین از اشیاء مذکوره وهر فساد منع میکند واگر علماء جدیت در امور دینی بنمایند این مفاسد مرتفع خواهد شد ولو اینکه ارباب شهوات وستمگران مشوید آن باشد زیرا صلاح هر قدر که طرفداران او ضعیف وکم باشند بر فساد غلبه دارد ولو اینکه طرفداران ان قوی وزیاد باشند .

میگویند دین منبع خرافات واوهام است وباپیشرفت علم سازگار نیست در صورتیکه دین اصل علم است وعلم بی دین جهل محض است ودر فصول گذشته بآن اشاره نمودیم که علم از دین ودین از علم منفك نمیشود چیزیکه موجب جرأت جاهلان بر این سخن شده اینست

(دو کتاب مهم در یك وقت)

در این ماه اضافه در نشریات هیئتکی (دیوان النشر والتألیف والترجمه لجامعة مدينة العلم للامام الخالصي الكبير في الكاظمية) از طرف آن دیوان مبارك در کاظمین دو کتاب مهم منتشر شد اول کتاب (احياء الشريعة في مذهب الشيعة) این کتاب رساله علمی حضرت مجتهد الاکبر افقه فقهاء العصر امام وپیشوای مسلمین این زمان آقای شیخ محمد خالصی ادام الله ایام برکاته کتاب مذبور مشتمل است بر اصول دین وتمام علوم مثبته فیزیك وشیمی وفیزیولوژی وبیولوژی وطب وانچه مدخلیت دارد در اثبات توحید ومعاد وطول عمر بقية الله في ارضه از علوم متداوله این عصر ونیز مشتمل است بر مختصری از احوال حضرت نبی مختار (ص) وائمه اطهار عليهم السلام وایام ولادت ووفات انسروران . وبعد از ذکر اصول دین شروع باحکام فقه کرده واز احکام فقه ذکر احکام طهارت ظاهری از حدث وخبث واستحمام وزینت وطیب ولباس ومآکل ومشارب وصید وذباحه واطعمه واشربه وطهارت باطنی از ذمائم قلب وسوء اخلاق وذکر تمام واجبات ومحرمات بر سبیل اجمال وذکر بدع وخرافات وتحذیر از انها نموده است وبعد از احکام شروع در فلسفه وحکمتها واسرار وفوائد آن احکام واستدلال بر توحید الهی ونبوت سيد المرسلين از ناحیه تشریع احکام وتقنین قوانین شرعیه کرده است ودر اینجا بتمام علوم ومکتشفات دردست اهل این زمان استدلال نموده است باین وسیله کتاب مذکور در علم کلام وفقه بیمانند وبی نظیر است

خوب است مقایسه نصیحت مرا با تهاجمات مارکسیسمها بکند انوقت جای نگرانی باقی نمیماند تخلص از تهاجمات دشمنان دین بقبول نصیحت من منحصر است دنیای نوین از نظر جهان بینی دین بر اساس حقایق اسلام باید بنا شود ودنیای نوین بجز با تعالیم اسلام اداره نمیشود وجلو خرافات کمونیسم فقط دین اسلام میگیرد وانهارا محو ونابود میسازد وبر هر دین دار خدا شناس بیمناك از عذاب آخرت وامیدوار بنعیم الله فرض است که حقایق اسلام را ظاهر سازد وخرافات را بر طرف کند تا اینکه اثری از خرافات واوهام وجهل کمونیسم باقی نماند اگر چنین جمعی هم تشکیل نشود وظیفه هر فرد آنست که باین امر خطیر خدا پسند قیام نماید وشبانه روز بدون هیچ استراحت در انجام آن بکوشد از این رو در کاظمین شروع بتأسیس دانشگاه بزرگی برای این مقصد نمودم وکتاب احیاء الشریعه فی مذهب الشیعه تألیف کردم وحقایق اسلام را بیان و بدعتها وخرافات واوهام را از دین جدا کردم وامیدوارم بتوفیق الهی این مؤسسه واین تألیف اثری از کمونیستی وخرافات مارکسیستی بر روی زمین باقی نگذارد از خداوند متعال با کمال تضرع وابتهال انجام این امرا را مسئلت دارم فقط باو اتکال دارم واز غیر او کمك ومعاونت نمیطلبم ویقین دارم که با آرزوی وامید خود موفق میشوم زیرا من کان لله کان الله له .

العلم خالصی که بیانات مذکوره برشته تحریر در آید وفرمودند تا ردکتاب سگانان سحروافسون تمام بشود تألیف رساله تعطیل کردد . چون مقصود کمونیستها هدم اساس دین است وکندن ریشه شجره طیبه آن وتا اساس را محکم نسازیم وریشه را تقویت ندهیم اشتغال بفروع عاقلانه نیست وشرعاً جایز نمیباشد اینک کتاب مذکور تمام شد ودرجه جهل ووحشیگری ودشمنی باعلم ووجدان واخلاق فاضله ومدنیت صحیحه وپیروی اوهام وخرافات که کمونیستها بر آنند منکشف ودر معرض افکار عمومی بواسطه این کتاب گذاشته شد . وما که بتألیف کتاب اول خورسند بودیم بتألیف کتاب دوم خورسند تر شدیم وفهمیدیم که وظیفه مجتهدین حفظ اصول وفروع وحفظ اصول بر حفظ فروع مقدم است واز خداوند متعال مسئلت داریم که بوجود حضرت آیة الله خالصی وامثال ایشان دین خود را حفظ ودشمنان دین را قلع وقمع کنند .

تذکر مهم

برای اینکه علماء ومجتهدین احاطه بتمام علوم پیدا کنند وبتوانند در تمام دنیای متمدن مزایای دین اسلام را ظاهر سازند حضرت آیة الله خالصی در نظر گرفتند که دانشگاه دینی عظیمی بنام (جامعه مدینة العلم للامام الخالصی الکبیر) در کاظمین مشتمل بر مدارس زیاد وتمام علوم متداوله وبعض صنایع تاسیس کنند وبالفعل مدرسه قدیم مرحوم والد ایشان آیة الله خالصی کبیر الشیخ محمد مهدی طاب ثراه را خراب وبطرز نوین مشغول بنائی شدند ورواق اول تعمیر ومحل تدریس عمومی واقع شده است مخارج این دانشگاه عظیم از حقوق شرعیه مانند سهم امام

ودلیل قاطعی است بر صحت وبرتری دین اسلام بر تمام علوم وادیان .
این کتاب جزو اول رساله عملی حضرت آیة الله خالصی میباشد وجزو
دومی آن تحت طبع است . سبب تألیف این کتاب این بود که مقلدین
حضرت آیة الله عظمی در عراق وایران وبحرین وپاکستان وسایر بلاد
اسلامی اصرار میکردند که رساله عملی مرقوم فرمایند ومعظم له امتناع
داشتند واز طرف دیگر سؤالات زیاد از بلاد اسلامی وغیرها وارد شده
واز علل واسرار احکام شرعیه وادله توحیـــد ونبوت وامامت ومعاد
استفسار میکردند حضرت آیة الله در نظر گرفتند که کتاب جامعی
بنویسند که برای مقلدین در مورد فتوی وبرای سائلین از ادله مثبته
دین اسلام مرجع بشود واین کتاب بینظیر را تألیف وجزو اول آنرا
منتشر وبدست رس مردم گذاردند وترجمه فارسی آن در قم از طرف
یکی از دانشمندان درجه اول انتشار شده ودر تحت طبع است . کتاب
دوم (کتاب راهزنان حق وحقیقت یا بازگشتگان بسوی بربریت
وجاهلیت) در حینی که حضرت آیة الله مشغول تألیف رساله مذکور
بودند در ایران کتابی بنام (نگهبانان سحر وافسون) از طرف کمونیستها
منتشر شد این کتاب در مسکو یا پاریس بطبع رسید ودر ایران منتشر گردید
ومحتویات آن عبارت است از دعوت بکمونیستی وانکار خدا وپیغمبران
وائمه وسب وطعن با آنان ونسبت باهل علم ووعاظ وخطباء وتمام دینداران
است وغیر از استعمال الفاظ مبتذله ورکیکه وادعاهای بیدلیل ودروغ
بستن بدین اسلام مطلبی ندارد همین که کتاب مذکور بر حضرت آیة الله
خالصی عرضه شد واجب دانستند که بیاناتی در اطراف آن بر دانشجویان
مدرسه القا بفرمایند وامر فرمودند یکی از دانشجویان دانشگاه مدینة

فهرست مطالب کتاب

وزکوة وغیره واز تبرآت وهدایا تأمین میگردد باینوسیله از تمام مسلمین که غیرت اسلامی دارند وطالب رضایت الهی هستند دعوت میشود که بتعمیر این دانشگاه کمك بدهند واداره دانشگاه اجازه میدهد هرکس که میخواهد باسم خود رواقی در دانشگاه تعمیر کند که نام ایشان الی الابد باقی باشد باداره دانشگاه مذاکره واین عمل را انجام دهد . ونیز در تاسیس کتابخانه بزرگی بنام (مکتبة مدینة العلم) شروع شده واز تمام دانشمندان وعلماء وعاشقین فرهنك ودین داران دعوت میشود که در کتابخانه مذکور شرکت بنمایند وهرکس که بخواهد خزان مستقلی بنام خود در کتابخانه بگذارد مجاز است .

اقل الطلاب في جامعة مدينة العلم (عبدالصمد کرمانی)

صفحه

صفحه

صفحه

صفحه

غلط وصحیح

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷	۳	بجذا	بخدا
۷	٤	عوره	عوده
۸	۱۵	بفید	بیند
۸	۱٦	عجیتر	عجیبتر
۱۱	۱	یا ولاك	باولاك
۱۱	۱۵	یشر	بشر
۱۱	۲۱	یگویند	بگویند
۱۳	۷	بفید	بیند
۱٤	۱۷	البسته	البته
۱۵	۱۲	غلیه	غلبه
۱۵	۱۳	ازدوی	ازروی
۱٦	۱۱	زیانی	زبانی
۱٦	۱۴	زیانی	زبانی
۱۷	۱۱	فزاموش	فراموش
۱۸	۱	پرتات	پرتاب
۱۸	۱۴	خودشابزا	خود شافزا
۱۸	۲۱	داند	دادند
۲۱	۵	بیشتر	بیشتر
۳٤	٦	کمد	تؤدوا

※◆※

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۷	۱۳	مناست	مناسبت
۳۸	۲۰	چکوانه	چگونه
۳۹	٦	شخبتهای بازو	شخصیتهای بازر
۳۹	۱٤	ااطمعنان	ااطمینان
٤۱	۷	دیگیر	دیگر
٤۱	۲۰	ازمین	ار زمین
٤٥	۷	دلو	ولو
٤٦	۳	حوشان	حودشان
٥۰	۱۰	ترکمتان	ترکمنستان
٥۱	۱۰	وار	وارد
٥۱	۱۱	حواراك	حوراك
٥۱	۱۲	میخرند	میخورند
٥۲	۱۹	پرچسم	پرچم
٥۳	۱۳	چین	چنین است
٥٤	۱۲	نمین	نمیین
٥٥	٤	درروی	ارروی
٥٦	۱۹	نشته	نشسته
٥۷	٥	گرده	گروه
٥۷	۱۸	الاجراع	الاجراه
٥۷	۲۲	مسیر	مسیری
٦۱	۳	تربیب	تربیت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٢٤	٧	یمضکم	یطکم
٢٤	١٣	کیمرد	کیمر
٢٤	١٦	خویشاونداه	خویشاوندان
٢٧	٣	کاو	کار
٢٧	٧	حون	چون
٢٨	١٨	حدر	حذر
٣٠	١٩	متمادل	متمال
٣١	٥	اکیژن	اکسیژن
٣٢	١٧	یغیرو	یغیروا
٣٣	١٨	تغیر	تعییر
٣٢	١٩	تمیر	تعییر
٣٣	١٨	نحو	محو
٣٣	٢٠	تاثر	تأثیر
٣٤	١٥	آنر	آنرا
٣٤	١٤	دبهره	بهره
٣٤	٢١	درواپت	درروایت
٣٦	١٢	اینگوند	اینگونه
٣٦	١٤	دادند	دارند
٣٦	١٢	ترد	طرد
٣٦	١٥	اسمای	اسامی
٣٧	٦	پیرمران	پیرمردان

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۱۸	۱۷	برآن	بران
۱۱۹	۶	اعصر	عصر
۱۱۹	۷	کو	کہ
۱۱۹	۲۲	یجدد	تجدد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٩٣	٧	اجتماًی	اجتماعی
٩٨	١٢	مواصبت	مواظبت
٦٨	٢٢	رياوت	رياضت
٧٠	١٠	میرد	میرود
٧٥	١٧	دام	دارم
٨٠	١٤	انهاء	انحاء
٨١	٤	اطممنان	اطمینان
٨١	٤	صاحل	حاصل
٨١	٤	بالاداره	بالاراده
٨٢	٢١	موجودا	موجود
٨٤	٩	مشاهد	مشاهده
٨٤	٩	زیزه	ریزه
٨٧	٢١	چنین	جنین
٨٨	٧	دوزغ	دوزخ
٦٧	٩	انها	انحاء
١٠٤	١٩	کننده	کنند
١٠٩	٧	کو	که
١٠٩	١٥	غورڈی	غوررسی
١١٥	٧	بجایی	بجای
١١٧	١٦	کہی	کہن